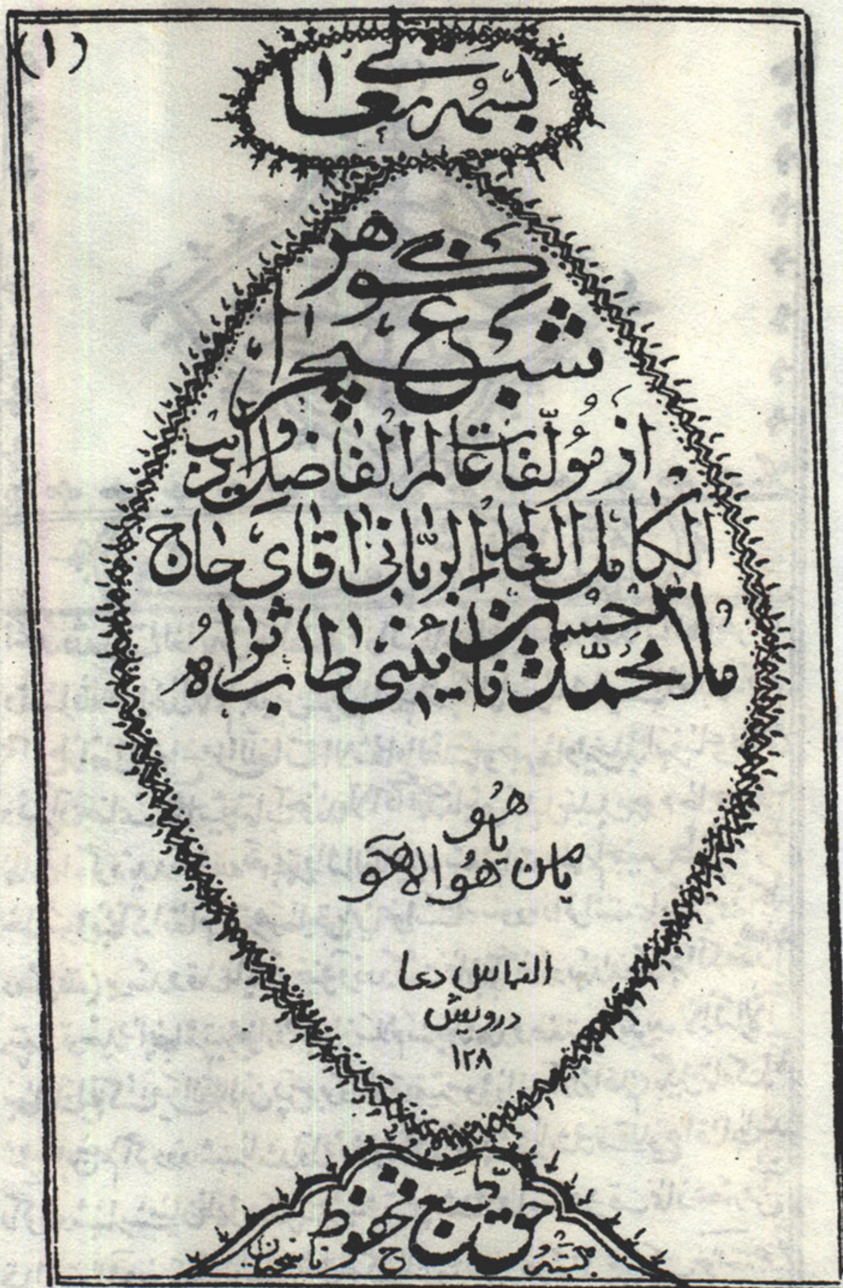


بسمه تعالی

گوهر شب چراغ

از مؤلفات عالم الفاضل وحید
الکامل العالم الربانی آقای حاج
ملا محمد حسن نایینی طاب ثراه

یا هو
یا من هو الا هو

التماس دعا
درویش
۱۲۸

حق طبع محفوظ



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین و بعد این رساله ایست از جلد دویم
طرائف السوانح من اللغات والاشعار والطلسمات و غیرها و این جلد ابن ساعی در طبع
و نشر آن جناب مستطاب شریعتمآب آخوند ملا آقا محمد کاشی سلیل جلیل مرحوم حاجی چاوش
طاب ثراه گردید وفقه الله تعالی بمحمد و آله الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین طریقه
ختم سوره مبارکه انعام بجهت هر حاجتی باین نحو است که سوره را قرائت نماید و چون بکلمه
(رسل الله) برسد توقف نماید برخیزد و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از حمد آیة الکرسی را هفت
مرتبه و توحید را پنجاه مرتبه بخواند و بعد از سلام سر بسجده نهد و هفتاد مرتبه بگوید لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین پس سر بردارد و بقیه سوره را از (الله اعلم) بگیرد و تمام کند اما
شروع این ختم اگر روز شنبه باشد اول روز ابتدا کند اگر یکشنبه باشد وقت طلوع آفتاب باشد
و اگر دوشنبه است میان ظهر و عصر و سه شنبه وقت چاشت و چهارشنبه وقت نماز عصر و پنجشنبه
قبل از زوال و جمعه بعد از عصر شروع کند تا غروب بجهت هر مطلب مجرب است خواجه سبحری

گویند که من این نماز را کردم و از خداوند تعالی دنیا طلبید چندان بمن عطا فرمود که
هزار غلام خریده و آزاد کردم والله العالم طریقه چون کسی خواهد که آینده احوال نفع
یا ضرر خود را معلوم کند باید که اسم سائل را با مطلب سائل امتزاج دهد و طالع وقت را
بر بیند که چه برج است و اوتاد طالع را با هر دو سطر نوشته امتزاج دهد و بعد از آن هر دو
سطر را یعنی سطر اسم و مطلب و سطر طالع را باهم در سطر امتزاج دهد تکسیر کند به بسط تکسیر
و بر بیند که حروف غیر مکرره چند است ترتیب سطری سازد و مرتبه دیگر بسط مقدم و مؤخر سازد که
جواب شافی را اصل خواهد شد چون تکسیر محتاج بکسر حروف است در آخر حروف را بگیریم که چون
شود احتیاج بفکر و سرگردانی نباشد مثال م ح م د مطلب سائل سفر و خوبست یا نه این اسم را
با مطلب مزاج کردیم باینطریق م س ح ف م ر د این سطر را با سطر طالع وقت و ابراج
اوتاد مزاج کنند باینطریق جوزا طالع وقت بود اوتاد او سنبله و قوس و حوت اول امزاج
کردیم اولی را با ثانی و همچنین ثالث را با رابع باین نحو ج و ز ا س ن ب ل ه مزاج کردیم
چنین شد ج س و ن ز ب ا ل ه بعد از آن قوس و حوت را باهم مزاج کردیم چنین شد
ق ح و و س ت این سطر را با سطر اول جمع کنیم باینطریق ح ق س ح و ن و س ب ت ا ل
ه ل این سطر را با سطر اسم و مطلب که مزاج کردیم چنین شد م ج س ق ح س ق ح م و
د و د ن م و س ذ ح س ف ب م ت ب ا د ل ه د این سطر را باید که بسط تکسیر نماید جواب
حاصل کند مثلا میم نصف ربع خمس ثمن عشر مجموع حروف را باید که چنین تکسیر
ک ی ح ه د
کند و بعد از آن یکبار دیگر تکسیر صدر و مؤخر کند تا زمام بیرون آید و حروف
اول بگیرد که احوال گذشته سائل ظاهر گردد و حروف آخرش را بگیرد که احوال
آینده معلوم شود اینست بیان استکشاف امور طریقه گویند جفر در لغت
بمعنی پوست بزغاله است یا آنکه بمعنای چاه روشن است و گویند اسم جعفر در اصل
جفر بوده و الحاق عین بجهت اشاره بآنست که از زمان واضع حقیقی این علم که حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام است تا زمان شارح و مکمل و مفصل آن که حضرت
صادق علیه السلام است هفتاد سال بود که حدیثی میباشد طریقه گویند در
حروف تهجی یازده حرفست که آنها را اجفریان حروف شفا گویند هرگاه بر عضوی از اعضای
آدمی دردی پیدا شود باید که یکحرف از اول آنعضو در دنباله بر دارد و یکحرف از حروف شفا
مذکوره و مبسوط ساخته بر موضع درد ببندد در حال ساکن شود انشاء الله تعالی بفرمان الهی
مثلا از برای درد سر باینطریق نویسد بسم الله الرحمن الرحیم د ب و ج و د د ه و و و ز ح
د ط د ی و ك و لا یا شافی کل مریض و بعضی حروف عضو مریض با تمام حروف حرف بعد از
آن نویسد بعضی بر میان آن نویسد فتأمل طریقه گویند بجهت جلب دراهم نوشتن و خواندن
این دعا نافع خواهد بود انشاء الله تعالی اللهم اقبض لی خمسة محمدیات مثلا من فلان بن فلان کما
قبض محمد صلعم غنائم الخیبر بحق یا قابض یا باسط برزقك کما قلت تبارکت و تعالیت فی
کتابك و یرزقه من حیث لا یحتسب طریقه للحب گویند روز دوشنبه چون آفتاب از میان
برود بنویسد برد رخت باو برد بود بیاید فتنا دو افتادو افتادوا فلان بن فلان علی حب
فلان بن فلان طریقه گویند نقلست از شیخ سلیمان که هرگاه اراده کنی که ببینی در خواب آنچه را
که میخواهی پس بخوان این دعا را ابیات پنج مرتبه و حال آنکه بوده باشی با وضو اللهم بنبوت
الالهیة و عظمة الصمدانیة و سطوة الربوبیة و عزة الجبروتیة و قدمة الفردانیة و قدم
الوحدانیة ان تصلی علی محمد و آل محمد صلعم و ان ترینی کذا و کذا طریقه نوع دیگر که گویند
از مجربات است بجهت دیدن مقصود در خواب اینستکه بنویسی این کلمات را و بگذاری در دست
و بخوابی تا عجایب بینی بشرط طهارت بدن و رخت و فراش و با وضو و تنها بودن و فرش سفید
و اتیان بان در شب جمعه یا شب دوشنبه یا شب پنجشنبه بطیطن دش ها د باسا
و عبا یمسو هیواسر، یحسواد طلبه دو رو باید چشمهای ها و طا و واو و عین و میم
گشاده باشد و برهم نباشد طریقه قیل حکی عن شیخنا البهائی انه لما سئل سائل عن

سهو

سهو النبی ص و عن کون الصدوق ره معتقداً بذلک اخبار بات ابن بابویه اولی بالسهو
عن النبی ص طریفه گویند هرگاه زهره سبزه را بکوبند و در سوراخ موش چپانند
بیرون نیایند طریفه گویند بجهة دولت و ثروت و کفایت مهمات در روز چهار
شنبه سوری که چهارشنبه آخر ماه صفر باشد سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن
این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله ص
اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابرهیم و بارک علیهم کما بارکت علیهم
و ترحم علیهم کما ترحمت علیه انک حمید مجید یا رب و همچنین در هر هفته در هر
چهارشنبه سر خود را تراشد و در وقت تراشیدن همین دعا مذکور را بخواند تا روز
چهارشنبه آخر ماه صفر دیگر بدون فاصله این عمل را بجای آورد هنوز سال تمام نشده
باشد که حقتعالی او را چندان دولتی دهد که از ضبط آن عاجز شود و مهمات او را
کفایت کند و گویند این عمل آزموده و مجربست طریفه گویند نقش کردن باب متصل
که مبنی است بر ۲۲ حرف بر دیوار خانه یا صندوق یا در و دیوار حصاری موجب اینست
که همه اینها در امان خدا از شر دزدان باشد و آنها اینست ا ب ج د ه و ز
ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت طریفه من اراد دخول الحمام للنورة
فلیجتنب الجماع قبل ذلک باثنی عشر ساعة و هو تمام طریفه گویند هر که
در وقت طلوع آفتاب این دعا را سه مرتبه رو بآفتاب نموده بخواند از درویشی خلاص
یابد انشاء الله تعالی سبحان ذی الشمس نوره و سوره و دوره و بقدره جلاله طریفه
گویند اگر سوره والعصر را بر کسی خواند که تب داشته باشد تب او زایل گردد طریفه
گویند اعتقاد بعضی اطبا بر اینستکه جماع با ثیبه انفع از جماع با بکر است چه در جماع بکر
لزوم تعنت و العاب و تنفر طبع از قذارت دم بکارتست بخلاف آن با ثیبه طریفه
گویند هرگاه زیبق را با توتیای حسکی و سرف و دلن مقطر بجوشانند کشته خواهد شد

طریفه

طریفه شیره دیره سبز را بر موضع ارضه بمالند دیگر ارضه بر نیاید طریفه گویند در
شب نیمه شعبان مستحبست سه نوبت سوره یس بخوانند اول بجهة طول عمر دوم جهة
غنی سیم رفع بلیات و عقب آن این دعا را بخوانند اللهم انک علیم حلیم ذو اناة و لا
طاقة لنا فاغفر لنا بحلمک یا ارحم الراحمین طریفه گویند بجهة اطلاع بحال مستقبل
در نیمه شب وضو بگیرد و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز سه مرتبه صلوات بفرستد و
رو بقبله مربع بنشیند و اسم الصمد را بخواند و در مصلی بخوابد آنچه مطلوبش باشد
در خواب ببیند انشاء الله یا هادی اهدنی یا علیم علمنی یا خبیر اخبرنی یا مبین بین لی طریفه
گویند مداومت بر ذکر الشهید ما بین شام و خفتن بر حسب کرده یدون فاهل باطن و غیب مطلع
بین الخلایق خواهد بود طریفه گویند در جامع ترمذی آورده که رسول خدا فرموده که
آیة الکرسی را در میان مال بخوانند یا بر فرزند ببندند از همه بلاها محفوظ مانند طریفه گویند
از صحابه منقولست که چون این حروف را بر صفحه نقره و بر دیوار باغ و سرا نویسند خداوند تعالی
آنها را از دزدان و آفات محفوظ دارد انشاء الله الم کهیعص طس حم ق ن طریفه عن النبی
من قرء القرآن و عظم الناس فکانما صاموا و افطروا بقوله طریفه عن مولانا الصادق انه قد
قتل فی کربلا قبل الحسین مائتی نبی و مائتی وصی و مائتی سبط طریفه گویند اگر کسی خواهد از
اسرار پنهانی آگاه شود سه شب متعاقب وضو سازد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از نماز یکصد و پنجاه
مرتبه اسم علیم را تکرار نماید و صلوات گوید تا در خواب و دار عالم غیب آن امر بدو نماید طریفه
عن ابی عبد الله علیه السلام لقضاء حاجة امرء مؤمن احب الی من عشرین حجة ینفق فیها صاحبها
مائة الف طریفه قیل لحصول المهمات تقرء بعد صلوة الصبح اربعین مرة یا باسط الیدین
بالرحمة ارحمنی طریفه قیل ان جبرئیل نزل علی ابراهیم خمسین مرة و علی موسی اربعمائة
مرة و علی عیسی عشرة مرات و علی محمد صلی الله علیه و آله اربع و عشرین الف مرة طریفه
قیل اول من عذب بالجدری قوم فرعون ثم بقی بعدهم طریفه قیل الجلنار بضم الجیم و فتح
اللام

اللام المشددة لا غیر دهر ة الزمان معرب طریفه فی الحدیث علیکم بحسن الجوار و
حسن الجوار نعم الزاد و قیل لیس حسن الجوار کف الاذی فقط بل تحمل الاذی منه ایضا طریفه
قیل الزعفران بضم الفا لا غیر طریفه فی الحدیث من لبس ثوبا بشهرة البسه الله ثوب
المذلة طریفه قیل طهران قریة باصفهان و قریة بالری طریفه ذو الثدیة لقب رجل
من الخوارج اسمه نرملة قتل یوم النهروان و هو تصغیر الثدی و دخول التا باللحاظ کون
الثدی بمعنا الید و هی مونثة و ذلک ان یده کانت قصیرة مقدار الثدی طریفه قیل
فی الحدیث الطاعون دعوة نبیکم ص و هی قوله ص اللهم اجعل فناء امتی بالطاعون طریفه
قیل المراد من ابن اروی فی الاخبار هو عثمان بن عفان لع و اروی امه طریفه ذکر ابن ابی الاعز
ان الله تعالی الف اسم و للنبی ص الف اسم و احسنها محمد و محمود و احمد طریفه قیل اقل المومن
منزلة فی الجنة من له فیها مثل الدنیا عشر مرات طریفه فی الحدیث البرق مخاریق الملائکة
المخاریق جمع مخراق و هو فی الاصل ثوب یلف و تضرب الصبیان بعضهم بعضا طریفه
فی الحدیث عن الصادق ع قال شکتا سافل الحیطان الی الله عز و جل من ثقل اعالیها فاوحی
الله تعالی الیها یحمل بعضکن بعضا طریفه فی حدیث اوصاف قم عن علی بن محمد العسکری ع
عن رسول الله ص الی ان قال الراوی فسئلت علی بن محمد العسکری ع متی ینتظرون الفرج
قال اذا ظهر الماء علی وجه الارض ای ارض قم قده طریفه گویند جهة اخراج ابن طلسم را
نوشته اید و ادر روز بر طلسم بنویسد هر کس منظور باشد در روز بر فرش گذارند هر کس
بالای آن بنشیند او اسود کرد دیگر بر نگردد و اگر باب بشوید و در حوالی بباشد
همان اثر دارد و اگر در زیر دیوار دفن کنند نیز همان اثر دارد و طلسم مذکور

	١	
٧	٥	٣
	١	

خروج ها

اینست طریفه فی الحدیث کان ما بین اکل آدم من الشجرة و بین ما تاب الله علیه
ثلثمائة سنة من ایام الدنیا طریفه قیل فی قوله تعالی و یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا
اراد بالکافر هنا ابلیس عاب آدم بان خلق من تراب و افتخر بالنار فیوم القیمة اذا رای
کرامة آدم ع و ولده من المومنین قال یا لیتنی کنت ترابا طریفه فی الحدیث تجدید الوضو

لصلوة

لصلوة العشاء بجز لا والله وبلی والله طرنیفه گویند امور غریبه که در عالم اجرام بواسطه
امور سماویه باشد آنرا طلسم گویند و اگر بواسطه اجرام عنصریه باشد آنرا نیرنج گویند طرنیفه
گویند هرگاه زاج و ابر آتش فکنند از رائحه او موش و مگس و امثال آن هلاک شوند طرنیفه
یکی از حکماء ربانیین میفرماید مقام توصیف غیر از مقام تسمیه است در مقام اول
ما را میرسد که خداوند تعالی را باوصاف کمالیه بخوانیم اگرچه موصوف را کما هو حقه نشناسیم
بخلاف مقام ثانی که موقوفست بمعرفت مسمی چه اسم دال بر مسمی است و ما را بمعرفت ذات
او تعالی راهی نیست از اینجهة است که میگویند اسماء الله توقیفیه است و بدون رخصت از
شارع اقدس جایز نیست فافهم طرنیفه قاعده وضعیه الهیه مکشوفة للراقم الاثم بعد
الریاضة العلیة والسیرة فی الاخبار الائمة المعصومة م وهی للدین الخالص لیس فیها شوب
من مشارب اهل الشوب من الفلاسفة والمتفلسفة والمتصوفة و سایر المبتدعة فخذها بقوة
من العقل الفطری والنور الزکی بالاذعان والیقین وکن من الشاکرین والحمد لله رب
العالمین فحاصل مفادها بالاختصار آنکه در مقام ستایش الهی دو مرحله را باید رعایت
نمود یکی مرحله تحمید و یکی مرحله تسبیح اول عبارت از آنست که خداوند تعالی وصف نمائیم
بصفاتیکه خود اثبات فرموده در کلام مبارک خود و خبر داده بآنها معصومین از انبیاء و اوصیاء
را نه غیر بجهة عدم استقلال عقل در اینمقام بلکه آنچه را عقلهای ما آنرا دارد انسکه و صنع
را که خود او را کمال قرار داده از برای او اثبات کنیم تا تعطیل کلی لازم نیاید آن هم از باب معاد
و ان النمل الصغار تزعم ان لله زبانیتین فتنا اینکه سد ابواب مدحات و توجهات و
دعوات و ترجیحات نشود و دارای اشیاء صفات کمالیه را از صقع اقدس اعدائیم لا
و در واقع توصیف در اینمقام بمعنی اثبات صفت نیست بلکه بمعنای نسبت دادن صفت
است که خود نسبت داده بخود تعبدا و امثال اینکه گویند شمس یعنی نسبت دادم شمس

ولنعم ما قیل — در هویت

در هویت بنیسته نفی و نه اثبات و نه سلب وانکه از اینها همه آن بی گمان بالاست

و مرحله دوم عبارت از آنستکه خداوند تعالی را منزه و مقدس دانیم از جمیع آنچه در وهم
مخلوق در آید از صفات متصوره مکاشفه ما کانت بمقتضای کلما میزتموه باوهامکم الخ
حتی از این تنزیه نیز او را باید تنزیه کنیم بجهة آنکه از عرصه امکان ما را عیانا و اذهان ما بظهور رسد
از جنس عالم امکان خواهد بود و با واجب تعالی هیچ مناسبتی نخواهد داشت ان الله خلو
من خلقه و خلقه خلو منه و الطریق مسدود و الطلب مردود و در کلام حضرت امیر المؤمنین
و امام الموحدین سلام الله علیه کمال التوحید نفی الصفات عنه کمال دلالت بر این مرحله
میباشد و آنچه در کلام اسلام آمده از اینکه صفات الهیه اتحاد با ذات واجب دارد یا عین
ذات اوست محمول بر حقیقت نیست چه اتحاد تابع با متبوع اعنی صفت با موصوف معقول
نیست با آنکه مسلم کل ایشانست که ذات مجهول مطلق و غیب مرسل است و صفات اگر با ذات
متحد میدانند مثل علم و قدرت و همچنین از برای آنها معنی قرار میدهند مثل انکشاف و توانائی
و غیر آنها پس این صفات نزد ایشان مجهول نیست و چگونه میشود متحد باشند با ذاتی که
مجهول مطلق است بلکه شاید مراد ایشان همان مرحله اولی باشد بنحوی که تقریر یافت
با تلمیح بمرحله ثانیه در اقرار ثم در اینمقام و هنگام تحریر این کلام متذکر وقتی از اوقات
سابقه خود در وقت صلوة ظهر بودم در حالت تعقیب در اوان قبل از بلوغ در حین صبی با زمان
زهاق که نفس الکلیه در آنحال الحیوانیت با اتحاد اشراق و استوائیت بر منبر صفاء
اخلاق و روحانی است در خصائل سلیمه مستقیمه و صیانتی است از رذائل ذمیمه مستقیمه گردید
که در آن وقت حالتی ملکوتیه اقبالیه دست داده فطرت اولیه او از مبدء فیاض مسئله حالیه و
مقالیه نمود که یا رب الها این ماده ساذجه غیر قابله را صور ها از علوم ربانیه کامله افاضت فرما
در آنحال در مقابل بدن شوب اوهام در حالت یقظه نه منام بگوش سر و قوه سامعه اشارت
ساطعه با جابت این مسئلت استماع شنید والحمد لله علی نعمائه الصوریة والمعنویة لها بعد از این تذکر
او را علی الفوریة الانیه هیئت اذعانیه و کیفیت اطمینانیه بصحت قاعده مذکوره در صفات سبحانیه حاصل

حاصل گردد بدیهیه با احتمال رجائی مؤدی و امکان وقوعی استعداد صحیحست انکه جلی
آن قاعده از مشئونات متولده آن بشارت و قاعدت بود باشد والله المتعال نهایة الامال
و وجا کل بال و لله الحمد علی کل حال طریقه گویند گوگرد زرد و سیماب هم بکوبند خوب
تا آنکه مخلوط شود که اثر هیچ یک نماند بعد از آن شیشه را تا بگردن بگل بگیرند و این معجون
در آن شیشه کنند بحرارت آتش گذارند و در شیشه را بگیرند و بقدر سوزنی باز گذارند
و با آتش گذارند یعنی حرارت آتش تا آنکه بخار او تمام شود پس در او را محکم کنند و بگذارند
تا سرد شود که شنجرف میشود انتهی تم طریقه گویند صفت گل حکمت بدین گونه است
دست سرخ و موی سر آدمی و خاکستر و خاک برنج و اگر خاک برنج نباشد بنمک و سرگین
بسازند طریقه ایضا گل حکمه باینطریق ساخته میشود خاک کوزه گری و جزو یک نرم
بکجزو و نمک یکجزو و موی مقرض قدری طریقه گویند نمک قلیا باینطریق باید گرفت که
قلیا سیاه را اگر هشت درد دیک کنند و آب بکنند بجوشانند و بگذارند تا سرد شود و نمک
قلیا بستر بقلیا چسبیده است بکار برند طریقه گویند زیبق براده گرده و شنجرف
در شیشه کنند و بگل حکمه بگیرند شیشه را و موحکمت بر سر شیشه گیرند که قایم شود و یکشبانه
روز در آتش تند گذارند یا در تون حمام تا عقد شود مثقالی بر پنج مثقال طرح کنند نقره
شود انتهی تم طریقه گویند اسم حضرت رسول ص را بر این
صورت که مذکور است بنویسند و در میان نام طالب و مطلوب نویسند
که مجربست طریقه در اسما فلزات طلا را شمس گویند
نقره را قمر قلع را مشتری مس را زهره سرب را زحل آهن
را مریخ نوشادر را عقاب و زیبق را علم کبریت را عروس طلق را کوکب الارض زاج سفید را
شب گویند طریقه در حل العلم بیاورند زیبق سه مثقال نوشادر یکمثقال در زیر زبل آب
دفن کنند هر روز زبل را تازه باید کرد روز بروز تا هفت روز که آنجا حل شود که بتوان نوشت
طریقه در جواهر مکنون آورده بجهت خلاصی انشد امد خوانند یا دوف یا رحیم یا نعمد و چهل چهار

محمد ... هل ترى

میگوئی که حاصل آن صد و نود و نه باشد عدد انارها خواهد بود وقس علی هذا بقیه
الامثلة وایضاً جواب دیگر آنکه ملاحظه میکنی مراتب اعداد سابقه آن معتبره را
که واحد و اعداد لاحقه او و با بعد آن مراتب مرتبه اخیره مراتب لاحقه که نود و نه باشد
همان عدد جماعت خواهد بود پس از آن عدد معتبره را ضرب میکنی در عدد جماعت
حاصل آن عدد انار خواهد بود و باید ملتفت این نکته شد که سلسله مراتب
لاحقه را که موازنه میکنی با سلسله مراتب سابقه هر مرتبه از یکی این دو سلسله
را که با مراتبه مقابله آن از سلسله دیگر جمع میکنی مجموع این دو مرتبه مطابق
با همان عدد معتبره خواهد بود فاغتنم ذلک فبصر طریفة گویند ارسطو
گوید چون مرجان را تکلیس کنند خاکستر آنرا بر زیبق زنند بسته و یابون زرد
شود مجربست طریفة گویند جیبا درخواند این اسم موجب غرابت دل و غنا
و دولت بحدی که مردم آن بلاد با و محتاج پیدا کنند یاجشتوا امیشور آذرغش
دار غلیون طریفة گویند روایت شده که هر که در چهار شنبه سوره
اینذغا را سه مرتبه بخواند و بر خود دمد بهم طبیعی رسد و بر دشمنان غالب
آید و تمام محتاج با و شوند و قرض او ادا شود و از بلیات محفوظ شود
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اصرف عنی شر هذا الیوم واعصمنی بعصمتک
من شرور هذا الشهر وجنبنی عما اخاف من نحوساته و کرباته بفضلک یا دافع
الشرور ویا مالک یوم النشور بلطفک یا ارحم الراحمین طریفة گویند
مرویست که هر که در روز چهار شنبه آخر ماه صفر سوره الم نشرح و والتین و اذا جاء
و قل هو الله و معوذتین و فاتحة الکتاب هر یکرا هفت مرتبه بخواند حق تعالی او را
غنی گرداند و از مقربان درگاه او شود طریفة فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی
روی عن المجلسی ره انه یستحب فی آخر اربعاء من صفر صلوة رکعتین یقرء فی الاولی
الحمد و آیة الملک الی قدیر و فی الثانیة الحمد و قل انما انا بشر مثلکم الی آخر السورة
و بعد

وبعد الفراغ يدعو بهذا الدعاء اللهم اصرف عني كيده وشومه وشوره وادرء في
نحره وبرکته وجنبني ما اخاف نحوسته وكربا تبتر بفضلك يا دافع الشرور ودافع الملمات
يوم النشور برحمتك يا ارحم الراحمين طريفة قيل ان اناسا اجتذبوا
ابا الهيثم بالسيوف فلم تقطع شيئا فسئل عن ذلك فقال كنت اقرأ هذه الآيات
ثم قال فرجت يوما مع جماعة فرأينا ذئبا يلاعب شاة عجفاء ولا يضرها شيئا فلما
دنونا منه نفر الذئب فوجدنا في عنقها كتابا فيه الآيات المذكورة ذكر ذلك
الشيخ كمال الدين الدميري في كتابه حيوة الحيوان وان الآيات من تلاها او حملها
كان في حفظ الله تعالى وكلائته وهي بسم الله الرحمن الرحيم ولا يؤده حفظهما وهو
العلي العظيم فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين له معقبات من بين يديه
ومن خلفه يحفظونه من امر الله ان ربي على كل شيء حفيظ انا نحن نزلنا الذكر
وانا له لحافظون وحفظناها من كل شيطان رجيم وحفظا من كل شيطان
مارد ان كل نفس لما عليها حافظ ان بطش ربك لشديد انه هو يبدئ و
يعيد وهو الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال لما يريد هل اتيك حديث
الجنود فرعون وثمود بل الذين كفروا في تكذيب والله من ورائهم محيط بل
هو قرآن مجيد في لوح محفوظ طريفة في البحار عن ابن عباس قال رسول
الله ص من قرأ يس والصافات يوم الجمعة ثم سئل الله تعالى اعطاه سؤله طريفة
گویند اگر موی زنان تمام چنانکه از آن نگسلد در آب شور افکنند مکشوف بود
و آفتاب بدارند تا تیر کند مار شود و اگر با آتش بر جراحت نهند نافع خواهد بود
و تدخین بموی آدمی نافع نسیان است طریفة گویند اگر کسیرا رعاف بود و خون
او منقطع نشود نام خود را بخون بر جبهه نویسد و پیش سر خود بندد خون منقطع
شود طریفه گویند تخم گندم باید از جنوب انسال باشد اگر دو سال بران بگذرد
ضعیف شود و اگر سه سال بگذرد دانه ندهد طریفة گویند اگر خواهند که مرغ

مرلاد

باد مدد بنیاد کم از جمله مجربات حقیر است طریقة فیه ایضا بجهة دفع دشمن از دور بخوانند
تا یکهفته هر روز صد و چهل و شش مرتبه بگوید حسبی الله که البته دفع آن میشود و آن
مرحوم شیخنا احمد الاحسائی نقل میکند بتجربه رسیده از امر مهم کو زود بیاید مطالب طریقة
فی الحدیث یکتب فی بیاض بعد البسملة اللهم انی اتوجه باحب الاسماء الیک واعظمها
لدیک واتقرب واتوسل الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین
وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد المهدی صلوات الله علیهم اجمعین اکفنی شر کذا
وکذا ثم یطوی الورقة ویجعلها فی بندقة طین ثم اطرحها فی ماء جار او بئر فانه سبحانه یفرج
عنک ومثل حول الورقة وفی نسخة هکذا ✚ طریقة روی عن النبی صلعم انه قال
لا راحة فی الدنیا الا فی ثلث ترک الدنیا وطلب العلم وصحبة الصالحین طریقة السخاوة
والجود عن طول الامة والیمن والخیر فی اواسط امتی والشوم واللوم فی قصارها طریقة
از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که حضرت رسول ص در شدت و اضطراب چون گفتی یا حی
یا قیوم در حال فرج رسیدی و از برای وسعت رزق در اوقات سحر تا طلوع آفتاب
بسیار موثر است طریقة قیل لرؤیة ما ترید فی النوم وعنده مفاتح الغیب الی قوله واسرع
الحاسبین فی اواسط سورة الانعام کتبها فی خرقة کتان ثم وضعها تحت راسه و سئل الله
تعالی ان یریه ما اشتبه علیه فانه یراه ان شاء الله تعالی طریقة قیل للتعلیق انا فتحنا لک فتحا مبینا ان
تستفتحوا فقد جاءکم الفتح فی العضد الایمن لجلب الرزق اثر عظیم طریقة قیل از جهة ازدیاد
ثروت و دولت مداومت بر قرائة سورة ق نافع و مجربست طریقة در داروی بیهوشی
گویند تریاک جوز بوا مشک قدری داخل چپق دماغ هر که رسانند بی هوش شود و سرش را در
آب سرد فرو برند بحال آید طریقة گویند هرگاه برگ چغندر را بجوشانند بر موی مالند سیاه
شود طریقة بجهة دفع درد دندان باد درخت چنار که تیغ داره در قلیان بکشند مجربست
طریقة گویند بجهة گمشده خواندن ناد علی مفید است طریقة گویند خواندن این دعا بجهة
دولت عظیمه و قضاء حوائج و اداء دین مفید است چنانکه رسول خدا ص او را تعلیم اعرابی فرمودند
و میراث

ومیراث بسیاری یابد و بسیار هفت ختم زود بیند اگر با زبرکت آن بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک یا فارج الهموم و یا کاشف الغموم و یا حی یا قیوم یا رحمن الدنیا و رحیمهما یا احد
یا صمد یا فرد یا وتر یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا رب یا مالک یا من لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد یا رب الارباب و یا مالک الرقاب و یا منشی السحاب الثقال یا مسبب الاسباب
و یا مفتح الابواب صل علی محمد و آله و افتح لی ابواب کرامتک و ابواب رحمتک و ابواب فضلک
و ابواب نعمتک و ابواب خیرک و ابواب شکرک و ابواب عنایتک و ابواب عافیتک و ابواب
احسانک و ابواب امنک یا رئوف یا رحیم یا سمیع الدعاء یا لطیفا لعباده صل علی محمد و آل
محمد و اسمع کلامی و استجب دعائی اللهم انی اعوذ بک من شر الجن و الانس و اعوذ بک
من البخل و الجبن و اعوذ بک من غلبة الدین و قهر الرجال برحمتک یا ارحم الراحمین و
صلی الله علی محمد و آله طریقه گویند سزاوار است غالب از اسماء الهیه اسم مناسب
مطلوب خود را پیدا کند مثلا طالب عزت اسم عزیز را و هکذا پس اولا یک مرتبه این اسم را
بخوانند اگر مقصود حاصل شد فبها و الا بعد حروف بخوانند اگر حاصل شد و الا بعد ملفوظی
بخوانند اگر حاصل شد و الا بعد ملفوظی و مکتوبی کواکب سبعه و جهات سته و موالید ثلثه
و الا بحساب ابجد بخوانند اگر حاصل شد و ملفوظی در اصطلاح اهل جفر سه حرفی را گویند
که آخرش از قسم اول نباشد و آن ۱۳ حرف است الف جیم دال ذال سین شین صاد ضاد
عین غین قاف کاف لام و مکتوبی ملبوبی سه حرفی را گویند که آخرش از قسم اول باشد و آن سه
حرف است میم و نون واو و مسروری دو حرفی را نامند و آن ۱۲ حرف است با تا ثا حا خا را زا طا
ظا فا ها یا و حرف اول را در این اصطلاح زبر گویند و باقی را بینات و در ملفوظی دو حرف
بینات است و در مکتوبی دو حرف که آخرش از قسم اول است و در مسروری یک حرف بینات است
و بینات مسروری را چندان اعتبار نیست و طریق اعراب جفر بنا بر قاعده مرحوم چنین است
هفت حرف مفتوح است ا و ی ل م ن ع هفت حرف مکسور است ه د ش ت ذ ص ط و هفت حرف مضموم
ج ز ل

ج ذ ل س ن ت ح و هفت حرف مجزوم ندخ د ظ غ ض ق ب طریقة گویند بود نزد
خشک خا در آب جوشانید و آن آب را بر چوب بریزند از ضرر مار آنچوب نکرد د طریقة گویند
هر که سه مرتبه یا مهیمن تبرا ایند عا بجهة حرکت کشتی از جا نرود بخواند موثر خواهد بود انشاء تعالی
اعتصمت بك یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلك طریقه نقل من الشیخ فی کتاب
مصباح الابرار عن المفضل قال دخلت علی الصادق ع ذات یوم فقال یا مفضل هل عرفت محمداً
وعلیاً وفاطمة والحسن والحسین کنه معرفتهم قلت لا قال یا مفضل من عرفهم کنه معرفتهم کان مؤمناً
قلت عرفنی ذلك یا سیدی قال یا مفضل تعلم انهم علموا ما خلق الله عز وجل وذراهم کلمة التقوی
وخزان السموات والارض والجبال والرمال والبحار وعلموا ما فی السماء من نجم وملك ووزن
الجبال وماء البحار وانهارها وعیونها وما تسقط من ورقة الا علموها ولا حبة فی ظلمات
الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین وهو فی علمهم قد علموا ذلك فقلت یا سیدی قد
علمت ذلك واقررت وامنت قال نعم یا مفضل نعم یا مکرم نعم یا طیب طبت وطابت لك الجنة ولکل
مؤمن بها طریقة گویند چون نحو عقب بیع و شرح ایه قالوا ادع لنا ربك یبین لنا ما هی ان
البقر تشابه علینا وانا ان شاء الله لمهتدون نزد از آن معامله غبن نه بیند و ایضا ایندعا را
بخواند یا خیر المعطین یا من الخیر بیده یا خیر دلیل یا دلیل الخیر یا مرشد یا هادی طریقة گویند که
کسی اسم ذو الجلال والاکرام را بر خاتم نقش کند و با خود دارد هر چه از خدا ایتم طلب کند بیابد انشاء
طریقة گویند بجهة شفا درد سینه این رب اشرح لی صدری الی یفقهوا قولی سه بار بر سینه بخواند
رفع خواهد شد انشاء تم طریقة گویند بجهة درد دندان بر کاغذ نویسد لکل نبأ مستقر و او را بر
دندان نهد درد ساکن طریقة گویند از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر که هزار غنی
بنویسد و با خود دارد و این اسم را ورد خود سازد یا غنی خداوند تعالی چندان مال باو عطا
فرماید که مردم متحیر مانند و ایندعا را نیز ورد خود سازد یا غنی رب غنی کریم طریقة
گویند اگر کسی از سوره زخرف ایه ولئن سألتهم من خلق السموات والارض لیقولن خلقهن العزیز
العلیم

العلیم الی قوله الی ربنا لمنقلبون را بخواند تا در خواب ببیند که پیر اسید که او را ارشاد کند
و او را از حیرت و سرگردانی خلاصی دهد طریفه گویند هر که رویت کرد در هر ماه نو که هلال
را ببیند بگوید بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک
وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما وینصرک الله نصرا عزیزا در آن
ماه فتح و نصرت یابد و اگر سوره مبارکه مبارک فتح را در اول ماه بخواند تا آخر دولت و جمعیت
ببیند و در هر ماه نو باسماد و اند امام ع باید نظر کرد و از انگشت شهادت دست راست
در دست چپ همین اسما را بنویسد و بر روی خود مالد در آن ماه فرح و شادی و فتح یابند
طریفه گویند این عزیمت است مشهوره بعزیمت ام موسی ع بجهة فتح جمیع بستگیها و فتوحات
کلیه و جزئیه بخوانند آثار عظیمه بینند حتی جهة قفلهای بسته بخوانند گشوده میشود و بجهة
تسکین درد اعضا بسیار مجربست بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح بلا مفتاح افتح ابنا بحر من بوبه ملک
ام موسی حرباث مریاث شریاث شیثاث کیراث طثناث تخفیف بوخایض نوخایض نوخابیو
یا جامرت یا کافلنا یا راحلنا یا منجینا یا تحبیه بوبخا بنت لاوی یعقوب یا مجری الفلک فی
البحر بامره ائتنی بالتابین وقت دحیم تسخر لی کذا و کذا و اینجا خواهد اسم برد که البته مجربست
طریفه گویند روایتست که هر که در روز جمعه میان دو نماز این آیه مبارکه را در کیل سطر
بنویسد و در کیسه خود نگاه دارد هر که کیسه او از زر خالی نشود و دولت و گشایش بروی
روی آورد و نعمت و روزی او فراوان گردد و مجربست بسم الله الرحمن الرحیم ولقد
مکناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون طریفه گویند
سوخته زاج را با سوخته جو و زغال چوب بید و زبد البحر دندان بمالند موجب سفیدی
و استحکام بران خواهد بود و همچنین هرگاه عسل را با نمک دریا مخلوط نموده بر دندان
مالند طریفه گویند از جناب سلمان فارسی رض روایتست که هر کس ده روز
بعد از نماز صبح قبل از سخن گفتن با کسی سوره یس را بخواند و اینجا را قبل از تلاوت
سوره مبارکه مزبوره ده مرتبه بخواند هر حاجت که بخواند حاجتش روا شود و اگر روا
نشود

نشود بر من لعنت کند چرا که اسم اعظم خداوند در این دعاء است بسم الله الرحمن الرحیم
یا قدیم یا دائم یا حی یا قیوم یا فرد یا وتر یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفواً احد وصلی الله علی محمد وآله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین
طریقة قیل اذا اردت ان تجعل القرطاس درهماً تغتسل یوم الجمعة وتلبس ثیاباً جدداً
او نظیفة وتصوم ذلک الیوم وتصلی رکعتین فی موضع خالی ثم تقطع مقداراً ما ترید
کاعداد علی سکة سلطان سلیمان ویکون شفعاً ولا وتراً ثم اقرأ علیها ثلاث مرات
سورة الاخلاص معکوسة کما تری عند طلوع الشمس وتنفث علیها ثم تقوم وتجیء
الی بیتک ثم تمشی الی المکان المذکور یحصل مقصودک باذن الله تم وهذه سورة
الاخلاص معکوسة بسم الله الرحمن الرحیم وهو عده احد کفواً له ولم یکن ولم
یولد ولم یلد الصمد احد الله هو قل طریقة فی کتاب التحفة الناظرة ان بعر الغنم
اذا احرق وسحق وعجن بخل وطلی به اللسعة العقربیة نفعها وکذا او وضع الفضة علی
الموضع وینفع اللسعة الزنبوریة الکراث اذا دق وجعل لطوخاً طریقة گویند
هرگاه کسی را مهمی پیش آید یا در کاری متحیر باشد باید برود در خلوتی و با اعتقاد
درست دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این دعا را بخواند و سر بسجده نهد
و مقصود خود را از خدا تم بخواهد و برخیزد و رو بآسمان کند و یکبار دیگر این دعا
بخواند اگر مطلوب در زیر کوه قاف باشد خداوند تعالی باو برساند بقدرت خود و
دعا اینست بالعزة والجبروت وکفرت بالجبت والطاغوت وتوکلت علی الحی الذی
لا یموت برحمتک یا ارحم الراحمین و از حضرت سجاد علیه السلام منقول است که فرمود
بخدا سوگند که دعا نکردم باین دعا برای هیچ امری مگر آنکه مستجاب شد طریقة
طریقة استخاره منسوب بحضرت بقیة الله ع در نزد جمع اکابر علماء و مجرب بوده در موارد
لا تحصی است که اول سه مرتبه صلوات بفرستد و قبضه از سبحه را بگیرد و از
یک سر سبحه جفت جفت طرح نماید اگر فرد بماند خوبست و اگر جفت بماند بد است

و در بعضی

و دیگر بعضی از نسخ آمده که اول سوره فاتحه را تا اهدنا الصراط المستقیم بخواند
و این کلمه را سه مرتبه تکرار کند و سه دفعه این دعا را بخواند یا من یعلم اهدِ من لا
یعلم و اگر خواهد درجه خوبی را نیز بفهمد یکدفعه دیگر استخاره بجهت ترک آن فعل
که مثلاً خوب بود و الا خوب وسط خواهد بود و همچنین درجه متساوات در جانب فعل و ترک بایا
نحو تشخیص داد و اگر تسبیح صد دانه باشد شاید بهتر باشد کما لا یخفی **طریفة** روی
عنه ع من قام لاخیه المؤمن نصف قیام خرج من ذنوبه کما خرجت الحیة من جلدها
و من قام قیاماً تاماً اعطاه الله بشارة لا یتم بعدها ابداً **طریفة** قد جاء فی
الحدیث ان صفیة اعتقت غلاماً ما تطوعاً و ماتت صفیة و مات معتقها و لم یخلف
و ترک مالاً فقال علی علیه السلام میراثه لی و لاخی و قال الزبیر بل اولی ع کان فی عهد
عمر فحکم للزبیر بذلک فقال علی ع هذا خلاف لما ورد به الشرع فان ولاء العتق المرئة
یکون لعصبتها و هم عاقلتها و لیس لاولادها **طریفة** قیل عن ابن الصید کل کلمة
فیها صاد و قاف فیها اللغات الثلاث کمساق و براق و بساق **طریفة** فی الحدیث
کان ع اذا اکل مع قوم کان اکثرهم اکلا و ذلک للمؤانسة و البشاشة **طریفة** قیل قد
یعبر عن ابی بکر ع بابن اکلة الذبان و الذبان بالکسر جمع الذباب بالضم کغراب **طریفة**
گویند از علائم ظهور حضرت قائم علیه السلام طلوع کوکب ذو ذنب است **طریفة** اطبا
طب جدید میگویند که استعمال دخانیات در حین نظر بکتاب ضرر بچشم خواهد بود
طریفة فی بعض الکتب اعلم وفقک الله تعالی ان هذا هو الاسم الاعظم المشهور بالحجاب
الکبیر شاه شاه و هو للحجب عن الاعداء عن الملوک و الامراء و ادفع للقتل من ذوی
الغدر و العناد و الهیبة و العظمة و الجلال و قد بلغ السعادة فی الدارین یا حافظ و ما حق
فداوم علیه تنل مطلوبک ان شاء الله تعالی و تغلب عدوک و له شرح طویل و خواص کثیرة و قد طوی
ذکرها الشیخ الجلیل ره و هو هذا بسم الله الرحمن الرحیم شاه شاه سادم سادم هلوب هلوب
هلوب طلیسم طلسم ایو مهیوم قیوم طاب و لاب بادوح و طاع بغیال مقطوع سلهوب دمال
مقطوع

مفطوع یا سیع ممایح الهم اسئلک بسر هذه الاسماء العظام ان یحجبنی عن شر ما یغانی
بنوه من خلقک من الجن والانس وان تهیج توحاشیة محبتهم علی بسر اسمک الخفی یا خفی
البر یا عظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **طریقة** گویند طریقه استخراج
از کلام الله المجید آنستکه مدعی را نوشته و جمع نموده و جمع را با عدد حروف سر
سور قرآن برابر و مطابق نموده و آن حروف سر سور که مطابق جمع مدعی شده را
تکسیر کند تا زمام بهم رسد در سطور تکسیر منصوبا و مغلوبا ملاحظه کند جوابی
مطابق سوال خواهد بود و این سر را از نا اهل پنهان دار که قاعده درست و صحیح
است **طریقة** دیگر آنکه مطلبی را اگر داری قصد کن و از کلام الله مجید تفال
نموده مصحف را گشوده سطر اول دست راست حروف غیر مکرره را بیرون نوشته
ملاحظه نماید که چند حرف است کسورات همان حروف را حرف بحرف در زیر همان
حرف نوشته و بعد وضع مکررات حروفات کسورات را در یک سطر نوشته ملاحظه
نماید وقتیکه حروف خالصه را جمع نموده از آن چه جواب بیرون خواهد آمد همان
جواب مدعی است و اگر خواهی حروف خالصه را تکسیر نما که زمام برسد و در سطور
تکسیر جواب مطابق سوال خواهد بود والله الموفق للصواب **طریقة** گویند
یکی از طرق ناطقه جفریه این طریقه است که حروف سوال را نوشته و وضع مکررات
نموده و خلاصه حروف را ملاحظه نماید که چند حرف است و کسورات همان حروف را
که بمنزله مستحصله است نوشته و مکررات حروف کسور را نیز وضع نموده و ملاحظه
نموده که بعد از وضع مکررات کسور چند حرف باقی مانده را بترتیب نوشته تامل
نماید که چه عبارت بیرون میاید از او که آن جواب سوال تو خواهد و بمنزله درجی است
هرگاه عملی کنی از نا اهل پنهان دار و بپوش که مرخص نفرموده اند **طریقة** گویند
یکی از طرق تفال کلام الله تع بطریقه جفریه آنست که صد مرتبه صلوات فرستاده

وابیرانی

آیه و اذ قتلتم نفساً فادّارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون خوانده و تعبیر
مطلب نموده بهل یکون کذا و کذا پس قرآن مجید را گشوده سطر اول صفحه یمنی را
مقطع نوشته استخراج نموده پس ملفوظی و مسروری و ملبوبی را جدا نموده از هر یک
حرفی برداشته باء را مقدم داشته بعد آتشی بعد آبی بعد خاکی بعد تکسیر نموده
در سطور تکسیر جواب حاصل شود انتهی ثم ملاحظه کسور حروف نماید ملفوظی
مسروری با ملبوبی را و طبایع بطریق ابیطغسد است طریفة قال الحکماء
البلاهة ادنی الی الخلاص من فطانة تبرء طریفة طریق محلوب نمودن طلق
آن سنگ طلق را در کیسه کرباس پر برنج با سنگ ریزها و بدست بمالند و بهم
فشار دهند و بدوشند تا طلق همچو شیر بیرون آید و آنرا خشک کنند والله العالم طریفة
گویند دهن طیبه عرق شخص خوشبوی شود و از هوای او بوی خوش آید طریفة
گویند حجر الاسود در آب غرق نشود و از آتش گرم نگردد طریفة قیل الاواد المهرود
الکلمة فارسیة من هرز الماء و سواء الزیادة علی المقدار المحتاج الیه طریفة فی الحدیث ان
قلوب الجهال تستفزها الاطماع طریفة قیل کل شیء بقدر حتی العجز والکیس و
الکیس ضد العجز وهو النشاط طریفة فی الحدیث لا تلبس القرمز لانه اردیة ابلیس
طریفة قیل قال الکفعمی ان الابالسة فیهم ذکور و اناث یتوالدون و لا یموتون بل یخلدون
فی الدنیا کما یخلد ابلیس بخلاف الجن فانهم یتوالدون و یموتون طریفة قیل قد یطلق
لفظ المذهب علی الکنیف و بیت الخلاء کما هو المستعمل فی بعض الاخبار طریفة قیل ما ورد
من تحریم الغیبة علی العموم حتی للفاسق المضر کما مال الیه بعض کلها من طرق اهل الخلاف
لمن تدبر ذلک طریفة المنذر با ناصفة للمعدة والکبد والطحال و للسعفة العقر نصمما دا
باصولها طریفة فی الخبر انه لعن السلتاء والمرهاء قیل السلتاء من لا تختضب من النساء کانها
سلت الخضاب من یدها ای قطعت والمرهاء من لا تکتحل فی عینها طریفة فی الخبر لا یروع
لعوقا

لغوتا ای مرئة ذات ولد طریفة اذا شبت الخصیة قلت الخصیان باسقاط التاء
طریفة فی الخبر راس العقل بعد الایمان بالله مداراة الناس طریفة
قیل فی الفرق بین النفس الزاکیة والنفس الزکیة ان الاول نفس لم تذنب قط و
الثانیة نفس اذنبت ثم غفرلها فکذا فی النسخة والظ انه بالعکس فتأمل طریفة
فی الحدیث لا باس بکوامخ المجوس هی جمع کامخ قیل وهو الذی یؤتدم به او قول العلامة الذی
یصنع فی بلدتنا نایش وتوابعها من اللبن وعجین الدقیق والقودنج ویعبر عنه بکامه
فی لسانهم طریفة فی الحدیث من لم یاخذ العلم عن رسول الله صلی الله علیه و آله
یمصون الثماد ویدعون النهر العظیم قیل الثماد هو الماء القلیل الذی لا مادة له طریفة
قیل ان یاجوج اسم للذکران ومأجوج اسم للاناث وان الترک قبیلة منهما کانت
خارج السد لما ردم ذو القرنین فامرهم بترکهم خارج السد فلذلک سموا ترکا
طریفة قال سئل ابن عباس ان الله تعالی یقسم بالسماء ذات البروج یعنی بالسماء
و بروجها قلت یا رسول الله ما ذاک قال اما السماء فانا و اما البروج فالائمة بعدی
اولهم علی و آخرهم المهدی صلوات الله علیهم اجمعین طریفة ان جعل القلیل
من صمغ الانجذان فی ثقبة الاحلیل انعظ نعاظاً قویاً مشتا طریفة بجهت دفع و رفع
گرفتاری و وقوع در ورطات طواری این دعا نافع بل مجرب است در مواقع بهر عقد و هفتاد
یا صد اشد و اسد اثرا خواهد بود بمشیة الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم الحمد ایاک نعبد و ایاک نستعین طریفة قیل اکتب
هذه الحروف علی کف یدک وضع علی المریض الذی ترید امتحانه وانظر هل یضحک
ام لا فان ضحک یخلص من المرض وان لم یضحک یموت و هی هذه هم هلال صکلا هط
هم ص هی طریفة قیل لرفع الحزن والتخشن العارض للمسن وهو المعبر عنه فی عرف
الطب بالضرس ذلک الملح مع اللبن الحلیب نافع جدا انتهی تم طریفة گویند بدان
مهزول

مهزوله دما انها اکثر از دما ابدان سمینه میباشد چنانکه قدرت بر جماع نیز دو
انها اکثر است طریفة من طلب المال بالکیمیا افلس طریفة عن ابن عباس
فی قوله تعالی ومن الارض مثلهن قال سبع ارضین فی کل ارض نبی کنبیکم وادم کادم
ونوح کنوح وابرهیم کابرهیم وعیسی کعیسی طریفة فی الحدیث الولد یکون من
البیضة الیسری فاذا قطعت ففیها ثلثا الدیة وفی الیمنی ثلث الدیة طریفة فی
المناقب قال عمران الصابی للرضا ما بال الرجل اذا کان مؤنثا والمرأة اذا کانت مذکرة
قال علة ذلک ان المرأة اذا حملت وصار الغلام منها فی الرحم موضع الجاریة کان
مؤنثا واذا صارت الجاریة موضع الغلام کانت مذکرة وذلک ان موضع الغلام
فی الرحم مما یلی میامنها والجاریة مما یلی میاسرها طریفة عن الشیخ فی الشفا ان الصحة
تحبلها ریح تهب من ناحیة الحمل ومن سماع صوته اقول هذا مما یکسر سورة استبعاد
بعض الحکماء الطعام استحبال مریم من النفخة الالهیة فافهم طریفة قیل مما یستدل
به علی ان الجسد المثالی موجود فی حال الحیوة ایضا الحدیث المروی فی تفسیر قوله یا من اظهر
الجمیل من ان فی العرش تمثالا لکل عبد فاذا اشتغل العبد بالعبادة رأت الملئکة تمثاله
واذا اشتغل بالمعصیة امر الله تعالی بعض الملائکة یحجبوه باجنحتهم لئلا تراه الملائکة
فذلک معنی قوله یا من اظهر الجمیل وستر القبیح فافهم طریفة فی الحدیث النبوی ص
یا علی ان ارواح شیعتک تصعد الی السماء فی رقادهم ووفاتهم فتنظر الملئکة الیها
کما ینظر الناس الی الهلال شوقا الیهم ولما یرون منزلتهم عند الله تعالی الخبر طریفة
فی الحدیث لولا ان یدخل الناس هوا کبر لسلمت علیکم الملئکة قبلا طریفة ان للعلم
طغیانا کطغیان المال اقول باطن الحدیث ظاهر وظاهره یقصم ظهر اهل الباطن واهل الظاهر
فتر ظاهرا و باطنا طریفة الفرسخ التام خمس وعشرون غلوة طریفة قیل القرء عند
اهل الحجاز الطهر وعند اهل العراق الحیض طریفة قیل دو زبان لیتنی حرف عین

ندارد قل

نداوند و بجای حرف عین الف میآورند چنانچه علیا را ایلیا و علی را الی و کنعان را کنان
مینویسند و در بعضی از زبانها در آخر اسماء حرف سین میآورند چنانکه در انجیل
عربیه مثلاً علیا را ایلیا مینویسند و در فارسیه الیاس و امنه را امینس مینویسند
طریفه گویند هر که در اول روز ماه فرودین پیش از آنکه سخن گوید پاره از شکر
تناول کند از آفات آن سال محروس ماند انتهی طریفه گویند زر متکون نشود
مگر در زمین ریگزار و کوهی که احجار و خوره داشته باشد بر خلاف سیم و آهن و نحاس
و کبریت متولد نشود مگر در زمین نمناک و خاک نرم و رطوبات هینه طریفه
گویند دخان زیبق بصر را ضعیف کند بسا باشد کور نماید چنانکه محمد بن زکریا در
حال شباب کیمیاگر بود و کور شد و رفت بغداد نزد طبیبی بجهة معالجه طبیب هزار دینار
گرفت و بعد از آن مداوا نمود محمد گفت کیمیا اینستکه قراضه را هزار دینار میکند نه آنکه
دو چشم را کور کند و بعد از آن بعلم طب مشغول گردید طریفه گویند این اشکال را
بخط حضرت امیر المؤمنین علیه السلام یافته اند بجهة رفع درد سر بنویسند
که مجربست و با خود دارد طریفه گویند بجهة حفظ از تخفیف قوم
در مجلسی که وارد شوی بگو پیش از سلام هنگام ورود اذهل اهبل اسبل سلام علیکم
طریفه گویند حروف خواتیم که هفت حرف منفصله که عبارتست از اینها لث ادز
دزولا در ضبط مال خانه و انعام موثر است در چهاردهم هر ماه نویسند بر حصار
خانه یا در پای صندوق نقش نمایند یا تعویذ با سبب غیره نمایند خواص عجیبه از آن بظهور
رسد انتهی طریفه گویند از برای عزم دعای نادعلی بطریق معروف بقصد خاصیت
ذکر کرده اند قدر کافر مهمات لوازم موثر دانسته اند از جمله خواص مذکوره اینستکه بجهت
شفای مرض صعب العلاج هفتاد مرتبه آنرا بر آب باران بخوانند و به بیمار خورانند شفا یابد
انتهی و اگر کسی رسولی بجائی فرستد سه مرتبه او را در گوش او بخوانند بجهة که میرود زود ساخته
شود

شود انشاء الله تعالى **طريفة** في خواص ناد علي ذكر في كتاب شفاء الصدور انه اذا قرأها الانسان
سبعا واربعين او ثمانيا واربعين مرة في اول ساعة من يوم الجمعة فانه يحبه كل احد حتى
عدوه ولتحصيل العلوم والحكمة تقرء في كل يوم وقت صلوة الظهر سبعين مرة ولقبول
السلاطين وجلالته عندهم تقرء ستة ايام كل يوم مائة مرة وصورة القرائة هكذا
ناد عليا مظهر العجائب تجده عونا لك في النوائب كل هم وغم سينجلي
بولايتك يا علي يا علي يا علي مع اعتصامها واختتامها اثنى عشرة مرة يوم الجمعة
قبل طلوع الشمس متوجها الى نحو المشرق ولا يبتدأ بالاعتصام ثم الاختتام وبعد الفراغ
يدعوا بدعاء رجال الغيب وبعد ذلك يقول يا رجال الغيب بحرمة ناد علي الذي ذكر
في هذا اقضوا حوائجي كلها كبيرها وصغيرها ولا تعوقوها ثم يتوجه الى القبلة
ويدعوا بما احب فانه تقضى حاجته ان شاء الله تعالى قبل وصول الجمعة الاخرى وامضيها
الى ثلث جمع وهو مجرب اما الاعتصام فهو يا الهي صمدي من عندك مددي وعليك
معتمدي اياك نعبد واياك نستعين واما الاختتام فهو يا غياث المستغيثين اغثني
يا علي ادركني انا من اعدائك بريء بريء بريء واما دعاء رجال الغيب فهو السلام
عليكم يا ارواح المقدسة اغيثوني بغوثة وانظروني بنظرة يا رقباء يا نجباء يا
ابدال يا اوتاد يا قطب يا غوث اغيثوني بحرمة محمد وآله واحبائه واتباعهم واشياعهم
صلى الله عليهم اجمعين **طريفة** قال بعض العلماء ان القادر العالم الحكيم دبر
تعلق جوهر النفس بالبدن على ثلثة انحاء احدها ان يقع ضوء النفس جميع اجزاء البدن
ظاهره وباطنه وذلك هو اليقظة وثانيها ان ينقطع ضوء النفس عن البدن بالكلية
وهو الموت وثالثها ان ينقطع ضوء النفس عن ظاهر البدن دون باطنه وهو النوم **طريفة**
قيل الاب مشتق من ابوة الصبي اي غذوته **طريفة** قيل ان آسية امرأة فرعون
كلما اراد فرعون ان يمسها تمثلت له شيطانة فقاربها وكان في عمره مع ام كلثوم **طريفة**
في الحديث لا شيء انكى لابليس وجنوده من زيارة الاخوان اي اذيهم واضر **طريفة** گویند از
تجربيات

تجربیات حاذقین اطباء است که در ابتداء بروز دملها تار عنکبوت بنمک
تر نمایند و بر آنها ضماد نمایند دفع آنها میکند و همچنین ضماد طحلب یعنی
حرقة الضفادع که جل وزغ باشد بر آنها سریع الاثر است و ایضا گویند
در آغاز دمل موم و آب نیم گرم کرده بر آن گذارند نافع خواهد بود انشاء الله تعالی
طریقه گویند اگر کسی روز پنجشنبه بنویسد آیه قل اللهم مالک الملک را
و در آب اندازد بیاشامد و بآن غسل کند طریقه من از اعداد دیدم یکعدد

گر و شش طرح میکردی فشد کم — وگر هم بر سر شش میفزودی — از آن بسیار
افزون می نشد هم — چو بر اسرار او واقف شوی تو — نگه دارش بضبط خویش محکم
که از تاثیر آن چندان بیابی — یقین دانی رموز اسم اعظم

عدد جمع واحد	نقصان	تتمه	عدد جمع احد	عدد جمع ابد
۱۲	۶	۱۳	۱۳	۶

الحاق	جمعا	عدد بسط واحد بدون بینه واو که مسدود است
۶	۱۳	

نقصان	تتمه	عدد بسط احد	عدد بسط ابد	الحاق	جمعا
۶	۱۵۵	۱۵۵	۱۴۹	۶	۱۵۵

پس یقین شد که احد اسم اعظم است طریقه گویند از سید محمد گیسو دراز نقل
است که خواندن این اسم اعظم در پنج وقت نماز بعد از هر نماز یکمرتبه موجب ده فائده
میشود مثل استجابت دعا و سلامتی ایمان و عدم تکاهل در نماز و روشنی چشم و
آسانی جان کندن و سهولت سؤال قبر و ادای قرض و رفع سستی بدن و زیادتی
قوت و روشنی قلب و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا شمعوا یا شعلکنا یا کادیا
یا نور انشاء الله اعلم اللهم احفظنی من جمیع الآفات و العاهات بحق التوریة و
الانجیل و الزبور و الفرقان و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین طریقه گویند بجهت عدم اطلاع نا اهل صورت اسم اعظم را
باین

با این رمز نوشته اند و آن اسم شریف پانزده حرفست چنانکه در یواقیت المواقیت
گفته است و صورتش رمز بوده اینست علصحه سبح
طریفه گویند اگر کسی این آیه را صد نوبت بخواند اگر زیر شمشیر باشد نجات
یابد فوقیهم الله شر ذلک الیوم ولقیهم نضرة و سرورا طریفه گویند هر که فندق
با خود دارد از لدغ عقرب ایمن شود طریفه گویند اگر خون از جائی بگشاید سرکه را
دیوند با زا پسند و اگر بدان طلا کنند صداع را بنشاند اگر از حرارت باشد طریفه
گویند مویز معده را قوة دهد و اگر با تخم خورند شکم را ببندد و اگر بی تخم خورند اطلاق
آورد طریفه گویند اگر از پوست جوز هندی که نارجیل باشد فتیله سازند و در چراغ
نهند و بر افروزند میان جمعی نهند در حال خواب بر ایشان غالب شود طریفه گویند
اگر تخم خربوزه را در میان گل نهند تا بوی گل گیرد و بعد از آن بکارند از آن تخم بوی
گل دهد طریفه گویند اشنان دندان را جلا دهد و رایحه او سرفه را زایل کند
طریفه گویند اکثار در اکل بادنجان مورث جذام خواهد بود طریفه گویند وقت
کشتن پیاز هرگاه وقت طلوع باشد ثمره او بسیار خوب خواهد شد و در وقت کشتن
پوست پیاز را از آن باز کنند که بغایت خوب شود طریفه گویند سیر بریان شده درد
دندان را زایل کند و از خواص سیر است که مداومت بر اکل آن رافع نجر صعب
العلاج میباشد طریفه گویند اگر نخود را بجوشانند در آب و آب آنرا مضمضه
نمایند درد دندان را فورا بنشاند طریفه گویند حیات از چوب گل بگریزند
و هرگاه ماری کیرا در نزد درخت گل بکرند مهلک بود و اگر اول گلی که از آن
اکمام بیرون آید بسته انگشت گیرند بدست چپ و در چشمها کشند درد
چشم را نافع بود و در قوت باصره بیفزاید و اگر خار در اعضا شکسته شود
گل را بدان طلا کنند بیرون آید طریفه گویند اگر گل اصفر را بر موضع
لسع مار افشانند بکر از نافع بود و طلای نعت نیز بر آن نافع خواهد بود
و گویند

وگویند حب آن درد شکم اگر نیم مثقال از نفت را بخورد نافع خواهد بود
طریفه گویند اگر پوست جوز را بسوزانند و مار ان قروح را خشک کند
و اگر جوز را با پوست بسوزانند و بر موی مالند سیاه کند طریفه گویند اگر
ورق توت سیاه را بپزند با آب باران از بهر خضاب موی بغایت نیکو بود و اگر
بعصاره ورق توت حامض مضمضه کند رفع درد دندان نافع بود طریفه
گویند اگر سماری از درختان بر سازند و بر درخت انار کوبند جمله ثمرات او اصلاح
آید چنانکه از او هیچ نیفتد طریفه گویند ضماد خشخاش بر پیشانی بجهة درد سر
نافع است طریفه گویند دیوارها از طاعون را دفع کند و بصر را تیز کند
طریفه گویند شرب نمودن از ظرفهای مسین اسهال آورد و بهتر آنست که
هرچه در آنها پخته شود زود بیرون آورند تا گرمست و الا مضر خواهد بود
طریفه گویند بجهة سرفه کهنه که سرفه بعد از نوزده علاج شود سر حماد را اندر سیر خشک
را بجایند و آب آنرا بیندازند آنگاه موثر خواهد بود طریفه گویند اگر برگ
بادهنگ را روی زخم گذارند التیام یابد و اگر پشت آنرا بگذارند باعث شدت
زخم خواهد شد طریفه قیل اذا کسد متاع فلیکتب هذا الدعا و یجعل فی وسط
المتاع بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله و الله اکبر سبحان الله و الحمد لله
کثیرا اللهم انی اسئلك من فضلك و رحمتك فانهما بیدك لا یملکها احد
غیرك و صلی الله علی محمد و آله طریفه گویند بجهة دفع شپش و جانور
دیگر از بدن کندر را با روغن کنجد بجوشانند و بر بدن مالند و ایضا پوست نار
ترش را با روغن بجوشانند و بر خود مالند طریفه گویند تریاک مصنوعی را
باین نحو ساخته میشود مصطکی یک مثقال کوکنار یکمن نشاسته یک و قیر زعفران
یک مثقال اجزاء مذکور را بجوشانند تا چهار یک شود پس خشک کنند و بمالند

طریفه

طریفه گویند هرگاه کسی مشغول یکی از اعمال جفریه مقرره شود این آیه
را که بلی قادرین علی ان نسوی بنانه باشد بخواند یا آنکه بر کف دست راست
خود بنویسد علی قول بر عمل او آثار نافعه مرتب خواهد شد ان شاء الله تعالی و شاید این
امر در شروع هر عملی نافع خواهد بوده باشد فاحفظه عن الاغیار و ضعه فی حرز
الاسرار طریفه جفریه در استکشاف احوال آینده گویند حسین بن منصور
حلاج در کتاب سر الاسرار ذکر نموده که سوال سائل یا مطلب خود را با طالع
وقت و اوتاد طالع جمع نماید مجموع را بسط تکسیر نماید و حروف اگر از کسورات
مستخلص شد جمع کند و خلاصه کرده تکسیر نماید که ابتدا از سطور تکسیر کلمه که
جواب شافی تواند بود از سوال بیرون آید اما اصابه آنست که جواب مطابق
باشد یعنی عربی را عربی فارسی را فارسی و غیره هر چه باشد اصل حصول مطالب (نعمت)
طریفه گویند هرگاه سوره مبارکه سبع المثانی را در یک مجلس بعدد اسم
مطلوب بخوانند مطلوب حاصل گردد و مجرب شده طریفه گویند هر که
این شکل را بر ناخن بنویسد و شروع در خواندن سوره یس
کند هر که را خواهد حاضر گردد ان شاء الله تعالی که بطور مشروع باشد طریفه
فی المهج و من ذلک دعا مولانا و مقتدانا امیر المؤمنین علیه السلام تعلق علی
الانسان عن علی بن ابی طالب انه قال من تعذر علیه رزقه و تعلقت علیه مذاهب
المطالب فی معاشه ثم کتب له هذا الکلام فی رق ظبی او قطعة من ادم و علقه علیه
او جعله فی بعض ثیابه التی یلبسها فلم یفارقه وسع الله رزقه و فتح علیه ابواب المطالب
فی معاشه من حیث لا یحتسب و هو اللهم لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد و لا صبر له
علی البلاء و لا قوة له علی الفقر و الفاقة اللهم فصل علی محمد و آل محمد و لا تحظر
علی فلان بن فلان رزقک و لا تقتر علیه سعة ما عندک و لا تحرمه فضلک و لا تحسمه
من جزیل

من جزيل قسمك و لا تكله الى خلقك و لا الى نفسه فيعجز عنها و يضعف عن القيام فيما يصلحه و يصلح ما قبله بل تنفرد بلمّ شعثه و تولّى كفايته و انظر اليه في جميع اموره انك ان وكلته الى خلقك لم ينفعوه و ان الجأ الى اقربائه حرموه و ان اعطوه اعطوه قليلاً نكداً و ان منعوه منعوه كثيراً و ان بخلوا بخلوا و هم للبخل اهل اللهم اغن فلان بن فلان من فضلك و لا تخله منه فانه مضطر اليك فقير الى ما في يديك و انت غني عنه و انت به خبير عليم و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدراً ان مع العسر يسراً و من يتق الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب **طريفة** گويند بجهة تسخير و محبت و عقد اللسان اين شكل را با خود دارد

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

ام على الله تفترون كذبا

قال رجل لابي جعفر ع يا ابن رسول الله كيف اعرف ان ليلة القدر تكون في كل سنة مرة قال اذا اتى شهر رمضان فاقرء سورة الدخان في كل ليلة مرة و اذا اتت ليلة ثلث و عشرين فانك ناظر الى تصديق الذي عنه سئلت **طريفة** في البحار علماء ميفرمايد در نزد ترجمه حديث بكى از آنكه هر ركعتي در جماعت بيست و چهار ركعت است كه هر ركعتي دوست تراست بسوي خدا از عبادت چهل سال مؤلف گويند كه از اين حديث ظاهر ميشود كه هر ركعت نماز جماعت و سنت تراويح بيش جيفه از هصدي شصت سال عبادت **طريقة** قيل مشهور ميان علماء اينكه هرگاه كسي نماز را ترك كند بدون آنكه حلال داند ترك آنرا عاصي است و كافر نيست و ليكن بعضي از اخبار صحيح و غيرها چنانكه در حبل المتين و كافي است صريح در كفر و معامله با كفار با او بايد كرد **طريقة** للنجاحي ز شيخ چله نشين در ويلش و حيله كه هست چله و بيست در تر ز چله وي **طريقة** از حضرت صادق عليه السلام روايت است كه فرمودند صراط المستقيم امير المؤمنين عليه السلام است و شناختن آنحضرت و دليل بر اين

و قول

قول خدایتعالی است که و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم و ان علی حکیم که در ام الکتاب است امیر مؤمنان علیه السلام است و در قوله تعالی الصراط المستقیم بعضی از علما میفرمایند این صریح است درانکه مراد از ام الکتاب درین ایه سوره فاتحه است فافهم

طریفه گویند چون بد روح را تکسیر کنند و با خود دارند از کل مکروهات در امان باشند و در خزانه و میان اموال بدارند برکت نیکو او در مخزن او نیز دخوا ان هر روز بیست و شش بار دود میدهد برچیزی موجب حفظ آن خواهد شد

طریفه گویند که این مربع را بنویسند بابن صورت و انرا در زیر سر بیمار نهند شفا یابد و این بکرات بتجربه رسیده است

طریفه گویند هرکه در هر شب جمعه بر بیست لقمه نان کلمه عدل را بنویسد و بخورد خلایق مطیع او گردند

حسبنا الله و نعم الوکیل
یا حی
لا تقربی فلان
بن فلان

طریفه گویند اگر خواهی کنیزی از خود دور گردانی نه مرتبه انا اعطیناک الکوثر را بخوان و بجانب او بدم باختیار خود برود طریفه بعد اسم مطلوب بر فلفل بخواند این کلمات را و در اتش ریزد حاضر شود اگر مشروع باشد اطاعه اطاعه اطاعه سر بعیر اهنین دهین مریم اقنوین سنوییم بریم جلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان طریفه ایضا این طلسم را نوشته بر باد بیاویزد حاضر شود در صورت مشروعیت طریفه بجهة فصاحت زبان و زیادتی فهم این سطر را بعدد جمل ۲۱۶ بار بخواند و تکسیرش کند که مجربست یا مالک یا مالک یا ذال طریفه گویند در تسخیر عموم خلق هرکس باشد از اعلی و ادنی از جن و انس

٨	١	۶
٣	٥	٧
۴	٩	٢

بر بیند

بر بنید که اسم آن شخص چند حرفست بعدد هر حرفی اسمی از اسماء ۲۸ گانه ۹۹ بار بشمریم
که مناسب و موافق حروف نام اسم است بردارد و بعدد همان اسم بخواند مثلا اسم
آن شخص محمود است خواستیم اسماء استخراج نمائیم این اسم پنج حرفست حرف مکرر را
که میم است انداختیم چهار حرف باقی ماند م ح و د اسم حرف میم باری که عدد آن
در جمل کبیر ۲۱۳ این اسم را باین عدد خواندیم اسم حرف ح مهیمن است بعدد ۱۴۵
عدد است از اینرو بان عدد خواندیم اسم حرف واو سلام است ۱۳۱ عدد است
از اینرو بان عدد خواندیم تا تمام شد اسم حرف دال ملک است ۹۰ عدد است بان
عدد خواندیم و در تمام اسمها باینطریق باید خواند و یک نوبت دیگر اسمها را بعدد
اسم مطلوب بخواند که البته مسخر گردد انتهی قول دیگر آنستکه بعدد اسم شخص
خوانده شود بزودی اثر میدهد مثلا میم که عدد آن ۴۰ است اسم باری که
مخصوص میم است ۴۰ مرتبه بخواند و ح که هشت عدد است اسم مهیمن که مخصوص
اوست ۸ مرتبه بخواند و همچنین واو و دال که حروف اسم تمام شود که البته مسخر
شود بعون الله تم و تفصیل حروف اسماء اینست الف الله ۶۶ ب رحمن ۲۹۸ ج رحیم ۲۵۸
د ملک ۹۰ ه قدوس ۱۷۰ و سلام ۱۳۱ ن مؤمن ۱۳۶ ح مهیمن ۱۴۵ ط عزیز ۹۴ ی جبار ۲۰۶ ک
متکبر ۶۶۲ ل خالق ۷۳۱ م باری ۲۱۳ ن مصور ۳۳۶ س الغفار ۱۲۸۱ ع قهار ۳۰۶ ف وهاب ۱۴
ص رزاق ۳۰۸ ق فتاح ۴۸۹ ر علیم ۱۵۰ ش قابض ۹۰۳ ت باسط ۷۲ ث حافظ ۹۸۹ خ رافع ۳۵۱
ذ معز ۱۱۷ ض مذل ۷۷۵ ظ سمیع [illegible] غ بصیر ۳۰۲ طریقة قد عد الشهید قدس
سره فی الالفیة من مستحبات الخلوة وسننها الصفیر فی الاستنجاء و هو
ان یظهر بین الید والمحل صوت حیث یمکن کما لو کان الماء باردا واوجبه
سلار وایضا عد منها استعمال الماء البارد فی الاستنجاء لدفع البواسیر فانه یقطع
دماه

رواه ابی بصیر عن الصادق ع طریقة گویند خواندن اسم مبارک یا لطیف را
یکصد و بیست و نه مرتبه بجهة کفایت مهمات از مجربات است و از آیات عجیبات است فمن شاء
فلیصبر و اغتنم طریقة قیل قال النبی ص من امسک لسانه من الفضول فکانما قرأ
القرآن و عمل به طریقة هر چیزی که حاجت خلق بان بیشتر است وجدان اسهل خواهد
بود چنانکه در عناصر مشهود است و چون حاجت خلق برحمت خدا عز و جل از همه چیز بیشتر
است لهذا باید رحمت او تعالی هم از همه چیز وجدان و اسهل باشد طریقة قیل سئل عن النبی ص
ای الاعمال احب الی الله تعالی قال ص الحال المرتحل یعنی اختتام القرآن و وصل آخره باوله
مع القرائة منه الی قوله و هم المفلحون سواء کان معلما او متعلما او تالیا و سواء کان
بقرائة واحدة او لا طریقة قیل روی عن الصادق ع هذا الدعا بعد تلاوة القرآن
اللهم ارزقنا بکل کلمة کرامة و بکل حرف جزاء اللهم ارزقنا بالالف الفة و بالباء برکة و
بالتاء توبة و بالثاء ثوابا و بالجیم جزاء و بالحاء حلاوة و بالخاء خلدا و بالدال دولة و بالذال
ذکاء و بالراء رفقا و بالزاء زلفة و بالسین سناء و بالشین شفاء و بالصاد صدقا و بالضاد
ضیاء و بالطاء طرفا و بالظاء ظفرا و بالعین عنایة و بالغین غناء و بالفاء فلاحا و
بالقاف قربة و بالکاف کفایة و باللام لطفا و بالمیم مغفرة و بالنون نورا
و بالواو وصلة و بالهاء هدایة و بالیاء یسرا و یمنا و صلی الله علی سیدنا
محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین طریقة کان العلماء اذا علموا
اسم شخص من الاشخاص الروحانیة و لم یعلموا طبعه و تاثیره استخرجوا من
حروف اسمه ما یدل علیه من الطبایع و التاثیر فیکون ذلک بخصه کما
یخص اسمه و یکتب عنه مما هو مختص به قال ع و انه لکتاب المبین الذی
یا حی قیوم یظهر المضمر فتامل طریقة گویند هر که سوره قل یا ایها الکافرون را
در وقت طلوع آفتاب روز یکشنبه ده مرتبه بخواند حاجت او روا شود انشاء الله تعالی

طریقة

طریقه گویند از شیخ بهائی ره منقولست که هر که در روز چهارشنبه
شروع کند تا ده روز که آخر آن جمعه باشد هر روز صد مرتبه این دعا را
بخواند با حضور قلب با طهارت بدن و جامه پاک اگر مطلب او حاصل
نشد بر من لعنت کند بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح الابواب یا مقلب
القلوب و الابصار یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین توکلت علیک
یا رب فاقض حاجتی واکف مهمی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی محمد و آله اجمعین طریقه گویند بجهة غنا دو رکعت نماز
حاجت کند از دبه نیت توانگری بجزای آنکه در روز چهارشنبه چهل مرتبه
سورة الکوثر بخواند طریقه گویند بجهة قضای کلیه حاجات کائنة ما کانت
بعد از نماز صبح صد مرتبه خفی و صد مرتبه جلی بخواند بحضور قلب و خضوع
و نجیناه من الکرب العظیم طریقه گویند بجهة ظهور گم شده و آمدن
غائب و عاقبت کار خود و آشکار شدن سبب به عدد بهای پنجشنبه در یک مجلس دو هزار و
صد مرتبه و اگر نتواند دویست و یکمرتبه بخواند مقصود حاصل گردد یا در خواب
یا در بیداری باو نشان دهند الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء و الارض ان
ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر طریقه گویند بجهة فتح مهمات هفتاد و
نه مرتبه سوره اخلاص را معکوسا بر گلاب بخواند و بعد از آن گلاب شستن روی را اثر
عظیم دارد بدین صورت وحا اوفل هل نکی ملود لوی ملود لی مل د مصلاه
هلاء دحا اهلاء و هلو میخر الفحا و الهلاء المسبب طریقه فی الحدیث من طلب
الدنیا حلالا استعفافا عن المسئلة و تعطفا علی عیاله و تلطفا علی جاره
لقی الله تعالی و تبارک یوم القیمة و وجهه کالقمر لیلة البدر طریقه فی الحدیث من علم
القرآن غیره فکانما حج البیت عشرة آلاف مرة و اعتمر عشرة آلاف عمرة و اعتق عشرة
آلاف

الا اعتق من ولد اسماعیل و غزا عشرة الا غزوة فی سبیل الله و اطعم عشرة الاف
مسکین مسلم و یکتب بکل حرف عشرة حسنات و یمحی عنه عشرة سیئات و یکون
معه فی قبره یتصل میزانه **طریفه** قیل رسم الخط الذی تداول فی المصاحف سنة
متبعة لا بد من اتباعها و مخالفتها بدعة قال العلامه فی شرح مختصر الاصول ان
الصحابة اعلم من الناس بکتابتها فما کتبوا شیئا الا بحکمة لطیفة و معرفة بلیغة
و بحذف التاء و اما فی المصحف و قد تظهر ثمرة اتباع رسم الخط المصاحف فی الوقف
و الوصل اما ما کان فیه الاختلاف فی المد و القصر فی الخط فهو تاء التانیث التی
تکون فی الوقف هاء فاذا رسمت بالتاء الممدوده خطاء عند بعضهم فوقفها بالتاء
و اذا رسمت بالتاء المقصوره فوقفها بالهاء بالاتفاق کما فی مثل الرحمة بالتاء المقصورة
و بالهاء فی الوقف فی جمیع القران و الاختلاف فی وقفها بالهاء الا فی سبعة مواضع
منها یرجون رحمة الله فی البقرة فنفقد الباقی **طریفة** قیل من کتب اسم
السریع القریب امسکه لم یعسر شیء یرید علیه و یسخر به جمیع افعاله تسخیر عام و هذه

ب	ی	ر	ق	ع	ی	ر	س
س	ر	ر	ی	ب	ق	ع	ی
ق	س	ع	ر	ر	ب	ی	ی
ر	ب	س	ی	ی	ع	ق	ر
ی	ق	ی	ر	ر	س	ب	ع
ع	ر	ق	س	ی	ی	ر	ب
ی	ی	ب	ع	ق	ر	س	ر
ر	ع	ی	ب	س	ر	ی	ق

صورة وضعه **طریفة** عدد اسم سریع
با عدد لفظ قمر مساوی است فافهم **طریفة**
فی قاعدة حسابیة سمحت بخاطر هذا الراقم
الاثم و هی من منفرداته و ان اینست که
پرسند جماعتی بباغ در آمدند یکی از آنها
یک انار چید و دیگری دو انار و دیگری سه
انار و برابن قیاس چون انارها را جمع نموده قسمت کردند هر کدام ده انار رسید
این جماعت چند نفر بوده اند و عدد انارها چند بوده گوییم جواب این سوال
را اهل حساب بقاعده تحلیل و قاعده خطایین داده اند و راقم اثم جواب بقاعده
سهله مختصر که عدد مقسوم بر که در باشد دو عدد تالی سابق او که نه باشد میگذارد
نوزده میشود همان عدد جماعت خواهد بود و همان عدد مقسوم بر راد و نه عدد جماعت ضرب
میکنیم

فولاد گرد انند انرا عرض کنند بر اتش تا سرخ شود انگاه انرا در دوغ ترش یا در
اب انار اندازند و سه نوبت مکرر نمایند طریفه گویند اگر سنگی بقدر بیست
مثقال بر دم یا بر گوش حمار بندند بانگ نکند طریفه گویند مار نر
هر سال یک پوست بیندازد و بنقطه قفای او ظاهر میشود و ان عدد
سالهای او بود و اگر مار را عقرب بزند نمک طلبد و در میان ان بخوابد
والا هلاک گردد طریفه گویند خروس در مدت خود یک بیضه نهد
و انرا بیضة الفقرا گویند چنانکه شاعر گوید انعام خواجه با من مسکین
بعمر خویش چون بیضه خروس یکی بار بود و بس طریفه گویند چون مرغ
خانگی فربه شود بیضه نهد چون زنان فربه طریفه الجمعة بضم المیم
لغة الحجاز و فتحها لغة بنی تمیم و اسکانها لغة عقیل و قیل الجمعة بسکون
المیم اسم الایام الاسبوع و اولها السبت طریفه فی کتاب عن امیر المؤمنین
من کتب هذه الاسماء العظام فی یوم الجمعة من اخر شهر رمضان المبارک
وحمله معه کان محفوظا فی نفسه و عیاله و اهله و داره و متاعه من جمیع
البلیات و الخطرات و المکروهات و شر الجن و الانس و الامراض و هو هذا
بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله انت یا الله یا محیط علمک کفکوک کفا بین
و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین فالله خیر
حافظا و هو ارحم الراحمین منصور ابا تراب بحق منصور توجه حیث شئت فانک
منصور محمد علی فاطمه حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن الحجة القائم
الخضر علیهم السلام قطمیر و لو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او
کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا [illegible]
م [illegible] یا حفیظ یا رقیب
طریفه فی الحدیث طلاق الدنیا مهر الجنة طریفه لا تستخف بالعلم و اهله
الا احمق

الا احمق جاهل طريفة في الحديث عقول الرجال في اطراف اقلامهم طريفة
في الحديث كتاب الرجل ابلغ من نطقه طريفة قيل نية المؤمن افضل من عمله كما في
الاخبار من وجهين احدهما ان نوع نية افضل من نوع عمله فان عمله قليل و نيته كثيرة
فهو ينوي ان يعمل اعمالا كثيرة ولا يتمكن منها وثانيهما انها افضل من عمله خصوصا فانه يريد
ان يزكي عمله و يؤديه على وجه لا يشوبه نقص و دنس بوجه من الوجوه ولا يقدر على
ان يعمل على ما تحب فنية المؤمن دائما افضل من عمله و يعطيه الله تع بنيته من
الاجر ما لا يعطيه بعمله نوعا و شخصا طريفة قيل من كتب في جمعة الاخيرة
من شهر رمضان هذه الحروف في سطر واحد طولاني وحمله معه كان في حفظ الله
تعالى من جميع الافات و البليات الى مثله من السنة المستقبلة وذلك ان سيد
المحققين من الحكماء الآقا مير محمد باقر الداماد الاسترابادي قده كان يقول ان
وقت كتابته بعد الفراغ من ظهر يوم الجمعة الى الغروب و هو هذا بسم الله
الرحمن الرحيم لا الآء الا الا هو يا الله محيط به علمك كلع س س اه
ن و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين الله محمد
علي فاطمه الحسن و الحسين علي محمد جعفر موسى علي محمد علي الحسن المهدي الحضر
مطلوب روح سمح فيصو فتوجه حيث تشتنا تك منصور بالخيرات موفق كهيعص
حمعسق فالله خير حافظا و هو ارحم الراحمين بدوح دل ٨ ✡ ✢ ٢ ١١٥ آ
م ٥ ١١١ ه ف اباتراب اباتراب اباتراب وقد يكتب ايضا بعد البسملة و لو ان
قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا
طريفة روي في العلل عن جعفر بن محمد بن عمارة عن ابيه قال سمعت الصادق ع
يقول المؤمن علوي لانه علا في المعرفة و المؤمن الهاشمي لانه هشم الضلالة و المؤمن
قرشي لانه اقر اما الشيء المأخوذ و المؤمن العجمي لانه استعجم عليه ابواب الشر و المؤمن
عربي كتابه المنزل بلسان عربي و المؤمن نبطي لانه استنبط العلم و المؤمن مهاجري

لانه هجر السيئات و المؤمن انصاري لانه نصر الله ورسوله واهل بيت رسوله ص والمؤمن مجاهد لانه يجاهد اعداء الله في دولة الباطل بالعقبة وفي دولة الحق بالسيف **طريفة** عن ابي جعفر ع من كسل عن امر دنياه فهو من امر آخرته اكسل **طريفة** عن ابي الحسن الاخير ع اياك والنوم بعد صلوة الليل والفجر ولكن ضجعة بلا نوم فان صاحبه لا يحمد على ما قدم من صلوته **طريفة** في الحديث اذا توضأ احدكم ولم يسم كان للشيطان في وضوئه شرك **طريفة** عن حماد بن عثمان قال سمعت ابا عبد الله ع يقول من قال ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم دفع الله عنه سبعين نوعا من انواع البلاء اهونها الريح والبرص والجنون وان كان شقيا محي من الاشقياء وكتب من السعداء وروي عن ابي الحسن ع ثلاث مرات وقال انا اقولها مائة مرة وفي لاحول روي بالواو وعدمه **طريفة** قال الرضا ع في حديث من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر من الصلوة على محمد وآل محمد فانها تهدم الذنوب هدما **طريفة** من كتاب امير المؤمنين ع ان من المخزون قبل المسئلة فاذا دعوت الله تعالى عز وجل فمجده قيل كيف نمجده قال تقول يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا فعالا لما يريد يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء قال بعض اقول ولي الحمد لله جربت هذه الاداب وعشتها في بعض دعواتي فلم اقم من مجلسي الا بالاستجابة والحمد لله رب العالمين **طريفة** في الحديث تعطروا بالاستغفار ولا تفضحكم روايح الذنوب **طريفة** في الحديث كنس الفنا وغسل الاناء مجلبة للغنا **طريفة** في الحديث يا اباذر لا يصيب حقيقة الايمان حتى ترى الناس كلهم حمقى في دينهم عقلاء في دنياهم **طريفة** في الحديث يا اباذر من خرج عن بيته يلتمس بابا من العلم كتب الله عز وجل له بكل قدم ثواب نبي من الانبياء واعطاه الله بكل حرف يسمع او يكتب مدينة في الجنة **طريفة** في الحديث من خرج عن بيته يلتمس بابا من العلم كتب الله تعالى له بكل قدم ثواب شهيد من شهداء بدر

بدو فيه ايضاً ما معناه من احب العلم لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر
ويأكل من ثمرة الجنة ويكون في الجنة رفيق خضر طريفة وفي رواية من خرج
عن بيته ليلتمس باباً من العلم لينتفع به ويعلمه غيره كتب الله له بكل خطوة عبادة
الف سنة صيامها وقيامها طريفة عن امير المؤمنين عليه السلام الدنيا كلها جهل
الا مواضع العلم والعلم كله حجة الا ما عمل به والعمل كله ريا الا ما كان مخلصاً
والاخلاص على خطر حتى ينظر العبد بما يختم له طريفة در معالجه دردي دندان
بگيرد صندل و تخم توت و تخم اسفند از هر يك دو درم بر دندان نهالند سفيد
شود و بيخ او محكم گردانند تم طريفة عن ابي الحسن عليه السلام قال كثيراً ما كنت اسمع
ابي يقول ليس من شيعتنا من لا تحدث المخدرات بورعه في خدورهن وليس من
اوليائنا من هو في قرية فيها عشرة الاف رجل فيهم خلق الله اورع منه طريفة
گويند استخوان بال خروس را با خود داشتن موجب قبول و در دست داشتن
آن موجب ظفر بر خصم خواهد بود انتهى طريفة گويند دوغ با دير تغيير
مشتري نمايد و بعد از تغيير با قاطر خلط و زاج سحق نمايند بحدي كه تشميع پذيرد
با وزان نسبته كه مناسب او باشد ملحق با ول گردد مجرب است طريفة از
مهمات و اهمات ادعيه دعاء در حق امام غائب حجة الله القاهرة عليه و على آبائه
الكرام است كه ثمرات آن راجع بخود شخص داعي و جميع موجودات خيره بمقتضي
مركوزيه حقيقيه ميباشد و بهتر آنست كه باين عبارت كه وارده در كلمات
علماء اعلام ماخوذه از احاديث ائمه معصومين عليهم السلام است و بخصوص در
شب جمعه و ايام ماه مبارك رمضان و عموم اوقات از سال باشد اللهم يا ذا
المجد الشامخ والسلطان الباذخ صل على محمد وآل محمد وكن لوليك محمد بن
الحسن في هذه الساعة وفي كل ساعة وليا وحافظا وناصرا ودليلا
وعينا حتى تسكنه ارضك طوعا وتمتعه فيها طويلا طريفة قيل قوس
ان الرجحة في السماء وقيل في معناه يعني ان الارض تصبح في هذا اليوم كا
السماء

السماء فی اللطافة والشدة والصفا طريقة عن خواص الشعير كما فی الخزائن
ما دخل جوفا الا واخرج داء منه وهو قوة الانبياء وطعام الابرار ولكن الاطباء يزعمون انه
يوجب الهزال وهو ابيض عند الابدال من امثل الخصال الغبصر طريقة قيل فی الحديث من
استخفنا استاده ابتلاه الله تعالى بثلاث بليات الاول ما نسی ما حفظ والثانية ما ثابا
والثالثة كل لسان عند الموت طريقة از یکی از معصومین ع مرویست که مؤمن را گو شیعیان
غربال کنیم و بیک بدایشان را از هم جدا کنیم از هزار کس یکی خالص نباشد و اکثر ایشان
اهل قول باشند اهل عمل در میان ایشان نادر است طريقة در حدیث است که اگر مؤمنی
بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا
باشد تا وقتیکه همدیگر را ملاقات طريقة دیگر روایتی استکه هر کس از مؤمن چیزی روایت کند
که باعث خفت وشود در نظرها خداوند او را از ولایت خود بیرون کند و بولایت شیطان
و شیطان هم قبولش نکند طريقة در جمال الصالحين آورده که هر که را شدتی و حاجتی
باشد غسل و دو رکعت نماز گذارد و پس دست راست بر روی راست گرفته بخواند بگوید
یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز وحقک لقد شق علی کذا و حاجت را مذکور سازد
مستجاب شود طريقة ايضا در کتاب مذکور است از حضرت صادق علیه السلم مرویست
که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی نامه یا رقعه بنویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس
بسم الله الرحمن الرحيم ان الله وعد الصابرين المخرج مما يكرهون والرزق من حيث
لا يحتسبون جعلنا الله واياكم من الذين لا خوف عليهم ولاهم يحزنون تا آخر گوید
بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون شد
طريقة ونیز ایضا از معصوم ع مرویستکه بجهت حفظ از حوادث لیل ونهار مستحبست که
مؤمن این دعا را در قائمه شمشیر یا زیر انگشتر یا در عمامه خود داشته باشد بسم الله
الرحمن الرحيم يا هو يا من هو هو يا من ليس هو الا هو يا حي يا قيوم يا حي لا يموت
يا حي لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد وكن لفلان بن فلان درعا حصينا وحصنا
منيعا يا رب العالمين وصلى الله على خاتم النبيين وآله الطاهرين طريقة قدم الحجبا
انتهى

ان من قال عشرة الاف مرة یا غنی یا ملی یا وفی رزقه الله تعالی مالا من حیث لا یحتسب
طریفة قیل لذی من اراد ان یوسع رزقه فلیکتب هذا الدعاء ویعلقه علی نفسه او
یکتبه فی منزله او یقرؤه فی کل یوم ولیلة ثلث مرات وهو یا الله یا الله یا الله یا رب
یا رب یا حی یا قیوم نسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا حلالا طیبا
برحمتک یا ارحم الراحمین طریفة در بحر المنافع آورده که اگر کسی خواهد که مهمی
روا شود این اسم اعظم را که بزبان هندی است هفت بار بگوید آن مهم بزودی برآورده
شود اینست اهنوس طریفة نسبت داده اند بمرحوم آخوند ملا زین العابدین
گلپایگانی اعلی الله مقامه که یکی از اوتاد عصر بود آنکه حضرت امام رضا ع باو تعلیم
فرموده بود که در خواب بجهت امور معیشت آنکه هر روز صبح در تعقیب نماز یکصد ده مرتبه
بخواند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک طریفة قال بعض
العلماء رایت فی بعض المؤلفات بعض الاجلاء من اصحابنا انه قال و مما سمع من الثقات
مجرب فی اکثر الاوقات لتیسیر المهمات و کشف الکربات و قضاء الحاجات و حصول
السرور فی جمیع الاوقات قرائة سورة النصر و سورة یس الی قوله و کل شیء احصیناه فی
امام مبین عند الاستهلال فی شهور السنوات و الحمد لله اولا و آخرا طریفة
گویند اگر خواهی حاجت تو برآید این حرفها را با ناخن در دست چپ بنویس و بخواب مردی پیری
در خواب بیاید هر چه خواهی با تو بگوید شخص محکی عنه میگوید فقیر این را یکمرتبه آزموده ام
مجربست ا لا ا بطان طریفة ایضا در وقت خواب این طلسم را بناخن در دست
راست بنویسد و حرف نزند تا بخواب رود که در خواب احوال بر او معلوم خواهد شد
انشاء الله ۰۰ بما ۹ کا ۱۰ صم طریفة گویند هر که این کلمات را صد نوبت
ماف حر ا ا ع بخواند غنی گردد و مجربست بسم الله الرحمن الرحیم
یا کثیر الخیر یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان احسن الینا باحسانک القدیم جودک
یا ارحم الراحمین طریفة گویند هر کس پیش از نماز صبح روی بقبله کند و در
بکنج خانه خود در هر رکعتی ده مرتبه بگوید یا رزاق روزی براو فراخ گردد و هرگز
محتاج بخلق نشود چنانکه مرویست از حضرت امام رضا ع است طریفة فی البحار قال

ابو عبد الله

ابو عبدالله الفقیه الهمدانی فی کتاب البلدان ان اباموسی الاشعری روی انه سئل امیر
المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عن اسلم المدن و خیر المواضع عند نزول الفتن و ظهور
السیف فقال ع اسلم المواضع یومئذ ارض الجبل فاذا اضطربت خراسان و وقعت الحرب
بین اهل جرجان و طبرستان و خربت سجستان فاسلم المواضع یومئذ قصبة قم
طریقه عن الصادق علیه السلام فاما الری فویل له من جناحیه و ان الامن فیه من جهة قم
و اهله قیل ما جناحاه قال ع احدهما بغداد و الآخر خراسان فانه تلتقی فیه سیوف الخراسانیین
و سیوف البغدادیین فیعجل الله تعالی عقوبتهم و یهلکهم فیأوی اهل الری الی قم فیؤویهم
اهله ثم ینتقلون منه الی موضع یقال له اردستان طریقه فی خبر الاوان قم الکوفة
الصغیرة طریقه قیل تحت انه فی التوریة مکتوب الری باب من ابواب الارض و الیها
متجر الخلق فی خبر ان الری و قزوین و ساوه ملعونات مشومات طریقه فی ارشاد الدیلمی
فی مناجات النبی ص یا احمد ان العبد اذا جاع بطنه و حفظ لسانه علمته الحکمة و ان کان
کافرا تکون حکمته حجة علیه و وبالا و ان کان یکون مؤمنا حکمته له نورا و برهانا و شفاء
و رحمة طریقه گویند هر که بمود با ثنای سیاحت بجائی رسید که چون شب داخل شد
نماز مغرب را که خواند آفتاب طلوع نمود و فرصت خواندن نماز خفتن نشد
طریقه گویند مداومت بر ذکر لا اله الا الله موجب دفع دشمن و دفع کرب
و ادای قرض است طریقه گویند از جهة دفع شدائد و قضاء حاجات سر
برهنه کند و دست بر سر نهاده بخواند اعوذ بالله من الشیطان الرجیم افغیر
دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه
یرجعون و حاجت خود را عرض کند که البته انشاء الله روا خواهد شد طریقه
گویند یکی از خواص آیة الکرسی آنستکه هر گاه بنویسند و بر آستانه خانه یا
دکان بیاویزند موجب غناء و برکت و دولت خواهد بود و همچنین خواندن
آن تا ده روز روزی ده مرتبه موجب دولت خواهد بود انشاء الله و نیز خواندن آن
در هنگام بیرون رفتن از خانه موجب حفظ از آفات و غنای بعد از مراجعت
داربضا

وایضاً خواندن آن باعث بر حصول اطلاع بر اسرار قرآن شریف است طریقه
گویند بجهة دفع وباء این اشکال را با خود دارند سمج سمج سمج و طریقه گویند
در شب چهاردهم ماه این آیه را در کف دست راست خود نویسد و دست را
در زیر روی راست نهد روی بقبله بخوابد مطلوب را از حیث خیر و شر در خواب
ببیند انشاء الله تعالی وَکَذَلِکَ نُرِی اِبْرٰهِیمَ مَلَکُوتَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلِیَکُونَ مِنَ الْمُوقِنِینَ
طریقه دیگر ایضاً هرکه پنجاه و دو روز هر شبانه روزی هزار بار اسم العزیز را بر قمر
بخواند مسخر او شود طریقه وایضاً هرکه صنعتی میکند نازک و خطرناک و از فنای
آن میترسد مانند کیمیاگری و زرگری باید که تا آن عمل میکند هر صباح صد بار
اسم الخلاق را بگوید مهم او نیکو شود طریقه ایضاً هرکه در شب دوشنبه نیم شب
بعد از دو رکعت نماز در سجده هفت مرتبه اسم الوهاب را بگوید توانگری یابد طریقه
گویند از حضرت رضا علیه السلام روایت است که بجهة اطلاع بر امر مخفی از قبیل دفینه و غیر آن سه روز
سه شب هزار نوبت بگوید یا علام علمنی و با طهارت بخواند در خواب بیند یا بوی او را اعلام
دهند طریقه ایضاً بجهة فراخی روزی و زوال غم چهل و یکبار اسم الشکور
را بر آب بخواند و بیاشامد و بجهة روشنائی چشم از آن آب در چشم کشد طریقه
ایضاً هفتاد بار اسم الرقیب بر خود خواندن موجب حفظ نفس و مال و زن و فرزند
او گردد طریقه گویند هرکه این را بر کف دست راست بنویسد و با وضو بخوابد
هرچه مطلوب او باشد در خواب بیند انشاء الله مهندفن علیکنا طریقه گویند هرکه
این حروف را بر کف دست خود نویسد پیش هرکه رود مراد او حاصل آید هل ه لاه لال
طریقه در جواهر مکنونه آورده که اهل خواص گفته اند هرکه نظر بحروف جلاله
کما دارد و او را بصورت بنویسد ا ل ل ه و نظر بچشم داشته باشد هر روز با وضو
۶۶ مرتبه اسم الله را بخواند یا ۳۶ مرتبه و همین عدد آیه الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء وهو القوی العزیز را بخواند مرزوق گردد بتوفیق طاعات و عبادات
و برکت روزی او فراوان گردد و از برای او فهم امور مشکله و شهوت بر دل او سهل گردد
و از ظلم ظالمان ایمن گردد و هرچه طلب کند از حوایج میابد و بعضی گویند با این
صورت

صورت بنویسد و نظر کند ﴿الله﴾ **طریقه** ایضاً در کتاب مذکور است که چون متوجه
امورے میشوی از قبیل عمارت و زراعت و تجارت و نماز و روزه البته بگو یا قوی یا
عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر آن امور هر چند مشکل باشد آسان میگردد انتهی
طریقه ایضاً در آن کتاب است که بعضی از بزرگان فرموده اند که توسل باین اسماء
حسنی که از حروف مقطعه قرآنی تألیف یافته موجب حصول مرادات و قضاء حاجات است
علی الفور بی تأخیر و مهلت و بسی اعزه تجربه کرده اند بمراد رسیده اند و اسماء این است
الله الرحمن الرحیم الملک المالک السلام المؤمن المهیمن القهار المانع العلیم السمیع
الحکیم العلی الکریم الحلیم الحق الحی الحنان المنان المقسط المحسن المنعم
المبین الصانع الملی الناصر النصیر العالم القاهر و اسماء مقدسه بیست و نه اسم
و مفسرین آورده اند که توسل جستن باین اسماء حسنی که مؤلف از هفتاد و هشت
حروف مقطعات است باعث طول عمر و دولت و حصول مطالب و مآرب صوری و معنوی
است انتهی **طریقه** تفصیل کسور حروف باین نحو است الف کسر ندارد با نصف
دارد که یکی است جیم ثلث دارد که یکی است دال نصف دارد که دو باشد و ربع
دارد که یکیست ها خمس دارد که یکیست واو نصف دارد که سه باشد و ثلث دارد که دو باشد
و سدس دارد که یکی است

زا: سبع دارد که یکی است

حا: نصف دارد ربع دارد ثمن دارد
۴ ۲ ۱

طا: تسع دارد که یکیست

یا: نصف خمس عشر
۵ ۲ ۱

کاف: نصف ربع خمس عشر
۱۰ ۵ ۴ ۲

لام: نصف ثلث خمس سدس عشر
۱۵ ۱۰ ۶ ۵ ۳

میم: نصف ربع خمس عشر
۲۰ ۱۰ ۸ ۴

نون: نصف خمس عشر
۲۵ ۱۰ ۵

سین: نصف ثلث ربع خمس سدس عشر
۳۰ ۲۰ ۱۵ ۱۲ ۱۰ ۶

عین: نصف سبع عشر
۳۵ ۱۰ ۷

فا: نصف ربع خمس عشر ثمن
۴۰ ۲۰ ۱۶ ۸ ۱۰

صاد: نصف ثلث خمس سدس تسع عشر
۴۵ ۳۰ ۱۸ ۱۵ ۱۰ ۹

قاف: نصف ربع خمس عشر
۵ ۲۵ ۲۰ ۱۰

را: نصف ربع خمس ثمن عشر
۱۰۰ ۵۰ ۴۰ ۲۵ ۲۰

شین: نصف ثلث ربع خمس سدس عشر
۱۵۰ ۱۰۰ ۷۵ ۶۰ ۵۰ ۴۰

تا: نصف ربع خمس ثمن عشر
۲۰۰ ۱۰۰ ۸۰ ۵۰ ۴۰

ثا: نصف ربع خمس عشر
۲۵۰ ۱۲۵ ۱۰۰ ۵۰

حنا

جنا — نصف ثلث ربع خمس سدس ثمن — ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۵۰ ۱۲۰ ۱۰۰ ۷۵
دال — نصف ربع خمس سبع عشر — ۳۵۰ ۱۷۵ ۱۳۰ ۱۰۰ ۷۰
صاد — نصف ربع ثمن — ۴۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰

ظا — نصف ربع تسع — ۴۵۰ ۲۲۵ ۱۰۰
غین — نصف ربع خمس عشر — ۵۰۰ ۲۵۰ ۲۰۰ ۱۰۰

و هر یک از کسور را یکی از حروف مذکوره قرار میدهند مثلا یک را الف و دو را با و سه را جیم و هکذا طریفه
قیل الفرق بین الوحی و الالهام ان الاول یتولد من اشراقات العقل الکلی
والثانی یتولد من اشراقات النفس الکلیة فافهم طریفه گویند خوردن زنجبیل با پسته
و خولنجان بجهة تقویت باه از اسرار مجربه شمرده اند طریفه گویند مضمضه گل سرخ
مسکن درد دندانست طریفه گویند هرگاه اسب در استراز حرکت وا مانده شود
قدری افیون که اقلش یکمثقال و اکثرش سه مثقال باشد باید بحلقش کرد که توانائی
دهد و بهم رساند و این تدبیر از اسرار مکنونه است طریفه گویند هرگاه نمک بریکی
را بسوزانند و با عسل ضم نمایند در هر ماهی دو بار بدندان بمالند بجهة حفظ
صحت دندان و لثه نافع خواهد بود طریفه لا ادری لیس البلیة فی ایامنا
عجبا بل السلامة فیها اعجب العجب طریفه گویند هرگاه فلزی را چند مرتبه با تش
لوم کرده در آب اندازند قابل از ابر و سحق میگردد طریفه گویند بجهة بواسیر
خوردن شربت زرشک بسی نافع است طریفه گویند مالیدن روغن گردو
با غاتم و حنا بر قضیب مقوی باه و آلت خواهد بود طریفه گویند از جمله چیزهائی
که موجب لاغری و پیری و ضعف باه میباشد اقتصاد بر یغ آش و احد و عدم تجدید
طرفست چنانکه در کلمات شیخ داود مصری است طریفه یکی از حکما میفرماید
باید انسان در فرار از هوای وبائی کمتر از پرستوک نباشد که در چنین هواها
فرار میکنند و بجای دیگر انتقال مینمایند کما هو الشاهد طریفه گویند هرگاه
موضع گزیده عقرب را با نخوان را در آب بسیار گرم گذارند عاجلا فاصله منتقل
سرد نمایند تسکین میشود طریفه گویند روغن کنجد بر قضیب مالیده و جماع کند
نفع عظیم بخشد طریفه ایضا گویند مرغ خانگی را با زنجبیل و دارچینی بهم
سا بند و بر قضیب طلا کنند لذت ناید طریفه ایضا بجهة تقویت باه آب پیاز سفید

بلعن

یک من عسل دو من با آتش ملایم آهسته آهسته بجوشانند تا بقوام آید هر بامداد
ده درم تناول نمایند طریقه ایضاً تخم شلغم را کوفته با عسل میل کنند نافع
خواهد بود طریقه گویند رازیانه را جوشانیده اندکی قند داخل کنند بجهة
دفع اسهال رطوبی بنوشند و بجای آب در گلاب بخیسانند بهتر خواهد بود
طریقه ایضاً تخم مرغ نیم برشت اندکی شبت صلایه نماید میل کنند و شلیه برنج
و خشخاش نیز نافع بشرط آب نخوردن در میان آن طریقه گویند بجهة امساک
منی کبابه را بکوبند و حب نمایند و در دهن نگاه دارند و لعاب آنرا فرو برند و
گویند طلا کردن خاییده کبابه بر قضیب مانع از جماع است طریقه گویند بوره ارمنی
را نرم سائیده با عسل آمیخته بر ذکر مالند و بر خصیه و جوانبان چندان التذاذ را
صحبت نماید که ثنا آید و آب کشنیز فرو فشانند انست طریقه از باهیات آنکه
خشت نو را در آتش اندازند تا سرخ شود و گوشت را بر او افشانند تا بویش بشود
و بخورد نقلاً عن کتاب تحفه مرتضی قلی شاملو طریقه گویند مجرب است اگر کهی زرد را
بجوشانند با عسل و مکرر بخورد خاصیت فادزهر دهد طریقه حکیم عماد الدین محمود
گوید اگر کسی صد درم پیاز سفید را بجوشانند با صد درم عسل سفید تا بینه شود
و هر روز پنج مثقال از آن بخورد خاصیت فادزهر دهد طریقه و قیل نقل عن ارسطو
ان من منذرات الوباء و الطاعون و حدوث الزلازل العظیمة و مقارنة مریخ مع زحل
کما قال الیاس الیهودی فی رسالته فی الوباء و الطاعون طریقه ایضاً قال هو ان الهواء
المستوی الغربی فی زمان الوباء اصلح من الهواء المکشوف العلوی طریقه ایضاً هو قال
وجدنا فی زبور داود و توریة موسی ان فی کل زمان اذا اراد الله تعالی ان یعذب العصاة
یرسل بالخصوص مرض الطاعون و قال یحیی لا تخافوا من العلامات العلویة و الآفات
السماویة ان کنتم تسلکون الی طریق الهدایة الالهیة طریقه ایضاً قال هو اعلم ان
فی هذا الدواء نفعاً عظیماً و سراً عجیباً یتفق علیه الاولون المتقدمون و الآخرون
و نحن توجب فیه تجربة کاملة لا یلیق بتفصیله هذا المقام و هو هذا تاخذ من الصبر ثلثة دراهم
و من المر

ومن المر درهمین ومن الزعفران درهمًا ثم تدقّ وتنخل وتحبّب مثل حمصة بماء لسان الثور
ویجفف فی الظل ثم یشرب وقت طلوع الفجر خمس حبات ویستعمل کل اسبوع مرة او مرتین
علی اختلاف الامزجة طریفة ایضًا قال منهور روی عن داود ان جمیع الاطبا فی علاج
الطاعون کالاعمی ایضًا قیل المقرر فی علم الطب ان الشهب والصواعق وعمود النار
علامة لکثرة الابخرة والرطوبات وهی تدل علی حدوث الوبا والطاعون وفی علم
النجوم انها علامة ان الحاکم فی ذلک الزمان هو المشتری والمشتری ضد للصحة والجو
طریفة ایضًا قیل ان الشتا اقبل للوبا من سایر الفصول لعوده بعض من الاطبا
طریفة فی الخلاصة ان محمد بن عثمن العمری قدس سره النوری کان قد حفر لنفسه قبرا
وسواه بالساج فسئل عن ذلک فقال للناس اسباب ثم سئل بعد ذلک بشهرین فقال
امرت ان اجمع امری فمات بعد ذلک بشهرین فی جمیدی الاولی سنة خمس وثلثماة وقیل
سنة اربع وثلثماة وکان یتولی هذا الامر نحوًا من خمسین سنة علیه رحمة الله ورضوانه
طریفة قیل قال ابو علی بن سینا کلما کنت احاور فی مسالة او لم اظفر بالحد الاوسط
فی قیاس ترددت الی الجامع وصلیت وابتهلت الی مبدع الکل حتی ینفتح فی المنغلق منه
ویتیسر المتعسر طریفة گویند بجهة مقهوریت دشمن چهل مرتبه آیة الکرسی بخواند چون
بما بین ایدیهم رسد آنرا به شمن دشمن را بنظر آورد و بخواند و آن نیز بعدد
مذکور بجهة کفایت سایر مهمات موثر است بشرط بخاطر گذراندن مهم مطلوب بدمیدن
دو عین کیشفع عنده وایضًا هفت مرتبه خواندن بر نمک طعام و خوردن بمطلوب موجب
محبت شدید آن خواهد بود طریفة یکقسم از قلم عبری که اقرب با غلب است از ثقات
بدین نحو است

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش
ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی

طریفة گویند
خواجه محمد علی در مذمت تنباکو فرموده

چه طالع است که این روسیاه تنباکو — جهان گرفته سراسر چو ظلمت دیجور
عزیز عالمیان است با همه خواری — یکی ز جمله غلطهای در جهان مشهور

تا آنکه میگویند هیچ است که اگر سر شود دوری هزار مرتبه چراغان کنند ترا بدوا
نفسی

نفسی نمایید هرزه خندی است که اگر چوب در حلقش فرو برند نفس گیر نمیشود
تا آنکه میگویند زیاده از این دراز نفسی و گفتگو درد سر است و دود سر و دراز نفسی
کار غلیان و تنباکو است و در آخر اتمام رساله در باب غلیان و چای و سماور چند شعری گفته از آن جمله

ز چای آید آگاهی ز غلیان فکرت و وجدان | کباب اسباب خوابست و پلو هیلو ده حیوان
اگر باشد ترا بر سر هوای طوبی و کوثر | عیان بین در سماور این ز غلیان زان هویدا آن
و گر خواهی شوی مقرون بنجم علم افلاطون | مجو دوری تو از غوری مکن هجران تو از غلیان
از سماور بشنو این راز نهانی تا بدانی | آن دم موری را که خواهانی نا سرار و نهانی
گوید ای غافل ز فیضیات این غلیان و چای | جوشم اندر دل که این شیرین عیانم را بخوانی

ظریفه گویند شخصی ضریف کسلیقه مخو گفت که چون التقای ساکنین جایز نیست باید در
شریعت نیز تزویج دو خنثی بیکدیگر جایز نباشد ظریفه گویند ناصحی بتارک الصلوة
گفت که اگر چهل روز متوالی نماز بخوانی عادت از برای تو حاصل میشود که دیگر ترک نمیکنی
جواب داد که اگر عادت چهل روزه ترک نمیتوان کرد من چگونه عادت چهل ساله را ترک
میتوانم کرد ظریفه گویند اگر زهره بز را با نوشادر حل نموده بر موضعی طلا نماید
موی نبیاورد ظریفه قبل ان نشت ٩٨١ تمه المعشوق فلیقرء هذا المنتر سبع
مرات و انفخ علی الوزد الاصغر فی کل مرة نفخة واحدة و بعد الاتمام ایضا انفخ سبع
مرات فانه حا ٩٨ تمه لذلک بعون الله و هو مجرب و ان کان وقع ذلک فی یوم
الاحد قبل طلوع الشمس لکان اولی و المنتر باللغة الهندیة قل خلی قلر بنا کیسا بری
ای غل او بینا جیفل سنکا سلما سماوی نوزی نموری نیتر کی باجا هنو نتا بر کی
یو جا جا کیا ما کیا دکنان شاه دی پیر ظریفه گویند هر فلزی که آب نشود
آن را با شوره بر نند آب شود ظریفه گویند ترکیبی که طلای او بر بدن قلع میکند و دوا
اینکه زرنیخ ورقی بقدر بیست و پنج درم در میان طاس سرخ بریزند که بقدر یک
انگشت آب بالای او بایستد و هر روز قدری آب بریزند تا وقتیکه برسد و رسیدن
او اینست پر مرغی را هر گاه بر او فرو برند پر بریزد مشود بعد از آن حصا البان را
با صابون مکی کوبیده داخل آن نمایند و بجوشانند و قرصها ساخته استعمال کنند

کہ احتیاج بنوره نیست والله العالم طریفه گویند که سه شب هر شب چهل مرتبه سوره
مبارکه انا انزلناه را بخواند از عالم غیب یا چیزی رسد و روزی او وسیع گردد مجرب
مجربست طریفه دیگر بجهت کشف سر در خواب در وقت خواب قل هو الله احد ده مرتبه
تسبیحات اربع ۱۲ مرتبه صلوات ۱۵ مرتبه ناد علی هفت مرتبه الی السید الداماد قدس سره
طریفه گویند بجهت مار گزیده قدری هیمه بسوزانند پس آتش از آن برداشته بر بالای
زخم گذارد آتش سیاه میشود و همکذا آتش دیگر گذارد تا مادامیکه سیاه نشود و تمام
زهر در بدن باقیست آتش سیاه میشود اند بدن را طریفه گویند خواندن این اسم
شریف بعد از نماز صبح هر روز الی نود روز بعدد نود و چهار مرتبه موجب کشف اسرار
کیمیا خواهد بود یا جبار طریفه گویند هرگاه در روز اول که زکام حادث شود آب
گرم در دو خیه و استنشاق کند نفع بلیغ دهد استشمام کافور نیز تجربه شده زکام
صفراوی و حار طریفه گویند نظام الدین نیشابوری از ابن عباس روایت کند که منافقی
و یهودی مخاصمت کردند یهودی گفت من پیش پیغمبر میروم منافق گفت پیش کعب بن اشرف
میرویم بالاخره رفتند نزد پیغمبر آنحضرت حکم بر وفق مراد یهودی فرمود منافق راضی
نشد و گفت پیش عمر میرویم چون رفتند یهودی شرح حال را گفت عمر گفت اینجا بایستید
تا من بیرون آیم در خانه رفت و شمشیر بدست داشت و گردن آن منافق مثل خود را زد
بجهت تزویر و مکری که آن ملعون داشت او را عمر مینامیدند یعنی روباه طریفه
گویند از آقا شمس الدین منقول است که هر کس هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد
و هر روز چهل مرتبه این اسما را بخواند یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف یا غالب یا
طالب یا جبار یا فعال یا خلاق و در روز هشتم این مهر را بنویسد و مهر اینست و نقش
مهر را در زیر سجاده گذارد و هزار مرتبه یا فعال یا خلاق بخواند و سجاده را بردارد
بقدرة الله تعالی هفت درهم در زیر سجاده او بهم میرسد وقتیکه برمیدارد که در کیسه
گذارد چهل مرتبه یا منهب یا اسود یا فعال یا خلاق بخواند مادامیکه اندک نهادی
کیسه او باشد هر روز باذن الله هفت درهم در کیسه او بهم رسد و در هر ماه هفت درهم
صدقه کند و از برای ترویج آقا شمس صد مرتبه فاتحه بخواند و هدیه کند برای او و این مطلب
بتجربه رسیده

بتجربه رسیده و مهر مذکور اینست



طریقه قیل ان اسم ام موسی الذی تفتح به الاقفال و الیقوه هو هذا طیشوا یوم قیوم دیموم کدیوم طریقه گویند ختم سوره مبارکه الم نشرح بجهت قضای حوائج اثر عظیم دارد باین نحو است که در روز چهارشنبه اول ماه شروع کند تا هفت روز روزی هفت مرتبه بخواند بعد از هفت مرتبه یکمرتبه دعای یا من تحل بزود عما یا منتهی مطلب الحاجات از صحیفه سجادیه بخوانند طریقه گویند از حضرت امام حسین علیه السلام مرویست که فرمودند که حضرت رسول صلعم فرمودند که جهت قضای حوائج جمیعاً تا هفت روز هر روز مرتبات این اذکار را هزار مرتبه باین ترتیب بخوانند حاجت او روا شود و الا فردای قیامت دامن گیر من باشد روز شنبه یا حی یا قیوم یکشنبه ایاک نعبد و ایاک نستعین دوشنبه سبحان الله و الحمد لله سه شنبه یا الله یا رحمن چهار شنبه حسبی الله و نعم الوکیل پنجشنبه یا غفور یا رحیم جمعه یا ذا الجلال و الاکرام طریقه فی الحب گویند بنویس بر سه دانه فلفل سیاه و در آتش اندازد لکن بشرط المشیر عشق ماح ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ بن لهرهاء طریقه گویند عرب الی که ما قبل آن متحرک باشد آنرا قلب بذال میکنند چنانکه در همدان میگویند ولی در استاد استاد میگویند بر خلاف قاعده مذکور طریقه یکی از عرفا گوید جمیع اجزاء عالم بحقیقت انسان مربوط و برکت وجود او منضبط است.

زین آتش نهفته که در سینه من است
خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت

شیخ ابوطالب مکی در قوت القلوب گوید افلاک بانفاس بنی آدم دایرند

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار
که توسن چو فلک رام تازیانه تست

طریقه گویند از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که در ایام هفته هر روزی هزار مرتبه و اگر طاقت ندارد صد مرتبه بخوانند این اذکار را بترتیب در اثنای ذکر تکلم با کسی نکند سوال نمیکند از خداوند تعالی چیزی را مگر آنکه با و عطا خواهد فرمود اینست روز شنبه یا هو یا الله روز یکشنبه یا رحمن یا رحیم دوشنبه یا علی یا عظیم سه شنبه یا فرد یا احد چهارشنبه یا حی یا قیوم پنجشنبه یا حنان یا منان جمعه یا ذا الجلال و الاکرام طریقه اگر سوراخ مورچه

را [illegible]

زا بر گین گاو بکیر ند دیگر بر پشت نیاید طریفه گویند اکثار در تلاوت سورة العلق
موجب سهولت اسباب رزق و وسعت آن خواهد بود طریفه گویند هر که
این اسماء عظام را بعدد حساب جمل بخواند صفات بشریه از او محو شود و بصفات
حق باقی شود و قدم عیسی پیدا کند و بسعادت دو جهان برسد و رزق بروی
فراخ گردد و اسرار غیب بر او منکشف گردد و برقولی دیگر ۱۷۳ خواه یک
دفعه خواه بند دفعه در یکنشستن بعد اما در اول و آخر صلوات بفرستند
هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم القدیر المرید السمیع البصیر
طریفه گویند جناب محمد حنفیه رض از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل اعداد
اجزای جفری که بحسب تعداد حروف ابجد است و از ۲۸ در نگذرد نموده و
اینکه مردمان در تعیین عدد اسما سرگردانند این قدر ندانسته اند که وضع عدد
حروف همان عدد اوست بحسب ترتیب ابجدی و ابتث و ایقغ و اهطمی و کغشر
شخصی از امیر المؤمنین ع سؤال کرد که من میخواهم که اسمی از اسماء الهی را دعوت
کنم تعداد عدد آن نمیدانم فرمود نظر کن که هر حرف او چندم مرتبه است
از حروف ابجدی مراتب او را جمع کن تا عدد دعوت را دریابی و بعضی از اولیاء
این عدد را وسیط ابجد خوانند طریفه گویند هرگاه اسم مبارک علی
و کلمه لا اله الا هو مصداق اسم اعظم الهی میباشد و عدد آنها نیز با یکدیگر
بملاحظه یکی از قوانین صدریه جفریه مطابقت چنانچه در یکی از طرایف سابقه
ذکر شد طریفه گویند عزیمت اسم مادر حضرت موسی ع چنین است اللهم
رب هلیا بنت وحیا المؤمنة الصدیقة ام موسی ع بالله العزیز الکبیر
المتعال المهیمن العظیم الذی فتحت به الاطباق واستنارت به الآفاق
و فتحت به الآفاق افتح هذا العمل او هذا الغلام ان شئت قلت قلب قلب
فلان بن فم علی مودة فی بحق هذه الاسماء الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة
الساعة العجل العجل الحریق الحریق النار فی قلب فلان بنت فم علی حب فلان بن

طریفه

طريفة قيل تصحف على صاحب عجائب المخلوقات حيث قال حجر الصنوبر بالصاد
والصواب انه بالسين المضمومة والنون بين وهو موضوع عن الخطاطيف طريفة
قيل كان عذاب سليمان ع للطير كما اشير اليه في قوله تعالى لأعذبنه في خصوص الهدهد
جلسه مع غير جنسه وقيل هو تزويجه عجوزا طريفة قيل الخضر عليه السلام هو ابن ملكان
من ولد الطيب يعني ابرهيم الخليل عليه السلام طريفة قيل تميز الذكر من العصافير
بلحية سوداء كما في الرجل والتيس والديك طريفة قيل ليس في الارض طائر
ولا سبع ولا بهيمة احنى من العصفور على ولده كما هو المشاهد وهو لا يعرف
المشي انما يثب وثبا وهو كثير السفاد فربما سفد في الساعة الواحدة مائة مرة و
لذلك قصر عمره فانه لا يعيش في الغالب اكثر من سنة وعصفور الجنة هو الخطاف
طريفة قيل ان القرحة المستديرة بطيئة الاندمال لعسر نبات اللحم فيها لان
نباته انما يبتدئ من اطرافها فاذا كان لها زوايا كان نباته فيها اسرع مما في
منفرجها وعن ذلك قيل ان من لوازم الطبيب العلم بالهندسة ايضا طريفة
قيل ينبغي للعالم بعلم الطب الاقتصار على اصل العلم وعدم الاقدام على العمل و
يكون قول الناس فلان يعلم ولا يعمل احب اليه من قولهم يعمل ولا يعلم اذ
بالاول ينسبون اليه كمال الاول وبالثاني يثبتون له وبالا طريفة قيل انه ظهر على
منجم علامات غلبة الدم فشاور بعض جهال الاطباء بالفصد فقال منع جالينوس
من فصد المنجم وجاء بكتاب فيه لا تفصد المنجم فتامل المنجم وقال هو منجم يا مفسود
فقال اذا لم تسمع فافعل ما شئت وعن اخر انه كان يطالع في التشريح ويقرء
الحسن البصري يشهد بذلك فقيل له هو الحسن البصري فقال هذا تصحيف وانه
كان جامعا للعلوم ومنه اخذ التشريح طريفة قيل ان افعل التفضيل اذا
اضيف الى نكرة يكون هو المضاف اليه في المعنى كما اذا قيل زيد افضل رجل اذ المعنى
انه افضل الرجال واحدا واحدا فهو افضل فتامل طريفة قيل ان الطب كان
معدوما

معد وما فاوجده البقراط وميتا فاحياه جالينوس واعمى فبصره حنين ومتفرقا
فجمعه ابن زكريا وناقصا فكمله ابن سينا طريفة قيل ان في بعض التواريخ ان
لفظ فيلسوف يلقب به من تمهر في جميع اجزاء الفلسفة فصنف جالينوس في جميعها
كتابا وعرضه على ملك زمانه وسئله ان يلقب به فقال الملك نحن لا نعرف ما فيه
لكن نبعثه الى فلان الفيلسوف فان استحسن نلقبك به فلما رآه قال مصنفه لا يستحق
هذا الاسم انما هو رجل طبيب طريفة قيل وجه ان الجليد يطفوا على الماء ويزيد
ثقل الميت فيه ان الهوا ينفصل من الميت ويسد منافذه بخلاف الجليد طريفة
قيل ان تولد الذكور في الايمن من الرحم والانثى من الايسر ولذا كان مزاج الذكور
احر من مزاج الانثى حيث ان الايمن من الرحم احر وكذلك قيل ان سبقت البيضة
اليمنى في العظم والانتفاخ وقت انبات الشعر كان الشخص مذكرا وان سبقت
اليسرى كان مؤنثا طريفة قيل بروز اعضاء التناسل في الذكور وكونها
في الانثى دليل على حرارة مزاجه وبرودة مزاجها ولذلك لا يكون في من
ابتر الذكر والبيضتان واوعية المني مائلة الى الخارج كالميل ولا يوجد
مابون عظيم الذكر ينسل المخصي طريفة قيل السبب الغائي لبرد مزاج
الانثى ان الجنين يحتاج في تكونه وتغذيته ونشوه بعد الولادة بسبب
الرضاع الى مادة غريزة فلو كانت الانثى قوية الحرارة لكان الغذاء
يتحلل سريعا ولا يجتمع منه ما يفي بجميع ذلك يقينا وايضا البرودة موجبة
لان يغلب عليهن الكسل ليصلحن لتربية الاجنة ولزوم المسكن والقيام
بامر الاولاد ومصالح البيت طريفة قيل ان القلب يتحرك دائما
حتى قيل انه يتحرك في النفس المعتدل عشر مرات خمسا انبساطية وخمسا
ايضا ولولا الرئة لتاذى عند سد النفس وحصره في بعض المواضع

طريفة بنويس سؤال ذاكم و بيش زاينده و از گذشته خويش

اول

اول عدد حروف بردار / فانگاه بفارسی بنطق آر
پس هر دو عدد بیکدیگر ضم / گردی که نمود کشف مبهم
خواهی یابی ده و صالش / یک سطر بیاور بی مثالش
از لفظ سؤال استوا بوی / فانگاه بمد غات ده جوی
ملفوظی حرف را عدد گیر / وز بعد عدد تو حرف برگیر
وز بعد شر سر زیر لولاک / لولاک لما خلقت الافلاک
میجوی امام پیشوا را / سر و فتر کشو وصفا را
یعنی که پس از الف بدل خواه / تو نقش همین کعب را خواه
با باب ضمام (زمام ذکر) و باب اول / کردیم تو را بحق محول
کاندر کتمان او بکوشی / وز ما اهلان بجان بپوشی

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن
س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

نظیره ابجدی است که بعد از آنکه جواب بر سد از مؤخر صدر رجوع بنظیر نماید تا معلوم شود ـ ملفوظی حروف بعد از استنطاق ملفوظی حروف چنین است

اج د ک ل س ع ص ض ق ش ذ غ
یعنی باید چنین نویسند ال ف ج ی م ک اف

مسروری چنین است
ب ه ذ ح ظ ی ف د ت ث خ ظ

طبوبی حروف چنین است
و م ن

و هر گاه جواب بعدد بروح را در سطر مؤخر صدر ضم نمایند هکذا ب د ح

وص ع م ح م د ک ی س ت
٨ ٥ ٩ ٤ ٧ ٢٣ ١٢٤ ٦ ٣٦
استنطاق ح ف خ و غ ج ی د ی و
ملفوظی
ح ا ف خ ا و ا د ع ی ق ح ی م
ی ا ا ل ف و ا ر
یعنی بی مثال
غیر مکرر ح ا ف خ و ع ی ن
ج م د ل
م ص ر ل خ د ا م ف ج خ ن و ی
ع ع ل ی م

طریقة قیل لعقرب اثرها تکون اذا کانت حاملا ولها ثمانیة ارجل وعیناها فی ظهرها

فی ظهرها و من لطیف انها مع صغرها تقتل الفیل والبعیر بلسعها طریفة
قیل من غرائب امر الحیة انها لا ترید الماء ولا ترده الا انها لا تضبط نفسها
عن الشراب اذا شمته لما فی طبعها من الشوق الیه فهی اذا وجدته شربت منه حتی
تسکر و ربما کان السکر سبب هلاکها و انها سایرة و عینها لا تدور فی راسها کانها
مسمار مضروب فی راسها و کذلک عین الجراد و اذا قلعت عادت و کذلک انیابها اذا قلع عاد
بعد ثلثة ایام و کذلک ذنبها اذا قطع نبت و من عجب امرها انها تهرب من الرجل العریان
و تفرح بالنار و تطلبها طریفة قیل قال موسی ع الهی اترزق فرعون و هو یدعی الربوبیة
فاوحی الله الیه یا ابن عمران لو ترک فرعون العبودیة ما اترک الربوبیة طریفة
گویند بجهة قوة حافظه چهل و یکروز این آیه را بر انجیر خشک بخوانند و روزی یکی
دانه از آنها را بجوید و کمتر از یکدانه نخورند انا نحن نزلنا الذکر و انا له
لحافظون طریفة قیل عن مولانا ابی عبدالله علیه السلم اذا هم احدکم یدخل
بیتا و یلصق خده بالتراب ثم یقول استغیث بالله و برسوله و بک یا فاطمة
طریفة گویند بجهة اولاد شدن مرد از سینک با تخم مرغ بر ذکر مالیده
موجب اولاد میشود چنانچه بتجربه رسیده والله العالم طریفة گویند در یکی
از کتب تفاسیر اورده اند بجهة توانگری عظیم که از حساب آن عاجز آید
در شب جمعه هر شب دو رکعت نماز گذارده در هر رکعتی ده مرتبه سوره
مبارکه حمد و یازده مرتبه سوره مبارکه توحید بخوانند و بعد از سلام صد
مرتبه صلوات بفرستند والله العالم طریفة قیل الحرارة علی اربعة
اقسام المحسوسة من جرم النار و المستفادة من الاشعة والتی توجبها
الحرکة والموجودة فی بدن الحیوان وهی الحرارة الغریزیة و یسمیها
افلاطون النار الالهیة طریفة قیل ان الخفاش یغتذی الشعر و
یهضم ولیس فی اصناف الحیوان ما کان کذلک طریفة قیل الشهوة
قد تکون من الحرارة و تسمی شریانیة و قد تکون من البرودة و تسمی
کلبیة و هی التی بها المعدة جایعة والبدن غیر جایع طریفة اذا

بجملم

جمله مواضعی که مزبور باشد باید عده نگاه دارد جهت دخول وطی بشبهه
است با او واگر شوهر او را طلاق دهد عدم عده طلاق موجب عده
وطی مزبور نخواهد بود کما فی فتاوی العلما **طریفة** گویند نشاسته را
با شکر و روغن بادام بریان کنند و نیم گرم تناول نمایند بجهت سینه و سرفه
نافع خواهد بود انتهی تمت **طریفة** هرگاه چشم زاغ همراه کسی باشد
او را خواب نمیبرد **طریفة** گویند طریق حل کردن مریخ آنستکه براده
مریخ را با آب نمک بشویند مکرر و با آب صافی نیز بشویند تا روشن شود
پس خشک کنند و در تیزاب اشخار و فلفل مسحوق اندازند در بوته آهنی
و آتش نرم کنند تا آب نشف کنند و بجوشانند تا هفت بار که آن راده حل
شود. بومثال سیماب و این محلول لجذب رطوبات و عقد طیارات کند
و مشتری را محکم کند **طریفة** گویند مریخ با علم و ملح قلیا مذوب گردد
و بشمس ممتزج گردد و صبغ ثابت دهد آن شمس مصبغ قمر را منصبغ نماید
طریفة گویند نمک قلیا و طبرزد و طعام و سم الفار و نشادر هر کدام
یکجزو و شوره دو جزو با هم خوب صلایه یکروز با آب لیمو گذارند و بعد از آن
بظرف کاشی کرده یکشب و یکروز در آتش گلخن گذارند بعد از آن برادو
یک مثقال برنج مثقال مشتری یا زهره طرح نمایند و مشتری را اقایم
نماید **طریفة** گویند آب قلیانی که سه چهار روز غلیظ شده و بریخته با
با سه مثقال توتیای هندی ممزوج نموده و فرار را در آن ریخته بر آتش
ملایم تا سه ساعت گذارند و از کتان آب ندیده چند مرتبه صاف نمایند
فرار عقد شود باین تدبیر **طریفة** گویند مکروه است آنکه در
تاریکی نان خوردن و غیبت کردن در مسجد و عطسه زدن در حمام
خواب موجب دیوانگی است وایضاً طبق یا پرویزن نباید نان خورد
طریفة گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند یا علی برهنه
ماش.

باش اند هاى اهل سخاوت وقرآن خوان كه خداوند تعالى دعا ایشان را
زود اجابت فرمايد وچون ماه نو ببینی بگو سُبحانَ اللهِ والحمدُ للهِ ولا
اله الا اللهُ واللهُ اكبرُ ولله الحمد ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
وگوشت خروس بسيار مخور كه بسيار بد كم باشد يا على مويز ميخورده باش
كه فصاحت زياد ميكند وبلغم را ميبرد يا على چون سفر كنى يا بجرب دشمن
روى سوره يس را بستيا وبخوان يا سوره انا انزلناه را ده مرتبه بعد از يس
بخوان وصلوات بر محمد وآل محمد صلى الله عليه وآله فرستاده ميباش يا على
چون روزه بگشائى اين دعا را بخوان بسم الله اللهم بوجهك وجهت و
على رزقك افطرت عليك توكلت يا غفار اغفر لى يا غفار طريفة
گویند بجهت تعجيل رزق مجربست يا هو يا من هو يا لا اله الا هو يا من لا اله
الا هو يا من لا هو الا هو يا رازق الغربان فى اعشائها سيكفيكهم الله
وهو السميع العليم وصلى الله على محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين
طريفة نوشته اند كه هر كه خواهد حاجت او از خلق روا گردد بايد اين
سر را كسى نداند اين شش كلمه را بنويسد وبر بازو ببندد مراد حاصل شود انه
لاع لاع يدع حبته له همه طريفة قيل ان الشياطين لو كانوا قادرين
على تخبيط الناس وازالة العقل مع انه بين العداوة الشديدة بين
وبين الانس فلم لا يفعلون ذلك فى حق اكثر البشر وفى حق العلماء والافاضل
والزهاد اكثر واقوى ولما لم يوجد شئ من ذلك ثبت انه لا قدرة لهم على
البشر بوجه من الوجوه ويتاكد هذا بقوله ما كان لى عليكم سلطان الا
ان دعوتكم فاستجبتم لى طريفة قيل هذه الاية دلت على ان الشيطان
الاصلى هو النفس لان الشيطان بين انه ما اتى الا بالوسوسة وان المناط هو الحاكم
لا غير طريفة عن مسعدة قال سمعت ابا عبد الله عن الكفر والشرك ايهما اقدم
فقال الكفر وذلك ان ابليس اول من كفر وكان كفره غير شرك لانه لم يدع عبادة
غير الله

غیر الله و انما دعا الی ذلک فاشرک طریفة فی الحدیث ان الله عز و جل
حین امر آدم ع ان یهبط هبط آدم و زوجته و هبط ابلیس و لا زوجة له و هبطت
الحیة و لا زوج لها فکان اول من یلوط بنفسه ابلیس فکانت ذریته من نفسه و کذلک
الحیة و کانت ذریة آدم من زوجته فاخبرهما انهما عدوان لهما طریفة بیا بپای
صحرائی را و در سایه خشک کن و از برگ آن یکمثقال بر بیست و پنج مثقال قروس
منقی انداز تا آفتاب شود و اگر شمع او را بر فراز اندازی منعقد گردد و نشان آن پیای
آنستکه در وقت کندن تا گوسفندی در دیگ زنی سرخ گردد والله العالم طریفة
گویند طریقه سفید کردن زرنیخ آنستکه بیا و در دیگ سفالی در آور زرنیخ را وزن نموده
در بن دیگ گذارد و بر سر دیگ سرپوش سفالی و آب پکرا بگل بگیرد هر گلی که باشد
تا بخارش برود و هفت ساعت آتش زیر دیگ کند بعد از آن سر دیگ را بردارد زرنیخ
بهم بسته باشد و سفید جمع نموده یک بر پنج مس طرح نماید نقره گردد انشاء الله طریفة
گویند هرگاه روح را فرش و لحاف سفید آب قلعی نموده در بوته بگذارد ثابت گردد طریفة
گویند بستاند شاخ و برگ بنفشه و بکوبند و آبش را بگیرد و مس را در آتش
سرخ کند و صد و بیست بار در آن فرو برد مثل نقره طلائیه میشود و بونک
برابر شمس عمل کند طریفة گویند هرگاه جیوه را با روغن گردو ملغمه
و نیسا در صلایه نمایند ثابت شود و حنظل همچنین حکم دارد و سفیده
تخم مرغ همچنین است طریفة گویند بجهت احضار مشروع بر هفت
دانه فلفل سفید بر هر یک سبع قرائت سوره زلزال را بخواند و بعد
بران طریفة قیل مر سلیمان ع بر بلبل یتصوت و یرقص فقال
یقول اذا اکلت نصف تمرة فعلی الدنیا العفا طریفة گویند مثل
مفید که عطارد دارد یک مثقال از آن بر پنج مثقال مس طرح شود
نقره شود انشاء الله طریفة گویند اگر خواهی هر چه بشوی یا دیگری آن
اسم را بنویس بر پشت دست چپ و بزبان بلیس الله هو امر با سهلیم سعر اسما فرعمیر

طریفه گویند در عقد قوا دبیا و دو مرد ا و سنگ با جزوی ز زنخ نزد
صلایه کنند و با سرکه بجوشانند تا ذائقی از سرکه کم شود آنکه قوا رد را و بجوشانند
مانند سنگ شود طریفه گویند هرگاه خواهی عقرب اسفید کنی او را در یکین
عوامل سحق و آب مسران ریزی تا خشک شود دو سه نوبت مکرر چنین کنی سفید
میشود اثر طریفه گویند چون قوا منعقد را بر نحاس طرح کنند آتش بیا
بانیکرد چون سیخ آهنی در بگردانند زیبق در آن بچسبیده باشد مزاج تمام
یافته آنگاه بگذارند و عقد بعد و سرب داخل کنند بعده تا خوب بسوزد باز قدری
سرب داخل کنند و بعده تا سرب بسوزد چون سه دفعه این عمل کنند نقره شود تا بقی
ابدا نشد طریفه فی الحدیث قال ابلیس یا موسی ایاک ان تعاهد الله عهدا
فانه ما عاهد الله احدا الا کنت صاحبه دون اصحابه حتی احول بینه و بین الوفاء به
طریفه قیل قال رجل للحسن یا ابا سعید اینام ابلیس فقال لو نام لوجدنا راحة و لا
خلاص لمؤمن منه الا بتقوی الله طریفه قال فی الاحیاء من غفل عن ذکر الله
تعالی و لو لحظة لیس له قرین فی تلک اللحظة الا الشیطان قال الله تعالی و من یعش عن
ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین طریفه قیل ان قیل لم قدم الجن علی
الانس فی قوله تعالی و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون فالجواب ان لفظ الانس
اخف لمکان النون الخفیفة و السین المهموسة و کان الاثقل اولی باول الکلام
من الاخف لنشاط المتکلم و راحته طریفه قیل ان النبی صلعم نهی عن نکاح الجن
و عن عبد الله انه کان یقول اللهم ارزقنی جنیة اتزوج بها تصاحبنی حیث
ما کانت طریفه قیل کان الشیخ عز الدین عبد السلام یقول و قد
سئل عن ابن ابی عربی فقال شیخ سوء کذاب ایضا قال نعم تذاکرنا یوما
نکاح الجن فقال الجن روح لطیف و الانس جسم کثیف فکیف یجتمعان
ثم غاب عنا مدة و جاء و فی رأسه شجة فقیل له فی ذلک فقال تزوجت امرأة
من الجن فحصل بینی و بینها شیء فشجتنی هذه الشجة قال الامام الذهبی بعد
ذلک و ما اظن عن ابن عربی تعمد هذه الکذبة و انما هی من الخرافات الریاضیة

طریفه قیل ان

طريفة قيل يمكن الزواج بين الجن والانس من جهة العشق كما في الصرع
على ما قيل وقال الله تعالى وشاركهم في الاموال والاولاد وقد ذكروا ان
الواق واق نتاج ما بين النبات وبعض الحيوان طريفة قيل لا اغلب ان
كرة النار تكون مملوة من الروحانيات طريفة قيل في الحبشة ضرب من
الحيات يطير في الهوا طريفة گويند اسم اعظم بر دو قسم است خاص و عام
وطريق معرفت عام مختص خواص است واما طريق معرفت خاص بنا بر طريق
عارفين آنست كه هر اسم از اسماء الله تعالى بحساب جمل يا قانون جفر با اسم
احدي از آحاد مطابق بود اسم اعظم او است و قانون ارباب جفر چنانست
كه از عشرات فرده را يكي اعتبار كنند و از مئات و الوف هر صد را يكي گيرند
و هزار را نيز همچنين يكي حساب كنند چراكه اسقاط عشره مصطلح ايشانست
بدين اعتبار و از نه نه را طرح كنند و نه چون انده طرح شود يكي بماند
و از صد و هزار چون اسقاط نمايند يكي بماند و از آحاد چيزي مطروح نشود
بر تقديري كه عدد آحاد بعد از اجتماع اعداد از عشر و عشرين متجاوز گردد
زيراكه اگر اسقاط واقع شود مكرر طرح لازم مي‌آيد و گويند بنا بر حساب
جمل همان اسم را بعددش بخواند بعد از خواندن سوره فاتحه بهمان عدد و
سوره الم نشرح نيز بهمان عدد و بعد از ان بهمان اسم از خداوند تعالى حاجت را
درخواست كند كه انشاء الله تعالى مستجابست كما ادعى فيه التجربة و اگر موافقت
را در يك اسم نيافت در دو اسم الى چهار اسم هم ميشود والله العالم و در
نزد بعضي مطابقت و ابقا نون جفري مذكور نيز ميتوان اجراء نمود فتد
طريفة گويند هر كه اسم مبارك الواجد بحيم را بر هر لقمه نان كه در دهن
گذارد بخواند صاحب يقين خواهد گرديد انشاء الله تعالى طريفة گويند اگر
كسي خواهد بجائي رود و كسي او را نه بيند اين دعا بنويسد و بر بازوي
راست بندد بسم الله الرحمن الرحيم لهوه لهوما لهو ما نهفعا
نهفعاه طريفة گويند بجهة محبت اين دو مثلث را كه يكي با سم
مطلوب

مطلوب نوشته و اسم طالب و اسم مطلوب بر روی هم گذارند و در زیر
سنگ گران نهند که از موده و مجربست و این طلسم را در چهار کنجی
بدوخ نوشته بحروف مقطعه و باید هر یك از اسم طالب و مطلوب را بعدد

۲	۵۴ ۱	۴
۸۴ ۴۲	طالب	۱۳۷ ۲
۶	۳۱۶ ۴۱۱	۸

۲	۵۴ ۱	۴
۸۴ ۴۲	مطلوب	۳۷ ۲۱
۶	۳۱۶ ۴۱۱	۸

در آورند و آن عدد را نیز نویسند
مثلا اسم علی را باین نحو نویسند
۱۰۳۰۷۰ و اسم فرج حسن را باین
نحو ۲۰۵۰ ج س و هر گاه
خواهند از غیر عدد نویسند
باین نحو باید نوشت طریقه
گویند از خواص زاج سفید است

ب	منی	د
محبت	طالب علی	علیك
و	القیت	ح

ب	منی	د
محبة	مطلوب حسن	علیك
و	القیت	۸

که چون کسی را چشم بد رسیده باشد آن را بخور نمایند و آن قطعه بخود
بصورت و شکل ظاهر گردد و هر گاه او را در طرف قبله خانه آن شخص بگذارند
هرگز چشم بد باهل آنخانه اثر نکند انشاء الله تعالی طریقه گویند بجهة
خفاء از انظار خصوصا از خصوم و اشرار بر کف خود نویسد رب ارنی
تا وانا اول المؤمنین را و بعد بازبان نیز بخواند هیچکس او را نخواهد
دید انشاء الله تعالی طریقه فی الحب المشروع گویند هرکه هر روز
صبح و شام تا مدت هشت روز حمد را بدین طریق بخواند بجهت
تسخیر محبوب موثر خواهد بود انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
سخر لی فلانه بنت فلانه یا فلان بن فلان الحمد لله رب العالمین یا رقیب
سخر لی قلبه یا قلبها الرحمن الرحیم یا ودود سخر لی ف بن ف را مالك
یوم الدین یا رقیب سخر لی قلبه یا قلبها ایاك نعبد و ایاك
نستعین یا ودود سخر لی فلان بن فلان اهدنا الصراط المستقیم
یا رقیب سخر لی ف بن ف غیر المغضوب علیهم یا رقیب سخر لی فلان بن فلان
و لا الضالین

ولا الضالین آمین یا ودود سخر لی فلان بن فلان طریقه ایضا
فی الحب المشروع این دعا را هفت بار بر سیب یا بر شکر بخوانند باسم شخص
مطلوب که مؤثر خواهد بود انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم أفرأیتم
اللات والعزی ومناة الثالثة الاخری ألکم الذکر وله الانثی
طریقه ایضا فی الحب المشروع گویند بنویس بر پاره لت و در آتش انداز
تا عجایب مشاهده کنی حطهلطها للحاهی فلان بن فلان علی حب فلان ابنت فلان الساعة
الساعة الساعة الوحا الوحا العجل العجل العجل النار النار النار
ایضا للحب المشروع گویند بنویس در روز جمعه و بر خود ببند و بنام هر که خواهی
و هر کجا باشد حاضر گردد و اگر از خود باز نکنی هلاک گردد والله العالم
٤ ١١١ ٩ عه ٨ ١١١ وه ٨ ح ١١ ١١١١ ارد ١١١ دعه لا ١١١ ١١١ ١ ٩٨١١١١ ا

طریقه ایضا للحب المشروع گویند بنویس بر تخم مرغ و در آتش نه
تا بسوزد بنام هر کس که خواهی اینست عمم عح عح عح عح لططلطا
ط ٨٩٩ ط ٦ ووو ١١١ ک ٩ صح باسم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
طریقه گویند از شیخ عاملی بهائی قدس سره العالی منقولست که هر
زنی که او را فرزند نشود این آیه کریمه را با حروف مقطعه کسی که محرم
آن زن باشد بر پهلوی راست او بنویسد و اگر محرمی نباشد غیر محرم
بر کاغذی بنویسد و بر پهلوی راست او بچسباند ان شاء الله تعالی او را
فرزند شود اما باید یک گوسفند فربهی ششماهه بی عیب سیاه را در جائی
که آسمان پیدا نباشد ذبح نماید و گوشت آن را بچهل مؤمن بخوراند
و شرط دیگر آنست که تعویذ را بحروف مقطعه بدون کم و زیاد
بنویسد تا فرزند کامل شود و شیخ مذکور فرموده که این تعویذ را
قریب به نهصد کس دادم از همه فرزند بوجود آمد آیه مرموزه اینست
ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله
الامر

الامر جمیعا **طریفه** گویند هرگاه نفره را بر موضع عقرب گزند
گذارند درد آن ساکن گردد ان شاء الله تعالی **طریفه** گویند هر که
هفت بار این آیه را بر آب بخواند و بخورد و مریم ابنت عمران التی احصنت حامله
شود و چون خواهد گشاده شود این را هفت بار بر آب بخواند بعد از ان که
احصنت فرجها باشد ان شاء الله تعالی گشاده شود **طریفه** ایضا گویند نوشتن
این حروف بر خرقه سفید و بر بازوی راست بستن موجب گشاد در
جماع خواهد بود ای طک ه ن الح الاحق **طریفه** گویند
نوشتن این شکل با تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام و بگلاب شستن
و آشامیدن آن موجب شفاء معجل خواهد بود و قد قیل الله و الله شفاء
و الله و الله شفاء و الله مکتوب فی کتف النبی صلی الله علیه و آله سم الله لوع
السم الله و لوع سم هه وع سم هه و لوع **طریفه** گویند
در وقت دیدن ماه نو نظر کردن در این سوره بترتیب رمز بود موجب
محفوظیت از آفات و بلیات خواهد بود ان شاء الله تعالی محرم در سوره الرحمن
صفر در حم عسق ربیع الاول در قد سمع الله ربیع الثانی در تبارک الذی
جمادی الاولی در مزمل جمادی الثانی در مدثر رجب در یس شعبان در ص
شهر رمضان در محمد ص شوال و ذیقعده در انا فتحنا و نسا ذی الحجه در حجر
طریفه گویند از حضرت امام موسی ع مرویست که چون خواهی دفعه
یکسی نویسی بجهت مطلبی که خواهی زود روا شود در وقتی که هنوز قلم را از
مرکب سیاه نوشته نباشی بر سر کاغذ بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
وعد الله الصابرین المخرج مما یکرهون و الرزق من حیث لا یحتسبون
جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون بعد از آن
مطلب خود را بنویس راوی گوید مکرر تجربه شده و تخلف نداشته **طریفه**
گویند یک نحو از طرق خواندن سوره مبارکه یس این طریقیست که سه مرتبه صلوات

بفرستد

بفروشند و سه مرتبه سوره اخلاص بخواند و یکمرتبه آیة الکرسی و بعد از آن این دعا را
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا صمدی من عنداتی یا مددی و علیک معتمدی
یا ناصر یا معین بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین اغثنی علی کل حاسد بقوة
قدرتک یا رحمن یا رحیم بحرمة یس و بنبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین
من آل طه و یس والحمد لله رب العالمین **طریقه** گویند صاحب در التنظیم
آورده که هر که سوره الم نشرح را بر سینه خود یا غیر بخواند از تنگی سینه خلاصی
یابد و باطن وی منشرح گردد ان شاء الله **طریقه** گویند از شیخ معروف کرخی
منقولست که هرگاه کسی بجهة حصول مقاصد هزار بار این دعا را بخواند اگر مطلب
حاصل نشد بر من لعنت کند بسم الله الرحمن الرحیم آمنت بالله العلی العظیم و توکلت
علی الحی القیوم **طریقه** گویند آنکه اسماء معروفه و کم لله من لطف خفی الخ که
منسوب بحضرت امیرالمؤمنین ع و اینکه از لوح محفوظ بر آنجناب کشف شده بلیغ و اینهم
طریق خواندن آنها اینستکه بعد از نماز صبح هفتم مرتبه بخوانند و در وقت خواب نیز
نوبت بخوانند بجهة رفع و دفع آفات **طریقه** قیل قال الحکیم هذه
حروف ترابیات تکتب و تدفن فی تراب ارض طاهر باسم من ترید و اسم
امه یا رحمن عطواکیل و یا سلام برکیطائیل ی یا جبار محلمتائیل
ن یا مصور لوحائیل ص یا رازق لودائیل ف یا باسط حذرائیل
ض یا مذل عطائیل وهذه عزیمتها اعزمت علیک یا روح الارضة
انت جوهر من جواهر العاشقین اجری اجری اجری یا عطواکیل محبة
فلان بن فـ علی فـ بن فـ بحق یا رحمن اشغل اشغل اشغل ما امرتک به و
اوکلت علیه بطرفة العین و بحق من الف بین یوسف و زلیخا الف بین
فـ بن فلانه بحق من یقول للشیء کن فیکون العجل الساعة الوحا **طریقه**
گویند صاحب در التنظیم آورده که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی
است که هر که سوره مبارکه یس را بنویسد بشوید آب آنرا بخورد در باطن وی
هزار

هزار دوا و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت در وادی هر مرضی از اندرون او
نایل گردد طریفة گویند شخصی از آخوند علاء الدین محمد نقل نمود که هرگاه
چیزی گم شود در وقت خواب با وضو رو بقبله سیصد و یازده مرتبه بخواند یا دلیل
المتحیرین و در وقت خواندن با کسی حرف نزند و بخوابد البته دزد را در خواب
ببیند و ناقل گفته مکرر و بتجربه کرده ام طریفة گویند هرکه فرزند خود را به
نیت حفظ کلام الله سوره یوسف را یاد دهد و هر روز یکبار بخواند بدین
نیت موفق خواهد شد بحفظ کلام الله انشم طریفة گویند خواندن سوره
مبارکه انفال بنیت توانگری سه مرتبه مؤثر خواهد بود طریفة گویند
خواندن سوره جمعه بجهة موافقت زن و شوهر پنج مرتبه و بیست و یکبار سوره
عصر بجهة دفع بدگوئی خصوم و ده بار سوره همزه بجهة درد شکم نافع خواهد بود
طریفة گویند خواندن حرف میم بجهة امتناع مطلوب از اجابت خواهش او
هفتاد مرتبه مؤثر خواهد بود طریفة گویند اگر کسی آیه و افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد را بعدد او که هزار و هفتصد و هشتاد باشد بخواند
باضم عدد اسم خود مداومت کند خداوند تعالی او را مال کثیری یا منصبی یا دفینه
باو برساند انشم طریفة گویند بجهة برخاستن محبت بعد از طلاق ۳ یا ۵
مرتبه بخوانند و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب طریفة
در کتاب دفع و دفع مرحوم فیض قدس سره نوشته بجهة سرعت انزال بر کاغذی
نویسند و در دهن گذارد تا بیرون نیاورد انزال او نشود

ما۱۱۹ط۹۹ علا۹ط۹۹ علا۹۳ط۳ط۳و علا۹ط۹۹

نسخه دیگری این طور است

طریفة گویند بجهة قولنج بتجربه رسیده هرگاه اندکی حنا را بر آب زنند و بیاشامند
در حال تسکین یابد انشم طریفة گویند اگر زاج سیاه را بسوزانند و دود در سوراخ
موش بریزند دیگر موش نیایند طریفة قیل اذا صب عصیر السلق علی الخمر خللها بعد
ساعتین

ساعتين وعلى الخل خمرها بعد اربع عصيطصله ترياق وجع السن والاذن سعوطا
وكذا الشقيقة طريفة قيل عن امير المؤمنين ع ان التاويل مشتق من
الاول فالاول في اللغة العرب الاصل لان الاول اصل الاعداد والتاويل
من الاول كالتاخير من الاخر الى ان قال عليه السلام وكما ان التاويل في الرؤيا
معكوس كذلك التاويل في الشريعة طريفة قيل في ارض البلقا جبل
اسود عليه مكتوب بالعبرانية باسمك اللهم جاء الحق من ربك بلسان عربي
مبين لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله صلى الله عليهما وكتب
موسى بن عمران بيده طريفة فيما اوصى محمد عليا عليهما السلام من كتاب من لا
يحضره الفقيه يا علي ان الله عز وجل اشرف على الدنيا فاختارني منها
على رجال العالمين ثم اطلع ثالثة فاختار الائمة من ولدك على رجال
العالمين ثم اطلع رابعة فاختار فاطمة عليها السلام على نساء العالمين قال
بعض العلماء هذا يدل على افضلية كل الائمة عليهم السلام على فاطمة عليها السلام
طريفة عن النبي صلى الله عليه وآله حبب الي من دنياكم النساء و
الطيب وجعل قرة عيني في الصلوة قيل لم يكن مراده ص بهذا الخبر
الا الصلوة وحدها حيث عد الصلوة بالتزوج والتعطر كما في الاخبار
طريفة قيل قال محي الدين في الفتوحات المكية في باب الاولياء فاما صلى ومنهم
الرجبيون وهم اربعون نفسا في كل زمان وسموا رجبيون لان المراتب التي تحصل
لهم المنافي في هذا الشهر من اوله الى اخره وزعم بعضهم السقيم ان الشيعة والروافض
يرون في انظارهم بالكشف على صور الخنازير لان هؤلاء الاولياء يجدون في انفسهم
في هذا الشهر ثقلا لا يقدرون على حركة اصلا في كل عضو قيل ومن بدع ابن العربي
انه قال ان الماء المطهر للغير غير طاهر في نفسه اذ لم يرد في الخبر انه طاهر بل غيره انه طهور اي مطهر
طریفه گویند بستن انگشتان خنصر و بنصر از جانب مخالف پا هر دو جانب رعاف را باز میدارد

علی ما

علی ما جرت طریفة فی رسالة بن الساعدان احب انسان براهیجان عیبه فی الحال الحذ
الما الفراح وهو الما الساذج فیغلی فیصب علیه شیأ من الما البارد و سقاه فیکون
بیئ ذلک فی الساعة طریفة قیل مما یشعر من اشعار ابن عربی علی انه عامی باثر خانتم
الولایة هذه الابیات وما فاز بالختم الذی لمحمد من بعضهم العلم الا اما وحکی لقد بان لی
وبانت معالمی ولست بمجهول ولا انا بالمهدی فذلک من اهل البیت و هو محمد اواحمد لا یدعو فی
الی السنة المثلی صراط الهنا وعن امره العالی و هذا الذی یحکی طریفة قیل قال شیخ
محمد الحر ره فی جواب بعض المسائل الاحادیث الواردة فی ذم الصوفیة عموما و خصوصا و فی لعنهم
وتکفیرهم و بطلان کل ما اختصوا به متواترة تقرب من الف حدیث لیس لها معارض طریفة
فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی من مستطرفات السرائر لابن ادریس یونس بن ظبیان
قال دخلت علی ابی عبدالله ع و بی رمد شدید فاغتممت لذلک ثم اصبحنا الی الغد فدخلنا
علیه فاذا هو لا رمد بعینه لا به علة فقلنا جعلت فداک هل عالجت عینک بشیء فقال
نعم فقلنا بما هو من العلاج فقال بعوذة فکتبناها و هی اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله
و اعوذ بنور الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ ببهاء الله و اعوذ بجمع الله
قلنا وما جمع الله قال بکل الله و اعوذ بعفو الله و اعوذ بغفران الله و اعوذ برسول الله
و اعوذ بالائمة و سمی واحدا واحدا علی ما یشاء من شر ما احذر اللهم انت رب الطیبین
طریفة فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی میزان الاعتدال کتاب فی الرجال للذهبی من
علماء المخالفین کبیر محیط لیس لاصحابنا مثله فی الصحابة ذکر غیر ما معناه ان ابن الحج فلقینی
زرارة بن اعین فقال لی اذا لقیت ابا عبدالله سله عن ذلک فقلت ان زرارة قال لی
کذا او کذا فقال لی قل هو من اهل النار فتعجبت من ذلک فقال لی من زعم انی اعلم من فی
الجنة و من فی النار فقال لی نعم فلما لقیت ابا عبدالله ع سألته عن ذلک فقلت له ان زرارة
قال لی کذا و کذا فقال لی قل هو من اهل النار فتعجبت من ذلک فقال لی من زعم انی اعلم من
فی الجنة و من فی النار فهو فی النار فلما رجعت و لقیت زرارة القی الیک من جراب النورة طریفة
قیل اسم ابیطالب ع عبد مناف و اسم هاشم ع عمرو طریفة گویند هرگاه خون کنه
را برجای مالند مو بیرون نیاورد طریفة گویند کبریت با پیه جزع غاف قلیا
در قاروره مطین کند با آتش زبل خفیف یک شب بگذارند صبح بیرون آورند
و مهیات

وهر یکجزو سه جزو آب شیرین داخل کنند بجوشانند تا تمام آب انجور و صعید از آن
دور آب شود و سائر مخلوط شود و ممزوج گردد بکار برند طریفه گویند عمل
ترکیب فضه چهار مثقال نقره سه مثقال روح توتیا نیم مثقال شمس نیم مثقال هم
بگذار بعد آن اعلا شود انشاء طریفه گویند شش جزو زهره و کوفته سائیده یکجزو روح
توتیا بگذارید ما سند زهره گرداد کنی مغلو مکن سه صفت بپذارید می ریز بیرون آ
ادبرون و آنگاه بکن با قمر و زرنیخ بازی طریفه گویند قلع منقی یک نیم نحاس یک زیبق
با نیم قلع را گداخته با زیبق ملغمه نماید بعد من آنگه اخذ ملغمه را در آن اندازد و مکرر
گداخته دو بوله بجنبد قمر اعلا شود انشاء طریفه هرگاه روح را با سفیداب قلعی
چنانکه ذکر شد ثابت کنی و با زیبق ملغمه نموده بامر موزه در طریفه سابقه از آن مدل و
پلاچ که کلس شده باشد عرش و نحاف کرده تا زیبق بر ثابت شود بعد از آن با نقره
کن اگر زود گداز شود قدری زهره منقی را با او ضم کن انشاء ثم درست شود فلیجرب واتمر
انم گوید هر گاه کسی عامل بمصداق یکی از قواعد کیمیائیه مذکوره این کتاب شود و بحقیقت
آن واصل گردد هر گاه دید که صدق معنای شمس یا قمر بطور حقیقت بر آن نمیشود
هر آینه از خدا بترسد و تدلیس نکند و هر کس میفروشد صریحا بگوید که این طلای معدنی
یا نقره معدنی نیست و بعید این وصف بفروش رساند و بعبارة اخری صریحا بگوید این
مصنوعیست و با این حیثیت میفروشم چنانکه یخ مصنوعی را اکر بیشود و امثال آن درست میکنند
صریحا با این وصف میفروشند و هر کس عمل با این وصیت عیدانم نمیکند اگر عملی را از این
کتاب فرا گیرد بر او حرام و موجب مواخذه ملک علام قهر سلطانه باد طریفه قیل ان بعض
الامم القدیمة کانوا اذا خافوا وباء نهقوا نهیق الحمار یزعمون ان ذلک یمنعهم من الوباء
وان منهم من یزعمون انه ما الملوک یشفی من الخبل ومن یزعمون ان علاج حول ا
ادامة النظر الی حجر الرحی فی دورانه وانها توجب استقامة العین ومن معالجاتهم
التی بعد الیوم خرافة ان المجروح اذا شرب لما مات طریفة قیل فی الحدیث اذا ابلع
الرجل من امتی الخمسین فلیأکل الحجامة طریفة قیل لما بلغ معویة خبر موت الاشتر
النخعی رض بسبب عسل مسموم من دهقان من جانب معویة قال ان لله جنداً من العسل
طریفة قیل قال المثنی بن خارجة لان اموت عطشاً احب الی من ان اخلف وعداً طریفة
گویند در این دوره حاضره مهارت اطبا جدید بحدی است که اعضاء یسر مرضی اگر معیوب شده
باشد.

باشد میکنند از ابدان ایشان و از ابدان اموات از انسان یا حیوان اعضاء و ریشه
صحیحه آنها را بیرون آورده در اجزاء آن مریض قرار میدهند و بدین واسطه رفع امراض
ایشان میکنند حتی آنکه یکی از ایشان که اسم آن دکتر کرل میباشد میگویند فی
اموات بتمامها اسراف شده میگویند چنانکه ممکن نیست از ساعت معینه مکسوره
یکی از اعضاء صحیحه آنرا بیرون آورند و در ساعت دیگر قرار دهند همچنین ابدان
انسان و حیوان نیز این امور از آنها متصور و ممکن خواهد بود و ترقیات علمیه را
مراتب غیر متناهیه میباشد **طریفه** قیل قال الاطباء الجدیدون ان الکحول الذی
یعنون به المادة السائلة الفعالة التی هی روح الخمر وهی السادیة فی جمیع المسکرات
هو مقدمة لداء السل فی شاربیها ملجئة للامراض العضال التی فی الکلیتین و الکبد
واذا اورث ابن السکیر نقصاً فی جسمه تتبع به الحال ان یکون جانیاً او مجنوناً **طریفه**
قیل من الآراء الخرافیة ما هو شایع علی الالسن من ان القهوة تساعد علی الهضم
طریفه قال بعض العلماء ان الاسلام فی هذه الاعصار محجوب بالمسلمین الا
طریفه گویند از عادات قبیحه هنود از اهل امریکا آنستکه مجانین را باید بقتل
رسانند و همچنین از عادات قبیحه آنها آنستکه بعد از دفن میت خود اگر میت را
اسبی باشد بکرسته هیچ جمیا و دند و سراق اسب جالا و نساء و شمشیر و اسلحه
انجوا از امیکشند و پوستها ترا میکنند و گوشت آنرا قطعه قطعه میکنند و در خانه
آن میت تا مدتی اهل آن از او میخورند و چشمها و گوشها و سم‌ها او را جمع نموده تا کاه
آن میت حفظ و ضبط میکنند تا آنکه یکی از ورثات او قائم مقام او گردد **طریفه**
قیل مما ابدع من الصنایع العجیبة فی عصرنا هذا تلغراف بلا اسلاك یوضع فی الجیب
طریفه قیل ان عند اهل طب الافرنج ان مضار التدخین لا تنحصر فی النیکوتین ای
سمه فقط بل ان للدخان سموماً اخری تصیب شاربه وهی موجودة فی ترکیب مادة الدخان
وهی البیریدین و الکرنوفول و حامض الکربون و غیرها **طریفه** قیل من معالجات الاطباء
الجدیدین للجنون استعمال مقدار کثیر معین من الافیون **طریفه** گویند در جرابست
آنکه توریة هزار سوره بود و هر سوره هزار آیه و هر آیه بمقدار سوره بقره بود **طریفه**
قیل سئل اعرابی عن النبی صلعم ایوسف احسن ام آدم ابوك قال ص حسن یوسف علا آدم سال
من آدم وقیل انه بعد الذنب ظهرت فیه الادویة فی **طریفه** گویند فرعون ملعون چهار صد سال
عمر کرد و در این مدت او را بیماری عارض نشدی و بجز تشبیه غذای او موز نبودی چنانکه در اخبار
خواص

خواص بی شمار در مورد وارد شده طریفه از دیگر منقولست که چون تورات را از
لوح نقل کردند یک جزو از اجزاء دوازده گانه از آن باقی ماند که در عرض یک ماه
نتوانستند بخوانند طریفه پیش از خطاب الهی بحضرت مریم بلفظ وهزی الیک
روزی او بدون تکلیف سعی میرسید مریم بسبب آن پرسید از حضرت حق جواب آمد که
در قبل حالت تجرد تو بود الحال تعلق قلب بفرزند عیسی داری طریفه گویند هنگامی که
مائده آسمانی از برای قوم عیسی نزول یافت روی آن بزیر و پشت آن بآسمان بود طریفه
گویند بعضی از تفاسیر وارد شده که اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمد و محمود و
احمد است محمد از محمود بلیغ تر و احمد از هر دو بلیغ تر است طریفه گویند نماز
بصورت احمد است الف بصورت قیام حاء بصورت رکوع میم بصورت سجود دال بصورت
قعود طریفه گویند سلیمان در اوراق تفسیر کرده الف شهر در منوره قدیم الجزایر
شهر که ملک سلیمان و ملک ذو القرنین که هزار و نما بوده است طریفه گویند در
عهد چنگیزخان صیادی گربه را تعلیم کرده بود که چشم کلنگ را نیش میزد
روزی در حضور آن سلطان آن صید را نمایش داد پادشاه مذکور حکم نمود آن
گربه را کشتند و گفت صیاد را بزنید که حرمت هر جزء که بر بزرگی تر کند
جزای او اینست طریفه در مصباح الشریعه آورده العبودیة جوهرة کنهها
الربوبیة فما فقد فی العبودیة وجد فی الربوبیة وما خفی فی الربوبیة اصیب فی العبودیة
بعضی این حدیث را باین طور معنی کرده اند که عبودیت یعنی مخلوقیت کنه آن حدوث
باشد خبر از موجد و صانع میدهد و آنچه در مخلوق نیست از صفات واجبیه در وجوب
ثابت میشود و آنچه در مخلوقست از صفات کمالیه اصل آن در واجب پیدا است
علی حسب التکلیف طریفه گویند تسخیر عقرب یعنی کیفیت بدین گونه است عقرب
نمک طعام نوشادر با هم صلایه کن تا غبار شود بعد از آن در ظرفی کن و سرش
محکم نما و بگشا در روغن قش کن تا بگدازد و بگذار تا منجمد شود پس آنرا با نار و قیر با نفط
از زیبق صلایه کن و در شیشه مسدود الرأس کن تا بخار از آن نفوذ نکند شود بعد
سرخ یک بر ده قرطوع کند شمس سوزانی طریفه در نسخه عتیقه مرقوم شده بود که
هر کس این دعا را هفت صبح بر هفت دانه مویز بخواند بخورد خداوند تعالی حفظ عظیمی و کرامت
فرماید بتجربه رسید اللهم نور بکتابک قلبی واشرح لی صدری واطلق به لسانی فی جلالک

ولا قوة الا بالله العلی العظیم طریفة گویند بتعلیق گرز بابر معده منع تخمه
میکند و با خود داشتن آن از جهة تقویت دل و دفع خوف طاعون نافع است طریفة
گویند چون آب زیره را بریزند بر مولود در حین ولادت بما الله بالخاصیه در مدت
عمر منع قمل و شپش میکند و از مجربات شمرده اند طریفة من طلب العلم فلیواظب علی قوله تعالی
رب زدنی علما طریفة لا ادری سخن چو نیک نگوئی هزار نیست یکی ولی چو نیک
بگوئی یکی هزار بود طریفة قیل فی هذه الاذکار یا هو یا من هو یا من لا اله الا
هو یا من لا هو الا هو ان الاول فنا عما سوی الله و الثانی فناء فی الله و الثالث فناء
عما سوی الذات و الرابع فناء عن الفنا عما سوی الذات طریفة گویند یکی از
احادیث وارد است مفادش آنکه خداوند را در زمین بندگان خالص است که هیچ تحفه زمین
نمیرسد مگر آنکه از ایشان باز میدارند و هیچ بلائی نمیرسد مگر آنکه بسوی ایشان
میرسد طریفة قیل وجوب التوبة عن الآثام کوجوب دفع السموم المهلکة عن
الاجسام فان سمیة الذنب و اهلاکه فی القلوب اشد من سمیة اشد من سمیة السموم
فی القوالب فتبصر طریفة قیل نسبة العادة فی الطبع کنسبة الشرع الی العقل و کان
العادة طبع من خارج کما ان الطبع عادة من داخل و یتظاهران و یتقاضدان الی
ان یصیرا کانهما متحدان و العرف خامس الخمسة و مع ذلک یحکم علی الجمیع فی اکثر الناس
قال بعض الحکماء رؤس الشیاطین ثلثة شوائب الطبیعة و وساوس العادة و نوامیس
العامة طریفة قیل درد دل اهل دل بوقت طعام کمتر می بود بجرا طریفة
قیل اول من اثبت لاجسام الکون عنصرا ترجع الیه بعد التحلیل و لو کان تحلیلا
فرضیا انما هو طالیس الملیطی قبل المیلاد لستة قرون علی ما دلنا التاریخ
فقال ان الماء هو الاصل الاول لکل شیء و ان الارض لیست الا ماء جمد و الهواء
ماء قلیل الزنة و ان جمیع الاشیاء تتغیر دائما من حالة الی حالة الی ان یؤول امرها
الی رجوعها ماء فاثبت للمواد بامرها عنصرا واحدا هو الماء و ان غیره یرجع الیه
بعد تغیرات تعرضه و هذا الرای قریب جدا مما صرح به الکتب السماویة و مقالات
مشاهیر الاسلام تعاضد نحوا و کذلک اصول الفلسفة الحدیثة فی تصرف فی التعبیر
طریفة قیل من اهم العناصر المکتشفة اخیرا الرادیوم و کلمه یوم علی وزن فحم
العنصر و اول من عثر علیه مسیو بکرل فی معدن اورانیوم و یقولون ان غراما من الراد
یوم

يوم يستحصل من ٣٠ الف پود (٧٠٠٠ خروار) الاوزان ومن لطيف ما جرى على
كلشعة انه حين ما حمل الراد الى لندن لاجل استيضاح احواله وضعه في انبوبة
من زجاج في جيبه على صدره فلاحت حمرة على جلده بعده يوما واعقبت
تلك الحمرة مرضا شديدا عليه ما بوم الكاشف منه الا بمعالجات صعبة وهذا الجسم
له آثار جليلة وفوائد جزيلة تفضل على الاكسير الموهوم بكثير والله اعلم بما خلق
وهو اللطيف الخبير طريفة قيل من اراد عمل الحبر الكوبيا (اى الحبر الذى بعد ان
يكتب به على ورق ينقل الى ورقة ثانية) فليأخذ من الحبر الاعتيادى ثلثة اجزاء و
يذوب به جزءا واحدا من سكر النبات فيصير معه الحبر المطلوب طريفة قيل صفة
صنعة الحبر الصينى هي ان تأخذ من هباب الدخان ما شئت وليكن ناعما جدا او عجنه
بصمغ الكادا الهندى ثم ضعه على نار هادئة ليصير شديد القوام فهذا المركب اذا احل
منه بالماء يكون حبرا اسود لماعا لكا طريفة قيل لحفظ الحبر والمداد من العفن و
الفساد ضع في كل ٣٠٠ درهم حبر من ملح الطعام بقدر البندقة طريفة گويند
اصطلاح اطبا و حكما در نفس و روح بر عكس ميباشد چه نفس در اصطلاح
اطبا ارفع از روحست كه روح بخارى باشد و نفس انسانى و در اصطلاح
حكما روح ارفع از نفس است كه نفس طبيعت باشد و روح ملكوتى و در اصطلاح
شرع بر حسب آيه شريفه الله يتوفى الانفس حين موتها نفس آن قوه را گويند
كه ماده عقل و تميز است و روح آنچه نفس و حركت با آن قائمست چنانكه مضمون
مذكور از ابن عباس منقولست طريفة قيل من الفروق بين العلم والمعرفة
انه يعتبر في العلم الاحاطة بالمعلوم وحصوله للعالم ولا يعتبر في المعرفة ولذا يقال
عرفت الله ولا يقال علمت الله طريفة عن النبى ص من اراد ان يؤتيه الله علما
بغير تعلم وهدى بغير هدى فليزهد في الدنيا - قيل لوجد الشرى ان العلم
مكنون في كنون النفس وبرفع الامراض المعنوية لظهر وهذا الوضع هو الزهد
المذكور في الحديث فتدبر طريفة در روايتى است كه حضرت ابى الحسن ع بعلى بن
يقطين ره فرمودند ضامن شو تو از براى من يك مطلب را تا من ضامن شوم
از براى تو سه چيز عرض كرد آنها چيست فرمودند اما آن سه چيز اول آنكه
هرگز حرارت آهن بتو نرسد يعنى ترا نكشند و هرگز فقير نشوى و هرگز بحبس زندان

نيفتى

نیفتی و اما آن یکچیز اینستکه هر وقت یکی از دوستان ما پیش تو می‌آید باید
همیشه او را اکرام نمائی پس علی بن یقطین ضامن شد و آنحضرت نیز ضامن شد
طریفه در حدیثی است که حضرت کلیم ع کلام خدا را از جمیع جهات و جمیع اعضا
می‌شنید قیل وجه ذلک انه تع هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن فقیل المراد
من الاول عالم العقل بحسب المبدء فی القوس النزولی و من الاخر العالم المذکور بحسب
الانتهاء فی القوس الصعودی و من الظاهر مقام الواحدیة و الالوهیة و من الباطن
مقام الاحدیة و الغیب المطلق و قیل انطباقها علی العوالم الاربعة النزولیة اعنی
اللاهوت و الجبروت و الملکوت و الناسوت فتدبر طریفه قیل اولیته تع عین آخریته
و آخریته عین اولیته من غیر ابتداء و لا نهایة کما استفید من الاخبار طریفه
گویند اگر قلعی را آب کنند خوب گداخته شود با قدری زرنیخ زرد بومی که اسمعیل گویند
در عمل قمری بکار آید چون خواهی بکار بری بگیر آب سیماب یکسیر پس بگیر طلق مجاوبی
و بعد و یکی وزن این آب را بعد از آن غسل و سه شبانه روز تحریک میکن هر روز پنج بار که
حل میشود چون حل شد بگیر از این آب ده درهم و از زیبق ده درهم و هر دو را باهم امیز
در قصب کاغذی کن یعنی نی مطین کن در خمیر آرد جو و خشک کن پس بگیر و در
آتش فیل اسب ... منعقد شده باشد و هر گاه از این برده درم رصاص کنی
که قائم گرداند بر خلاص آتش تم بعون العزیز طریفه گویند مریخ با علم و ملح قلی مدبر
گردد و بشمس ممتزج گردد و صبغ ثابت دهد ان شمس منصبغ قمر را منصبغ کند طریفه
گویند طرق حل کردن مریخ آنستکه بیاورد براده مریخ را و با آب نمک کشته کنند بکرار
و با آب صافی نیز بشویند تا روشن شود پس خشک کنند در تیزاب اشجار و فلفل
مسحوق بیندازند و در بوته آهنین در آتش نرم کنند تا آب نشف کنند و بجوشانند
تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب این محلول جذب رطوبات و
عقد طیارات کند و مشتری را محکم سازد طریفه گویند آب مریخ که بنیت یعنی
ذر آفتاب گذارند تیزاب شود و طلق را حل کند والله العالم طریفه حضرت مستطاب
ثقة الاسلام استاد العلام الهمام آقای محمد خان میرزا یحیی اصفهانی ابید آبادی
که یکی از تلامیذ حضرت مستطاب آیة الله البارئ شیخ مرتضی انصاری قدس سره بود
میفرمودند شیخ استاد مذکور بتلامذه خود وصیت فرمودند که سه خصلت است که یکی
از آنها را خواه قصد قربت داشته باشید یا نداشته باشید نمائید یکی از آنها را خواه

قصد

قصد قربت داشته باشید باید ترك نمایند و یكی از آنها را هرگاه قصد ثبت دارید
اتیان كنید و هرگاه قصد قربت ندارید ترك نمائید و لكن مباحثه و مذاكره علمیه
مینمایند و در مرافعه و قضاوت كردن و شبیه آنها مثل نماز جماعت كردن نیست
و لقد اجاد فیما افاد من الوعظ الوقاد و افاض الله تع علی روحه الشریف صنوف
الارفاد طریفة آن بزرگوار برادرم فرمودند از یكی اساتید اذن و اجازه احضار
جن گرفتم طریقه و دستوری داد كه در زمان اربعین در خانه خلوت لطیف آنرا با نحو
مقرره معمول دارم بعد از عمل در بیست روز چهلم در اطاق خلوت مشغول اوراد
و عزایم بودم و مجمر آتش و بخورات نیز موجود بود ناگاه دیدم از سقف اطاق چند نفر
بقامت اطفال كه گویا پارچه نازكی بروی آنها بود فرود آمدند و در یكسمت اطاق
نشستند و مشغول صحبت و مكالمه با یكدیگر شدند من صحبت آنها را گوش میدادم و میشنیدم
یكی از ایشان با آنها گفت كه این شخص بجهة چه چیز مشغول این كار شده یكی در جوابش گفت
این شخص میخواهد از ما اسم اعظم الهی را فرا گیرد آن شخص اولی گفت كه بمحمد بن عبد الله
قسم كه صلاح ما و صلاح او نیست زیرا اگر در میان ما جنگ واقع خواهد گردید
و موجب هلاكت او خواهد شد من چون این كلام را از آنها شنیدم دست از عمل
و عزایم را قطع نمودم آنچند نفر نیز از نظر مخفی گردیدند و یكی از اساتیدم اقر الله عینه
فرمود كه اغلب از طایفه جن دروغ بسیار میگویند طریفة مما یمكن ان یقال علی
سبیل الاحتمال ان للنبی و الامام ابدانا مختلفة متطورة من المثالی الكلی و المثالی و
العنصری اللطیف و العنصری القشری و ان نسبة الكل غیر الاخیر الی سائر ابدان من سواهم
كنسبة الروح الی البدن و انها اشداء الثبات و القوام لا یتطرق الیها فتور و فساد
و انفصام و اما الاخیر فهو كاللباس الساتر الطاری لاجزائه باختیارهما كالعوادی
و هو كالقالب الاسكی الذی ربما تقلب فیه امیر المؤمنین اسد الله الغالب علیه السلام و هو
مما یقبل التغیر و البلی و هذا ینحل اشكال ما فی بعض الاحادیث مفادا ان میتنا
اذا مات لم یمت و اذا بلی فما هو ببال فافهم طریفة از مجمع البیان نقلا از ابن عباس
مرویست كه انما بعث الرسول من الانس و كان یرسل الی الجن رسولا من الجن و عن
العیون هل بعث الله نبیا الی الجن فقال ع نعم بعث الیهم رسولا یقال له یوسف و فی
نسخة یوسف بن یانان فدعاهم الی الله تع فقتلوه و هذا كان مبعوثا علیهم قبل ان یخلق
آدم طریفة یستفاد من بعض الاحادیث ان نار السموم التی خلق منها الجان لیس لها حر
و لا دخان

ولادخان طریفه از مرحوم مبرور عماد الاسلام وسناد العلماء الاصفیاء الاعلام
آخوند حاج ملا محمدعلی سلطان آبادی قده منقول است که فرمودند در زمان ارتحال
مرحوم آیة الله سید بحر العلوم رضه نوحه جنّ بجهة فقدان آنجناب از سرداب خانه او
استماع شد چنانکه یکی از اعاظم علماء معاصرین ما از خود مرحوم حاج مذکور این حکایت
استماع نموده طریفه وایضا جناب مستطاب معاصر معظم مذکور در کتاب مبارک خود که
مسمی بمنبر الوسیله میفرمایند ملخصا ومفاده آنکه جناب میرزا محمدعلی نام رشتی که از تلامذه
مرحوم فاضل اردکانی بود روزی گفتند فلانی تو خیلی زحمت مرا کشیدی میخواهم یک چیزی
بتو دهم بایشان گفتم یعنی چه چیز گفتند احتیاج من گفتم اولا شما خودتان بنمائید
من ملاحظه کنم آیه قل اوحی را تا آخر خواندند فرمودند حاضر شدند هرچه میخواهی سؤال کن
من انگشتر فیروزه که در انگشتم داشتم مخفیا در دستم گرفتم ایشان گفتند میگویند انگشتر
فیروزه بدست داشت گرفتی من گفتم میخواهم خود بشنوم انگشتر را بدست چپ آدم صدای
ضعیف باریکی از زیر تخت حوض که روی آن نشسته بودیم شنیده شد گفت انگشتر فیروزه را بدست
چپ دادی تا آنکه میگوید بعد از آن سخر دعا قرائت ما بمن داده دستور العمل هم دادند که در
صندوقخانه حجره که بجای تنگی و تاریک باشد بجهة جمعیت حواس مشغول باشم حقیر قدری تامل
نمودم بعضی از چیزها را بقول مقدسین اشکال نموده گفتم جناب میرزا من از این لغات شما
گذشتم و بخاطر آن [illegible] نمایم خیلی تعجب کردند متفکر شدند گفتند من بزحمتها اینعمل را بدست
آورده تو میگوئی نمیخواهم انتهی کلامه طریفه یکی از علماء معاصرین ما از اهل بیرجند نقل
نمود از جناب حاج مذکور آنکه یکی از صلحاء عوام را خود ملاقات نمودیم که از جهة تصرف و تقوائی
و عبادتی بمقامی رسیده بود که جمع کثیری را با مطبوخ در دیگچه کوچکی ضیافت کرد و همگی را
کفایت کرد طریفه صاحب کتاب مبارک منبر الوسیله مذکور نقل نموده ما مفاده ملخصا
آنکه روزی مرحوم سید بحر العلوم ره در روز شدید الحری از کربلای معلی بیرون آمدند
بعزم نجف اشرف چون از شهر و باغات گذشتند ابری مخصوص پیدا شد و بر سر آن مرحوم
و همراهان سایه افکند و همراه آنها بود تا بکاروانسرا شور رسیدند طریفه در معرب
میفرماید حل الطلق بطریق اسهل صابون حلبی را بطلق با النده طلق را در بوته کرده
با تش برافروزند بعد از آن بطریق جواهر وی سنگ سماق صلایه نموده استعمال
نمایند طریفه گویند لرؤیة المطلوب فی المنام بر دست راست بخوانند هفت بار
بگوید یا اخی اخبرنی و هفت بار دیگر اخبرنی یا اخی و بخوابد با کسی حرف نزند آنچه مطلوب
با او گفته شود انشاء الله تعالی طریفه اذا اردت ان تعلم ای الزوجین یموت قبل صاحبه فاحسب اسم
الرجل

الرجل واسم المرئة والتي من الجملة واحدة والتي فيها جمع معر كل سبعة سبعة فان فضل
دوفج فماتت المرئة قبل الرجل وان فضل فرد فمات الرجل قبلها طريقة گويند
هر کس حرف نعوذ آنکه در دائره ولله يسجد ما في السموات وما في الارض من دابة والملئكة
وهم لا يستكبرون يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما يؤمرون بنويسد و ٦٠
حرف سين بگرد اگرد او بنويسد وسه اسم بر گلحتا وبنويسد اول يا حي ٢ يا مهلك ٣
يا ملك بعدد جانی با بوی خوش بنهد که غایب زود بیاید و نام غایب در رعجت او بنویسد
طریقه گویند بجهت نکاح هفت دانه خرما را در سرکه ترش بنهد در شنبه کذا ندهم صباح
بناشتا یکعدد بخورد و قدری از آن بشب بخورد نافع باشد طریقه گویند بجهت دوا شدن
مهمان حتما این اسم را یکصد بیست بو بزمد او مت نمایند طریقه گویند بجهت حاضر
نمودن طعام سوره واللیل را بنویسد بر کاغذ پاک و عدد الاء ان دایره بکشد دور
وت ف هع را در میان او بنویسد و بر عکس نیز را تو نهد بروز یکشنبه در ساعت دوم
آزموده است طریقه گویند از برای دفع صلابت قم با یا اسم القادر و شش قلم اگر
هر بگر اجذ اصلابه نموده در وقت جوشیدن قدری از آن طریقه گویند هر گاه شاه
تره را بجوشانید وابش را بریزند و بنویسند کام را نافع خواهد بود طریقه قیل في
تبييض النحاس ينقع الغاقر قرها والملح والخل ثلث ايام ثم تحمى النحاس وتطفيه في هذا
الخل كذلك اثنى عشرة مرة فيصير النحاس مثل الرصاص لينا وبياضا طريقه گويند
در تنقیه زهره تا همچو نقره سفید شود بستانند بوره و شب و زاج و نوشادر و کف دریا
و تنکار مجموع را سحق کند پس زهره را بگدازند و اندک اندک طرح کند تا همچو برف سفید
شود اما همه بر لیث باشد طریقه گویند تنقیه زهره بجهت شمس نقره را آب کنند و در
میان شیر بریزد سه مرتبه طریقه در نشر نوشته بود آنکه هر گاه زرالت را بر پیشه نزنند
مو میشود طریقه ایضا چون خواهد کاری را شروع کند که زود تمام شود و عاقبت او
بخیر گردد دوغ را بر سرش نو نهد سه مرتبه بخواند سهلا بفضلك يا عزيز طریقه گویند
جهت پاک کردن نوشته از کاغذ سفید آب قلعی را نرم سوده همان وزن صمغ عربی کذا
سفیداب را با صمغ قرص سازد هر گاه خواهد از آن قرص قدری تر نموده بسر قلمتراش
بالای مرکب نوشته بمالد و بگذارد که خشک شود چون سر قلمتراش بر مرکب رسد تمام
اندوی کاغذ محو شود بی آنکه جای خط معلوم شود طریقه گویند پوست تخم مرغ نفوخ
سوخته را بقدری که بینا شود و خاکستر نگردد جهت رعاف مهلک مجربست طریقه گویند
نو حلو سیره او با شکر جهت سرفه مجربست طریقه گویند روغن زخم آنستکه روغن بید انجیر
خالص

خالص و مُنای آن اهل آب ندیده تازه صلایه نموده در آن بریزد و نصف بود بگذارد
بطریق قرع و انبیق با تنگیس روغن بچکاند جهة همه زخمها بی عدیلست طریقه
گویند تریاک مصنوعی است که نیم دار را دو که نیم دار پیچیده در زیر خاکستر بپزند بگیرند
بعد از آن با تریاک مُنای صلایه کند یکی شود گویند سوره الکن و الف آن دح ر
ل ع ن ص آ را استره مرتبه بو عمل بخواند و بر آص ث ع ش اندا ندی ک ل ح ن
ض ل ک ر طریقه گویند جهة ا ل ح ک ض ف ا م ر چهار صد و چهل و چهار مرتبه بخواند تمام
نشده مقصود حاصل گردد انشاءالله یا مقلب القلوب به نیت امر مدد گوید طریقه گویند
یا بصیر را هرگاه در لوح کنار زد با خود دارد هر روز که از نحد طلب نماید البته روا
شود و سیصد و نوبت یا بصیر بگوید لوح اینست

ر	ی	ص	ب
ب	ص	ی	ر
ی	ر	ب	ص
ص	ب	ر	ی

طریقه گویند بجهة قضاء حوائج نظر کند باسمان و بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم سه مرتبه پس حاجت بخواهد و باید
پلکهای چشم را برهم نزند طریقه گویند از ابوجعفر بن بابویه
قمی روایتست هر که این دعا را هفتاد و یک مرتبه بخواند اگر دردی و باشد شب مقصود رسد یا حی
یا قیوم یا حلیم یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم و ازلفت الجنة للمتقین
غیر بعید طریقه گویند هر کس بجهة ظلمانی که از بسم الله است مثل ب بنویسد و ح ر
سین بگردد او بنویسد نام شخصی که خوانده شود غایب شود در زیر ظلمانی که میان نشته بنویسد
و در دیوار رو بقبله نهد مجربست که غایب شود والله العالم طریقه گویند از حضرت امیر علیه السلام
منقولست که بجهة حصول مراد این آیه را بعد از نماز صبح دوازده نوبت بخواند در همان روز
بمراد رسید مجربست بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الحی الذی لا یموت الی کبره تکبیرا
طریقه در نسخه نوشته بود که قرطاس رقیق بر طرفین درهم یا دینار گذارد و بفشارد
که سکه بردارد و بعد کاغذ را برهم بچسباند و در زیر مصلی گذارد و دو رکعت نماز کند
و در هر رکعت حمد و آیة الکرسی و آیه و عنده مفاتح الغیب تا مبین بخواند و در سجده آخر
آیه را بخواند و بیرون آورد درهم شود در وقت طلوع آفتاب یکشنبه طریقه فیل خورد
خشخاش را دو خواب را رغبتش کی ای نبیذ را سقیم سرعت انزال اگر داری دهد
سرعت انزال را انفع عظیم طریقه فیل چون شود خون زنبق تو روان آب سرگین خر چکا
ند طریقه گویند در شب جمعه دو رکعت نماز کند بجهة هر حاجت که دارد بعد از آن
هشتصد مرتبه بگوید سلام قولا من رب رحیم و سجده کند و طلب حاجت نماید که مجربست طریقه
گویند اگر خواهی که نیز از مقام خود اراده کنی که متحیر آواز گی باشد بیا و دیگر ست اذن و چهار
بگیرد

یکبار سوره انا اعطیناک الکوثر بخواند و در مقام انکس بباشد که او را نه گرید
مجرب و آزموده است طریقه گویند از حضرت امام حسن ع مرویست که فرمود وقتی بجهت
معاش عاجز شد بحدی که میخواستم پیش معاویه بفرستم و چیزی طلب نمایم شب حضرت
رسالت پناه ص را در خواب دیدم فرمود ای فرزند این چه خام ادا است مکن خدا را کرم
در آمدن نفقه ما چنان شد که صعاد مثقال طلا در کار بودند بعد از آن ملک وقتی باز از آن
حضرت را در خواب دیدم فرمود هر کس از امتان من این دعا را بخواند همین حکم را دارد
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا مسبب الاسباب یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب
من غیر سبب صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک
یا حی یا قیوم یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی یا ارحم الراحمین بعد از آن این دعا را بخواند
الهی بحق الخمسة محمد رسولک و علی وصی رسولک و الحسن و الحسین سبطی رسولک و
بعزة جلالک و جمالک الکریم اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی مما انا
فیه فرجا و مخرجا برحمتک التی لا تضیق عن شیء و بقدرتک التی لا استکاد من احاطتها
شیء فی السموات و الارض و سه نوبت بگوید تقضا بقی تفرجنی بشرط آنکه در وقت تضاعف
انگشتان را عقد کند و در وقت تفرجنی بگشاید و بقبله دو دستها را بردارد و بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین
اللهم کف عنا باس الذین کفروا فانک اشد باسا و اشد تنکیلا یا منان ذا الاحسان
قد عم الخلائق منه طریقه گویند تعبیه نقره بجهت قرص نشکه ملح قلیا و گوگرد زرد
فارسی برابر با سفیده تخم مرغ بسرشند و خشک کنند و نوشادر نقره را بگداز و
و اندر آن اندک بخورد او دهند سفید گردد و این بوره البنج را نرم کرده با آب قلیای محلول
کرده صمغ بسیرد ابتا بهر در او فرو برد سفید شود طریقه اگر برنج را بگداز در و چون
سیاوشان بخورد دهند سفید گردد طریقه گویند هر فلزی که آب شود و آب شود
با اشنان بپزند آب شود و همچنین نوشادر و تنکار و بوره و ابرسید طریقه گویند
و سعت رزق خواندن آیه و من یتق الله را بعد از نماز صبح پانزده مرتبه بهما نسبت ثواب است
طریقه گویند سوخته اشنان منفرد یا مرکبا با نقره کرم شب داخل نماید برنج تند سرب
جدا میشود و گوگرد و غلتک کی هم این اثر دارد طریقه گویند اگر کسی بسیار محتلم میشود از
پشم شتر بند تنبان کند رفع شود طریقه گویند عدد اسم علی مطابق است با عدد اسم مبین
و بجای طریقه گویند بجهت بواسیر خون نی نه و هو گاو و آب کرم زد سفیا ساخته بخورد برداد
نفع شود مجرب طریقه گویند بجهت قوه باه شیر گاو را بر سر آتش بقوام آورد و بوصفی که مثل حلوا است
نشسته

بسته شود بعد از آن پاره قند کوفته بر آن ریخته بر هم زنند هر وقت اراده جماع کنند
یکفنجان بخورد مؤثر است و دیر انزال خواهد شد طریفه از حضرت سلمان فارسی رضی
مرویست که هر بنده که بعد از صبح سه مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین الحمد لله
حمداً کثیراً طیباً مباركاً فیه خدا ایشان هفتاد نوع از بلا از او دفع کند که کمترین آن اندوه
باشد طریفه روایتست که هر که در وقت رفتن برختخواب سوره تبارك الذی بیده
الملك بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللهم رب الحل والحرام بلغ روح محمد ص عنی
تحیة وسلاماً خدا ایشان دو فرشته برا او موکل میکند که بروند خدمت رسالتپناه ص و بروند
وگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید بر او سلام و رحمت و برکات
الهی باد طریفه کفعمی در مصباح آورده که هر که خواهد در خواب ببیند چیزیکه خوا
بر پهلوی راست بخوابد و بخواند سوره واللیل و والشمس و جحد و اخلاص و معوذتین پس
بعد از آن بگوید اللهم ارنی فی منامی کذا و کذا و اجعل لی من امری فرجاً و مخرجاً و
یکشب نه دید تا هفت شب بخواند که می بیند هر چه را بخواهد انشاء الله طریفه از چیزهائی
که موجب دفع جنون و جذام و برص است قضاء حوائج اخوانست کما فی الحدیث طریفه
از چیزهائیکه موجب زیادتی عمر و مال است ناخن گرفتن در روز جمعه کما فی الروایة طریفه
قیل المیکروب من حیث هو ثابت بآیات الکتاب الحکیم مثل قوله خلق الانسان من علق و هو
ذلك الحیوان المیکروبی الذی یعلق بکل ما یصیبه فکلمة علق لیس المراد بها قطعة الدم
الجامدة کما یقوله کثیر من المفسرین وکذلك لیس المراد بها الحیوان الذی هو بقدر
الاصبع فیمتص الدم بل المراد هو الحیوان المیکروبی طریفة قیل ان المراد من
الابابیل المرسل الی اصحاب الفیل هو میکروب الجدری الذی اصابهم والعبد الراقم
الدلیل یقول ان فی هذا القول وشابهه میکروبات من تاویل اهل الاباطیل فم
طریفة قیل روی الشعرانی ان السید الرسول ص کان یاکل اللحم بالسکین والشوكة
تعطیه بالسکین المربوطة فی سلسلة الحفنة وتناوله بالای الخلل الذی کان یؤتی
به معزوزاً فی اللحم بعد الاکلین طریفة قیل الکشف میکروب الجذام فوجد علی صورة
الاسد ففی الحدیث الشریف فر من المجذوم فرارك من الاسد اشارة لطیفة الی ذلك
وقد جری علی السنة الاطباء القدیمین تسمیة مرض الجذام اجارنا الله منه بداء الاسد
طریفه گویند یکی از کتب سماویه که در آن تصریح باسم خاتم انبیا صلی الله علیه و آله
شده انجیل برنابا بفتح باء او برنابا اسم اصلی او یوسف است و از حواریین حضرت مسیح ع
واین کلمه سریانی است معنا ابن النبوة یا ابن الوعظ است طریفه گویند معنا حقیقی

وقسم دیگر اجسام حیلی از اکرامات و احترامات و صغیر میباشد که مخالفت آن بر حسب
جعل و وضع موجب وهن و استخفاف جسم میخواهد بود طریفه گویند بعضی حدیث
من عرف نفسه فقد عرف ربه را باین نحو معنی کرده اند که کسیکه نفس خود را شناخت
رب خود را که همان نفس باشد شناخته بنا بر آنکه نفس رب بعید است که فوق او رب
الارباب است طریفه گویند از مرحوم شیخ فقیه اکبر شیخ جعفر نجفی ره سوال کردند از حشیشه
جواب فرمودند هی شبهة فی مقابل البداهة لا یعتنی بها طریفه گویند هرگاه نمک را با آب
بر زخم گذارند قطع خون او شود طریفه گویند در شتر که حرارت قلیله و برودت کثیره میباشد
لهذا تعدیل او بمثل امتزاج با عسل یا شکر میشود طریفه گویند در رسائل از حضرت صاحب
منقول است که در جواب حیلی که سوال میکند از آنجناب که قنوت فی الوتر هل فیه شیء موقت متبع
و یقال فرمودند لا اثر علی الله عز و جل و صل علی النبی ص و استغفر لذنبک العظیم ثم قال
کل ذنب عظیم طریفه فی الحدیث الفصاحة زینة الکلام طریفه گویند از موجبات فقر
جولانی و کناسی نمودن است در حمام لنگ نبستن مالیدن و بر دو طرف ها ناخن خوردن
و کیسه بر رو مالیدن و نان بر زانو گذاشتن و در شب جمعه سیر و پیاز خام خوردن و
استخوان سوزانیدن طریفه گویند در کوه بیستون چشمه بود که او را چشمه ذهب
مینامند و آبهای آن آنکوه بود چون هزار درهم نقره در آن کیمیا فکنند مثل
دیگر که بیرون میآوردند شش هزار درهم بود و سبب معلوم نبود پادشاهان دیالمه
آن چشمه را مفقود کردند طریفه گویند تنقیه مشتری با نیست که او را ورق ورق
کرده او را بعسل با لا ینعقد در میان گل آب ندیده گذارد بطریق فرش و لحاف و در
آتش تند نهند و تا هفت نوبت عمل را مکرر بکند و او سرگرد طریفه در کتاب خیلی
قدیم در علم کیمیا باین عبارت نوشته از قول افلاطون حکیم با بیتی (از روح بیخ
از عطاردی هر دو تعیین کن بعقل قرایی تا سرخ شود بتا موت هر دو نقره یکی بر افزای
انتهی دو مصرع اخیر مخالف با دو مصراع اولی است و مراد آنها دو سنه معلوم
نیست طریفه ایضا در آن کتاب نوشته آنکه طلق را با نوشادر مساوی با آب
تیشه کند چهل روز در زبل اسب نهد حل میشود طریفه ایضا در کتاب مذکور
بود آنکه طریقه جوهر گرفتن را حکما پوشیده داشته اند و حقیر خاکسار مدت ده سال
خون دل خوردم تا در طبرستان مرشدی یافتم و از او فرا گرفتم و مبلغی دادم و بتجربه رسیدم
و از مال دنیا بی نیاز شدم بعد از این باین نحو اسم خود را اصحاب آن کتاب رقم نموده بنوع لدی
الذهب پس از آن طریقه جوهر علو را باین تفصیل ذکر کرده بگیر از زرنیخ زرد ورقی
هر قدر

هر قدر دیگر خواهی او را بکوب تا امیبا کند بعد از آن او را بشویند تا تمام زردی او برود
انگاه او را خوب خشک کنند و در کفچه آهنین کنند و بر چراغ بر سر او گذاشته
باد و انگشت بر سر او بایستد وقتیکه بر آب شد آتش ملایم بکند بلکه وسط
و هر چند بر کم شود بیرون بگذارند تا مادامیکه سفید شود مثل قلع انگاه
بقدر چهار دانک آن جوهر قلیا داخل کنند و در شیشه کنند و بگل حکمت گیرند
و بر سر اجاق فرنگی بگذارند و آتش ملایم کنند تا تمام جوهر بگردن شیشه
مثل برف خواهد بست او را گرفته نگاه دارند و لیکن از این جوهر داخل کند
با و بوره زرگری نه ده پاک شود لیک از این بوره بی بهره مس طرح کن و یک
مایه داخل کن که قمر است انشاء الله و شک در این علم نیست بتجربه رسانیده
و مبلغی با بشاد داده ام سوگند بخداوند تعم و مایه آن دو ده یکست باید برابر
باشد از تر و دنیا خوان نوشته بود که این عمل را بیوه زنی هم میتواند بجای آورد
والله العالم **طریفه** یکی از احادیث معجزه از علائم ظهور میفرمایند کبریکی
از انها آنستکه ظاهر میگردد انند اهل آخرزمان خضاب را و شانه میکنند مثل
شانه زدن زن از برای شوهرش تا آنکه میفرمایند ریختن خون مردم در پیش آنها
سهل باشد و فتنه و هرج و مرج بسیار شود و میفرمایند آنکه هر سال بدعت و شرور
ظاهر شود خیانی امسال سابق **طریفه** در حدیثی حضرت صادق ع بعمر بن شمر
بعد از گریه کردن او و تاسف او بر عدم سلطنت قاهره ظاهره امام میفرمایند
گریه مکن یا عمر ما در این حال که هستیم غذاهای خوب میخوریم و لباسهای نرم می پوشیم
و اگر خلافت و سلطنت را متولی شویم نیست مگر خوردن طعام غلیظ و پوشیدن
لباس زبر خشن مثل امیرالمؤمنین علیه السلام و اگر غیر این باشد پس گرفتاری غلهای
آتشی در نار خواهد بود **طریفه** گویند مرحوم میر فندرسکی که اسم او سید ابوالقاسم
بود وصیت نمود در مرض موت خود که جنازه مرا بگذارید در مقبره بابا رکن الدین
در جنب قبر یکی در آنجا است و کسی متعرض نشود از برای تغسیل و صلوه و دفن او
بلکه جنازه را در حریم قبر بگذارند و خدا یکی از اولیای خود را میفرستد که متصدی
امور مذکوره شود پس بوصیت او عمل کردند که ناگاه علامه تقی مجلسی اول
پیدا شد متصدی جمیع امور مزبوره گردیدند مع تفصیل نقل صاحب کتاب منبر
الوسیلة فیه **طریفه** در بعض اخبار شهر جابلقا فرموده اند در مشرق است و
جابر

جابرسا را در مغرب و در بعضی بعکس و مهملست که جهة اختلاف محاذات
باشد بحسب آفاق و اهالی آنها چنانکه مشرق و مغرب نسبت ببعضی آفاق مغرب
و مشرق خواهد بود ۳ بعضی این دو شهر را از اقلیم ثامن و عالم مثال منفصل میدانند
بجهة بعضی اشکالات که اهل علم طبیعت دارند میان و بعضی ممکنست بعد از غمض
عین از آنکه خفا آن دو شهر از انظار بجهة اعجاز و مصالح انبیا داشت اینکه بگویم
بنابر مذاق خود ایشان این دو شهر در کره باشد از کرات جو تیره که فعلا آنها مخلوقات
بینا نباشد طریقه گویند مرحوم شیخ مرتضی انصاری قدس سره مواظبت زیادی
داشتند بر زیارت عاشورا و در نماز حضرت جعفر طیار در روز جمعه صاحب جواهر الکلام بدین
مطهر با ایشان رسید بعد فرمودند شنیدم هذه العبادات للعوام میسر کل یوم عاشورا
نوح اشتغل بعضی اشتغال بتحصیل از برای علما اهم است از بعضی اعمال مستحبه طریقه
گویند جمیع حکما گواهی داده اند بحقیقت اینکه بگیرند وجوه از شعر مقرقیض معمول
و بگیرند و عقرب مرده در موضع خویش هر دو را در قرع کنند و معطر سازند با آتش نرم که آبی
سرخ چکد چون خون آنرا در همان شیشه دفن کنند یکهفته تا احراق و آب کم شود و
قرنا سرخ تاب کنند هر که این آب بدان زند شمس گردد باذن الله طریقه گویند طریقه
حل طلق که مصداق حدیث من حل الطلق هذا استغنی عن الخلق است که بستانند طلق
مجلو را با سیر بکوبند بعد از آن بگیرند چغندر را و میان آنرا خالی کرده در آنجا بریزد پس
سر چغندر را بحال خود وصل و بجای نمناک گذارند تا طلق محلول گردد هم چنین سیماب خود
هفته تامل کنند موقوفست بتجربه طریقه گویند من امکن در سرکه کهنه ریزند
منعقد گردد و قبول اکسیر کند طریقه بیاورند سیماب و جسد زیبق و کبریت هر سه را یکی
کنند در قرع ابر اندازد و ۱۲ ساعت آتش نرم دهد و سر شیشه بیرون آورد سیماب و
جسد چنان باشد که گویا یاقوت درخشنده است طریقه گویند هرگاه آب پیاز را
کوفته بفشارند و داخل نماید و بعد از آن در قرع بچکاند و بر سر طلق محلول بریزد محلول
شود و طلق را با سیماب بعد عقد و ثابت کند طریقه گویند بستانند سیماب را سه
درم و طلق صلایه شده بریزد در طلق و با سفیده مرغ و را ایکره ثابت نیکو صلایه
نماید و بعد از آن در شیشه کند و سر شیشه را محکم کند با نمک و اهل سفیده بیضه و
تمام شیشه را بگل حکمت گیرد و در تنوری که سرگین آتش کرده باشند سر شود را محکم
و یکشبانه روز بگذارد بعد بیرون آورد و شیشه را بشکند جسمی بیند مانند بیضه
در سختی

در سختی و مانند بلور سفید پس آن جسد را بکوبند چون از دیرم و نگاه دارند هرگاه
خواسته باشد یک درم بر بیست درم مشتری منقی با زهره منقی طرح کند قمر
خالص شود بفرمان خدا تعالی و باید زهره با مشتری خوب گداخته شود که اکسیر
نقد و بقدر یکصد مرتبه سوره اخلاص بخواند آنگاه از آتش بردارد بوره باید
زد والله اعلم **طریفة** گویند وسعت شمس بر حسب اخبار چهار هزار فرسخ
است و کلف در آن مرغزار و جزیره است که خداوند عالمیان در پشت آن آفریده
و جسم آن سیاه است و صیقلی و اقتباس از آفتاب میکند **طریفة** گویند
بحیرهٔ ساوه بیست و پنج فرسخ بوده و ابتدای آن از قصبهٔ عقدا الی بلدهٔ قم علی
قول و عبور سفاین از این دریا مشکل بود چون یک کس را غرق میکردند شود شراع
بر روی نشست و عبور میکردند **طریفة** عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم
رکعتان یرکعهما العبد فی جوف اللیل خیر له من الدنیا و ما فیها و لولا ان اشق
علی امتی فرضتهما علیهم **طریفة** ایضا عنه صلی الله علیه و آله من اراد العلم
فعلیه خمسة خصال تقوی الله تعالی فی السر و العلانیة و دوام الوضوء و الصلوة
فی اللیل و لو رکعتین و الاکل للقوة لا للشهوة و السؤال **طریفة** قیل قال
ابن عباس رضه ان الضلالة لها حلاوة فی قلوب اهلها قال الله تعالی افمن زین
له سوء عمله فرآه حسنا **طریفة** لادریه گفتم بکام وصلت خواهم رسید
روزی گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی **طریفة** گویند مداوات
در حرارت غریبه باستعمال ضد است که برودت غریبه باشد اما در حرارت
غریزیه نمی باشد از مثلث لا غیر چنانکه در گرمسیرها خوردن مثل
خرما انفع بحال آنها است **طریفة** گویند فقیری مرد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بنماز او حاضر نشدند و غنی مرد حضرت بنماز
او حاضر شدند سببش را پرسیدند فرمودند ما حصل آنکه این فقیر محب
دنیا بود و لی آن غنی محب آخرت **طریفة** گویند اگر یک درم سوس
قمر یا سه درم سوس زحل خوب صلایه کنند بعد از آن در میان کاسه مطین
کرده بالای آن روغن زیت ریزند و بر سر آتش ملایم گذارند یک شب
و یک روز بعد از آن در میان شیشه کنند و بالا و پایین شیشه غوز روت

دهن

دیوار فرش و لحاف و سر شیشه را قایم کرده یکشب آتش کرده و در زیر
کرده صباح بیرون آرد و یک درم بر سه من نحاس بزند سیم شود **طریقه**
در کتاب قدیم کهنه نوشته بود آنکه بیاورد قلعی را اثنان کند و در بوته که فرش
یا لحاف او نمک یا زبل آدم نموده مدت چند یوم بگذارد و بعد از آن در
گل حکمت گرفته در زیر آتش کند تا بسوزد صبح بیرون آورد قرص شده
باشد در غایت خوبی بکار برد **طریقه لا ادری** تو خواه آن را
زنجیر خوان و خواه زره چو بشکنی زره است و چو بر کشی زنجیر
طریقه در کتاب در النظیم آورده که بخط بعض عارفان دیدم که از
حضرت ابی عبد الله علیه السلم نقل کرده بود که هر که را حاجتی باشد باید
که برقعه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من عبده الذلیل الی ربه
الجلیل رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین پس آن رقعه را
در جوی آب و آن بزرگ انداز و در وقت انداختن بگوید اللهم بمحمد
وآله الطیبین الطاهرین وصحبه المرضیین اقض حاجاتی یا ارحم الراحمین
پس حاجات خود را یاد کند بتحقیق که مراد او بر آید ان شاء الله تعالی
طریقه قیل کان عکرمه بن ابی جهل اذا نشر المصحف غشی علیه
و یقول هو کلام ربی هو کلام ربی **طریقه** قیل خواهی که تا بمانی
یک لحظه بر نپرش خواهی که تا بدانی یک لحظه مدانش **طریقه**
یکی از ذاکرین و زائرین جناب ابی عبد الله الحسین علیه السلم چندی یک چشم
آب آورده بود بعد از آنکه یک چشم دیگر او نابینا شده بود از سابق بجهت
معالجه آن چشم آب آورده باصفهان مسافرت نموده در نزد دکتر ارمنی
بمعالجه رفته و میل زده چندان اثری نافع نبخشید شفاها بخود راقم
اثم گفت در شبی در همان بلده در خواب خدمت یکی از اولاد حضرت
صادق علیه السلم رسیدم در حالتی که ایستاده بودند بایشان عرض کردم
مرحمت بفرمائید پای شما را بر چشم بمالم مرا مرخص فرمودند پای مبارک ایشان

را از زمین

را از زمین بر داشتم در حالتی که جورابی در پای داشت بر چشم مالیدم چون بیدار شدم دیدم آن چشم بکلی شفا یافته بان دکتر گفتم از روی تعجب چند دقیقه نگاه کرد بر آن چشم و گفت چشم تو دیگر دوا نمیخواهد ذاقرا تم گوید دیدم بهمان یک چشم خط خیلی خفی را میخواند **طریفه** از حزعبلات بیجاح بعینه این کلمات است اعدّوا الرّکاب واستعدّوا للذهاب ثم اعبروا علی الذباب فلیس دونهم حجاب ایضاً علیکم بالیمامة ودقوا دفیف الحمامة فانها عزیزة کرامة لا یلحقکم بعدها الامة

طریفه گویند در خبر است که اگر کسی در صحبت با زن خود کند که اگر خدا بتو مرا پسری کرامت فرماید مهیا گردانم او را تا شهید شود اگر فرزند بشود یا نشود وی را مرد پسری شهید مینویسند **طریفه** گویند در کتاب غرائب الحکایات مرحوم سید نعمة الله جزائری خواص غریبه در این صلوات و لعن ذکر فرموده حتی آنکه گویند زنی تعشق به پسر خود پیدا کرده واو را بغفلت شراب خورانیده وکام از او بر آیند و حامله شده و بعد از چندی فوت شد و پسر بعد از آگاهی از عمل شنیع او از قبر بیرون آورد که او را بسوزاند دید مادرش بر تختی نشسته صاحب درجات عالیه میباشد جهت را از او پرسید گفت این مقامات بجهة آنست که در هر شب پنجشنبه این صلوات و لعن را بعد از نماز میخواندم صلوات و لعن مذکور این است

اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و لعنة الله علی اعداء آل محمد من الاولین و الاخرین الف مرة **طریفه** در آیه شریفه ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی بمقتضای اخبار و کلمات مفسرین معانی بسیار گفته اند بعضی مثل بیضاوی ضمیر مستتر در دنی و کان را راجع بحضرت جبرئیل علیه السلم گرفته اند اگر چه بنا بر این و خبر ضمیر در کان راجع بمقصد دنا باشد ولکن این امر اسهل است و آنچه ظاهر از اخبار

اخبار اهل بیت عصمت علیهم السلام است آنستکه ضمیر در فعلین تعلق بجناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله چنانچه در خبر منقول از حضرت
سجاد علیه السلام وارد شده که قال ذلک رسول الله صلی الله علیه و آله
دنا من حجب النور فرأی ملکوت السموات ثم تدلی فنظر من تحته الی
ملکوت الارض حتی ظن انه فی القرب من الارض کقاب قوسین او ادنی
و در خبر دیگر وارد است که فرموده رسول ص وقد کنت قریبا منه فی المرة
الاولی مثل ما بین کبد القوس الی سیته و از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرمودند و کان بین لفظه و سماع محمد صلی الله علیه و آله کما بین وتر
القوس و عودها و در روایت دیگر است که قال کان بینهما حجاب یتلألأ
بخفق زبرجد ای بتحرک و اضطراب و بعضی معنای قاب قوسین را دو نیمه
کمان گرفته اند بملاحظه خبری که سائل عرض کرد ما قاب قوسین جواب
فرمودند ما بین سیتها الی راسها و مرحوم مجلسی ره فرموده اند لعله کان الی وسطها
او الی مقبضها فصحف و ظاهر آنستکه حاجت باحتمال تصحیف نیست بجهت آنکه
راس قد اینجا بمعنای وسط و اصل است مجازا للمناسبة چنانکه او را کبد
نیز میگویند چنانکه در خبر مذکور شد و بنا بر این معنی لازم میاید آنکه
نیمه کمان را قوس میتوان گفت چنانکه صاحب تفسیر صافی فرموده و فیه
ما فیه و ظاهر آنستکه مراد از قاب قوسین مقدار ما بین دو کمانست
که دو تن دشمن دو نفر باشند که مقابل یعنی یکدیگر نشسته باشند و کمان
خود را هر یک در پیش روی خود گذارده باشند که شبیه دایره از این وضع
حاصل میشود چنانچه در رسم متخاصمین در حین نشستن بجهت مکالمه و مخاطبه
چنین است و بنا بر این قاب بمعنای مقدار خواهد بود چنانچه در قاموس
قاب و قید و قیس را بمعنای مطلق مقدار گرفته و در اینجا بمعنای مقدار
ما بین کبد قوس که وسط آن باشد و وتر آن که زه باشد خواهد بود نسبت
بهر دو قوس از دو کمان که هر قوسی همان معنای متعارف آن باشد و بنا بر این

هر قوس

هر قوس زایک قاب بمعنای مذکور بیشتر نخواهد بود و ایراد هاشم شامی
مشوم باینکه باید قابی قوس فرموده باشد سقیم و هشیم خواهد بود و حاجت
باینکه قوس در اینجا بمعنای ما یقاس به میباشد چنانکه بعضی از اجلهٔ علمای
معاصرین فرموده در جواب او نیست و قوس و قیاس بیک قیاس نیستند
چه اول واوی است و ثانی یائی و ظاهر از احادیث مذکوره نیز همین است
که ذکر شد عند التامل و شاید مراد از قوسین بالمثال و الاحتمال قوس امکان
و قوس وجوب یا قوس عبودیت و قوس ربوبیت باشد یعنی اگر چه آن حضرت را
در معراج مقام تخاطب حاصل گردید ولی در جلوهٔ نوری یکی قوس وجوب
و ربوبیت است و در جلوهٔ دیگر قوس امکان و عبودیت و علی الاحتمال
مراد از او ادنی مقام فناء مصطلح در نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام میباشد
که حقیقت معنای العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة ولی مع الله حالات الخ
بوده باشد و بنابر آنکه قوسین عبارت از قوس وجوب و قوس امکان است مراد
از قوس وجوب عالم امر خواهد بود و مراد از قوس امکان عالم خلق چه حد
و مقدار در مقام ذات واجبی غیر متصور خواهد بود و راهی از برای عقول و
اوهام بسوی غیر آن مقام مقدس او که عالم امر و خلق باشد نیست و از این جهة
در حدیث سابق حضرت باقر علیه السلام فرمودند فکان بین لفظه و بین سماع
محمد صلی الله علیه و آله کما بین وتر القوس و عودها و از لفظ ما بین وتر القوس
و عودها مستفاد میشود آنکه عالم ملقب بلاهوتی همان قوس وجوبی ربوبی
میباشد و بنابر آنچه تحریر یافت تحریر خبر بود امکان نیست دفع تنافی از اخبار و اقوال
مختلفه مذکوره فتامل **طریقة** در کتاب عمل صالح تصنیف صالح بن محمد
قاینی آورده آنکه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بمردم در آمیز فرمودند
بیکی عسل فرمودند تجویز آن شخص خورد و روز دیگر بمرد اقوام او آمدند و اعتراض
کردند بر آنجناب و مطالبه قصاص کردند آنحضرت آن میت را طلبیده و باواز
بلند فرمود که ای عسل چرا که تو این مرد را کشتی جواب داد یا رسول الله من بجمیع

اعضاء

اعضاء وجوارح این گردیدم وهمه دردها را ساکن گردانیدم مگر موت را
طریفة ایضا گویند مبالغة الاطباء در معالجه بجدی استکه اگر کسی
در خواب ببیند که مسرسم است همان ساعت که بیدار شود فصد کند
و دوا خورد طریفة ایضا گویند پیاز را یاکرا و را بصلیه گویند بجهة
زیادتی منی وقوة باه ونافع بودن از برای سرد مزاج ومضر است از
برای محرورین ومصلح او روند شکیما وسماقیا طریقه او آنست که گوشت را
قیمه کنند در روغن بریان کنند و در وزن گوشت پیاز بجهة و قدری
دارچینی و زیره کرمانی و گشنیز و نمک در او بریزند و بپزند تا مهرا شود و آن
قدر آب اشتها باشد که نسوزد و اگر زردچوبه و زعفران قدری داخل
کنند بهتر باشد و بجهة مبرود اگر شیر داخل کنند انفع اشیاء است طریفة
ایضا چون الهلك و برگ توت را کوفته و بیخته و بروغن دنبه سرشته
بر زخم مار و عقرب بنهند درد را بالخاصیة ساکن گرداند و یا قدری کوفته
و بر شاب سرشته فی الحال درد را ساکن کند و همچنین چرك گوش خمیر
و سیر دش بسرکه ترکرده و ورق الکرم و مغز جوز و انجیر و سیر کوفته و اگر
سیر را کوفته بر موضع نیش مار گذارند زهر کار نکند و در ضرر هوام موذی
تریاقی نیست چون مثر خراطینی و هیچ تریاقی بآن نرسد وصفت آن در کتب
طبیه مذکور است فلیرجع الیها طریفة گویند گلاب در اصطلاح اطبا
غیر از گلاب فقط است بلکه مراد از آن شکر گلاب است بطریقی که معمول ایشان
است و مینامند طریفة گویند القاهر بالله که از خلفای بنی عباسی بود و
مرد قاهر جابری بود چون چشم او را کندند تا سی سال دیگر زندگانی کرد و بر
درهای مساجد و مدارس جامعه میایستاد و میگفت ایها الناس خلیفه خدا را
چیزی بدهید ایها الناس امام و پیشوای خود را رعایت کنید طریفة
گویند از جمله چیزهائی که موجب ضعف چشم میشود نگاه کردن در چشمه
آفتاب و هر درخشنده و مطالعه خطوط خفیه و سر برهنه در آفتاب گشتن

و بریان

و بریان و کباب تنوری و سیر و پیاز و عدس و باقلا و گوشت قدید و
شرکه و چیزهای شور خوردن و شب دیر غذا خوردن و بر امتلای معده
خوابیدن و روز بسیار خوابیدن و در تاریکی مکث کردن و در جرم خورشید
منکسف نگاه کردن است که موجب بسیاری غم میشود و فریاد کردن و
بسیار آب خوردن و صبر بر تشنگی و ترشی خوردن و برف و یخ خوردن
و بر چیز سیاه نگاه کردن و از آنچه موجب قوه چشم میشود آب بادیان ساده
را با شکر کشیدن است و از آن بهتر آب انار ترش و آب بادیان و زهره گاو
و عسلی که آتش ندیده باشد و اکتحال آن را نفع بسیار میدهد و اکتحال
بزعفران چشم را جلا میدهد و چکانیدن گلاب در چشم و چشم وابان
شستن صحت آن را نگاه میدارد و باصره را قوی میکند و بوییدن شکر
دو هر شبانه روزی چند بار و از برای قوه باصره مشایخ نافع بود فکذا
سعوط با آب بیخ سلق و نظر کردن در چشم گوزه خر موجب صحت چشم و منع
نزول آب خواهد بود و نظر کردن بدب اصغر که کوکبی است مشهور و بقطب
و جدی هر علتی که در چشم حادث گردد زایل گرداند و قوه دهد و مالیدن
دست و پا قوه باصره دهد و اگر کسی انگشتر فیروزه اصل خوب در انگشت کند
هرگز کور نشود و محتاج بعینک نشود انتهی و قوه کحلها تا یکسال است مگر
کحلهای از سنگهای معدنی که سالها قوه آنها باقی است و داروهای
چشم را باید در آبگینه نگاه دارند **طریفه** در کتاب مذکور منقول است
در باب حبهای امساک مواد از آن جمله اینست که بسیار نافع است هم امساک
کند و هم قوه بیفزاید و هم عنین را که نزد مقاربت انزال شود سود دارد
و سرعت انزال را زایل کند اجزایش هفت است بغیر عسل و قند و شربتش
آن مقدار که در هر طبیعی اندک تحذیر او کند و هر حب برابر بنعی و عنین
تا یکماه استعمال کند و غیر از آن تا لعراد بر آید ص جوز بویا جیبا مسر دارچینی
قرنفل

قرنفل حرمل افیون مکه یکدرم سیاه دانه شش درم همه را سایند و افیون را
در عسل حل کنند و با بیست و پنج مثقال قند سفید حب کنند تا اینکه گویند این
حب مستعمل این ضعیف است و از این حکایتها است الخ **طریفة** ایضا
حرمل و زنجبیل نخود برابر قند سحق کنند مساوی و حبها کنند مقدار بندق
و هر شام مقدار یک رطل شیر گاو و شیر گرم در عقبش بخورند تا دو حب هم
بیشتر میتوان خوردن **طریفة** ایضا دندان مار ربع را زایل میکند
و شاخ سوده گاو در طعام کردن همچنین و استخوان که بر بال خروس است
چون بر مربوع بمالند دفع تب کند و تعلیق چشم راست خروس چون در خرقه
بپیچند همان نفع دهد و تار عنکبوت که کثیف تنیده بد ستور **طریفة**
ایضا اگر قولنجی بر پوست گرگ نشیند و بر آن خسبد نفع تمام دهد و اگر
کمربندی از آن سازند و بکمر بندند و هر سال کمربند را نو کنند همچنین است
و همچنین عقرب سوخته همین عمل کند و قرن ایل محرق وجع قولنج شدید
مهلک را دفع شفا میدهد چون یک مثقال از آنرا بیاشامند **طریفة**
ایضا حب شیار یستعمل باللیل و ینام علیه یفعل فعله و لا یؤذی و هو
ینقی للدماغ والمعدة و یسهل اسهالا خفیفا ص صبر مغسول دو درم
مصطکی نیم درم کوفته و بیخته با آب بادیان حب کنند و همه یک شربت
است **طریفة** گویند هرگاه سوره مبارکه حمد را و او نیز بنام غایب
و مادر او بخوانند البته مراجعت خواهد کرد انشاء الله **طریفة** گویند
مضمضه کردن بطبیخ یا فنه باشد مسکن درد دندان و نزلات خصوصا با سعتر
خواهد بود **طریفة** گویند خاییدن کندر جهت سرفه رطوبی و تقویت
لثه و دندان نافع است و چون یکمثقال او را در آب حل سازند و آن
آبرا بنوشند و مداومت بآن نمایند جهت دفع نسیان از مجربات دانسته
اند و لکن اکثار آن باعث جنون و جذام خواهد بود **طریفة** گویند
همراه داشتن کهربا بجهت تقویت دل و دفع خوف طاعون نافع خواهد بود

طریفة

طریقه گویند شبه را در زجاج سوده بگذار همان تا سرد گردد بوته برداز
زجاج سوده ار ما ند در او زیل میان آن دو شبه ای ماه کشمیر برون
آید بمانند زر پاک که گوئی خفته باشد در بلغاک طریقه
گویند در بیان عمل حملانی قمری آنکه بستان زرنیخ سرخ یا زرد چندانکه
خواهی و با ده عدد تخم مرغ بغایت نیکو بکوب و آنرا در پاتیله کن و شیر تازه
بروی آن بریز که کف تا نه از وی گرفته باشند و با آتش بجوشان تا شیر تمام
برود و باز او را بکوب کوفتنی نیکو بعد از آن در شیشه و بگل حکمت ببند و
دو سر وی را بگیر با هان سفیده تخم مرغ و در تنوری نه که تافته باشد و
یکشب بگذار و چون سرد شود بیرون آر بعد از آن بگیر مس را و بگداز در
آب قلیا با آهک و بز چند نوبت تا نیکو و پاکیزه گردد پس از آن زرنیخ بده
مثقال برده مثقال از این مس پاک کرده مطهر طرح کن سفید گردد بعد
از آن برابر با نقره خالص بگداز و حملانی باشد در نهایت خوبی و پاکی طریقه
گویند در وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر علیه السلام آ
که هر که در وقت طلوع آفتاب هفت مرتبه سوره فاتحة الکتاب و هفت مرتبه
آیة الکرسی و هفت مرتبه قل اعوذ را و بعد از آن هفت مرتبه بخواند اللهم
اغفر لی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
الاحیاء منهم و الاموات انک علی کل شیء قدیر تا مدت یکسال فرشته
دست چپ گناهان او را ننویسد و محفوظ از همه آفات و نیکبخت دو جهان
گردد طریقه قیل اذا رایت رؤیا فی المنام فانظر الی اللیلة التی انت
فیها کم من الشهر ثم خذ بعدد اللیالی سورا من القرآن من اوله الی لیلة الرؤیا
ثم خذ من السورة الاخیرة بعدد سورا آیات فالآیة الاخیرة تفسیرها تعبیر
الرؤیا والله العالم طریقه قیل اذا نقع العفص فی الخل سود الشعر طریقه
دعا خیار اهل بیت علیهم السلام بجهة رفع و دفع خستگی پیادگان که در سفر امر بنبلا
فرمودند و نسلان مثل ... ب بغیر سرعت در مشی است طریقه گویند فوتنج
تریاق

تریاق ذوات السموم اسب کلها طریفه گویند شیر مشوی بجهد در دندان
ما کل نافعست طریفه گویند فجل کفعل که ترب باشد خوردن آن
بعد از طعام هاضم و بعد از آن مطفی حرارتست طریفه لفظ ما تخم
که علما شرع در ظروف استعمال میکنند بوزن مناسبتست از باب مفاعله
بمعنای هم خد بودنست که از نجوم بمعنای حدود باشد طریفه قیل قال
مولانا الصادق علیه السلام لرجل خراسانی اشتکی من وجع الراس ثم من ساعتک
هذه فادخل الحمام ولا تبتدئن بشیء حتی تصب علی راسک بسبع اکف ماء
حار وسم الله تعالی فی کل مرة فانک لا تشتکی بعد ذلک ان شاء الله تعالی طریفه
من عجیب خواص الدجاج انه اذا استقی انسان من محکوکه یفعل فعل السم وان
سقی شارب السم نفعه طریفه قیل الملح اکال للحوم الزائدة ویشد اللثة
المسترخیة خصوصا الاندرانی وهو الذی کالبلور طریفه قیل ان
غسل الارز ثم جفف ثم قلی ثم رض فطبخ ثم اکل بالشحم فهو نافع من الزحیر
کما روی عن الصادق علیه السلام طریفه قیل ان شونیز محرقة بالنار واکلت ینفع
من المغص کما فی الحدیث طریفه قیل ان سحق وزن دانق شونیز و نصف
دانق کندش ثم ینفخ فی الانف فانه یذهب بالزکام کما روی عن الصادق علیه السلام
قیل قال الکندی کان ابو نصر لا یبصر القمر ولا الکوکب باللیل فاستعط
بمثل حمصة کندش بدهن بنفسج برا فی اللیلة الثالثة برأ تاما طریفه
قیل طبخ الحلبة بالماء جید للزحیر والاسهال طریفه گویند فانید
که در کتب اخبار و کتب اطبا کثیر الاستعمال است بمعنای شکر پنیرست طریفه
گویند لبن حلیب که در اخبار امده احترازا از ماستست طریفه قیل
اذا دخنا المقعدة ببذر الکراث اذهب البواسیر طریفه قیل اکل
التفاح نافع للوباء کما فی الحدیث طریفه قیل نتف الشعر من الانف یورث
الجذام وتربة المدینة شفاء الجذام طریفه قیل اخذ السنا مع الزبیب
الاحمر الذی لا نوی له ویجعل معه هلیلج کابلی اصفر و اسود اجزاء سواء

واخذ

واخذ علی الریق مقدار ثلثة دراهم وحین یاوی الی الفراش مثله فلان
امان من الجذام والفالج واللقوة والجنون طریفة قیل فی الحدیث
ان البنفسج بارد فی الصیف حار فی الشتاء لین علی شیعتنا یابس علی عدونا
طریفة فی الحدیث ان الحرمل شفاء من سبعین داء اهونه الجذام فلا
تغفلوا عنه وفی خبر قد اوعبها وبالکند طریفة عن النبی صلی الله
علیه وآله من شرب الحرمل اربعین صباحاً کل یوم مثقالاً لا ینبت الحکمة
فی قلبه دعوتی من اثنین وسبعین داء اهونه الجذام طریقة قیل قال
جالینوس کلما کان من الادهان یعتصر من غیر الزیتون فانه یسمی بزیت
بطریق الاستعارة طریفة قیل الفرق بین البرص والبهق ان البهق
مخصوص بالجلد ولا یعود فی اللحم والبرص بنوعیه الاسود منه والابیض
یعود فیه طریفة قیل عن امیر المؤمنین علیه السلام اذا کان ما احدکم
اوجاع فی جسده وقد غلبته الحرارة فعلیه بالفراش فقیل للباقر ما معنی
الفراش قال غشیان النساء فانه یسکنه ویطفیه طریفة گویند در این ربع
مسکون هفده هزار شهر است از شهرهای بزرگ وهرگز این ربع از هزار
پادشاه خالی نباشد طریفة گویند قلعی از روی وزیبق است نزد از
کبریت وحکماء متفقند بر آنکه سرب بهتر است از قلعی طریفة گویند از
عناصر حکماء اکابر است که العقل والنفس والطبیعة بمنزلة واحدة طریفة
حکماء گویند اگر زحل نبودی طحال نبودی واگر زحل نبودی سعد بر جرمی زان نبودی
وان وبال عظیم نبودی طریفة گویند در علم هیئت مبرهن داشته
اند آنکه در میان افلاک بجوف نیست وسخن افلاکیان ملکی باشد
نر جسمی طریفة گویند هر چه که عقل از واجب الوجود پذیرد نبک دفعه
پذیرد چنانکه هوا از نور آفتاب وهوای خانه از چراغ طریفة گویند منجمان
ادوار را سیر جلالی گویند واکوار را سیر جمالی و ادوار گردیدن کوکبی است
یک نابینا دو بار ویا بیشتر گرد فلکهای خویش واکوار باز سر گرفتن این دورها
باشد

باشد طريفة بعضى از حكما را اعتقاد اينست كه در هر سى و شش هزار
سال تمام عالم بگردد چنانكه همه زمين درخت و نبات شده باشد
و باز بفنا شده و خاك گشته و زمينها كه مردگان در آنجا بوده باشند كشت زار
و درختان شده و غذاى حيوانها گشته و هكذا طريفة گويند از عبارات
حكما است كه الطبيعة لن تفعل شيئا باطلا طريفة گويند اول قوتى كه از طفل
بعد از تولد بظهور رسد قوه شهويه باشد چنانكه طلب شير كند و بعد از آن
قوه غضبيه چنانكه گريه آغاز كند بجهة دفع موذيات طريفة حكماء
گويند اذا جاعت النفوس صارت الاجسام ارواحها و اذا شبعت صارت الارواح
اجساما و ايضا من اصلح نفسه ملكها و من اهمل نفسه اهلكها طريفة
گويند افلاطون نفس ملكى را به لينت و انعطاف مذهب تشبيه كرده و
نفس بهيمى را به صلابت و امتناع بجديد طريفة گويند از حروف هجى
حروفى است چهارده كه آنرا صوامت خوانند و آنها اين است ا
ح د ر س ص ط ع ك ل م و ه لا و از آنها چهار اسم تركيب كرده اند
و اسماء صوامت خوانند احد و بيص طحكل موهلا اگر اين اسماء را در
روز دوم هر ماه كه باشد يا در روزى كه كسوف باشد يا شبى كه خسوف باشد
بر صفحه از سرب نقش كنند و در زير نگين انگشتر نهند عقد اللسان بود
كه غمازى و بدگوئى از جن و انس در غيبت و حضور وى كارى نتوانند بكند
بقدرة الله تعالى طريفة حكما لغت را اعتبار نمايند از چهار سقوط كه اسباب
انقطاع از حضرت الوهيت است اول سقوطى كه موجب اعراض بود و استهزا
بتبعيت لازم آيد دويم سقوطى كه موجب حجاب بود و استخفاف بتبعيت
لازم آيد سيم سقوطى كه موجب طرد بود و مقت بتبعيت لازم آيد چهارم
سقوطى كه موجب خسارت بود يعنى دورى از حضرت و بعض تبعيت لازم
طريفة بعضى در علم اخلاق ذكر اين مسئله كه عدالت مستجمع فضائل است
ولو را مرتبه وسط است اشكال كرده اند و آن اينست كه تفضل محمود
است و داخل نيست در عدالت چه عدالت مساوات بود و تفضل زيادت

همچنانكه

چنانکه نقصان از وسط مذموم است زیادت هم مذموم است پس تفضل مذموم بود و این خلف باشد جواب آن اینست که تفضل احتیاط بود در عدالت تا از وقوع نقصان ایمن شود فتأمل طریفة فقهیة للراقم الاثیم

اختلفوا فی صحة العبادة   من الصبی المائز الارادة   فبعضهم قد قال بالتمرین
وعدم الصحة والیقین   وتلک تمرینیة اصلیة   لیس لها الجواب بالجلیة
وبعضهم قال الی صحتها   من جهة التمرین وهو وجهها   بان فی التمرین الثواب له
ولیس فی الفعل الذی قد عمله   وتلک تمرینیة شرعیة   لها ثواب لعادة المرعیة
وقیل فی شرعیة صحیحة   بها له مثوبة صریحة   وقد یری هنا احتمال رابع
لم یلف فیه قائل وتابع   وهو احتمال ان اصل العمل   له بها اجر ولکن للولی
وقد بدا ایضا هنا احتمالا   محضا وهو بان یقال لا   مرادنا بالصحة التاثیر
لها بمعنی انها تقتیر   قلب الصبی وتصغیره کما   یصیر بالعصیان ذا الاظلما

طریفة گویند اگر کسی این نقوش را با خود دارد بی خرجی نشود

طریفة للسعدی   اگر شبها همه شب قدر بودی   شب قدر بی قدر بودی
گر سنگ همه لعل بدخشان بودی   پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی

طریفة ایضا له هر کس دندانش بترشی کند شود مگر قاضی که بشیرینی

طریفة قیل در کلام بزرگان است که دنیا عاشق خود را تارک است و تارک خود را عاشق طریفة لا ادری طغیان نمود بحر خیال کبوی دوست چون سیل میروم همه جا سر بزمین طریفة گویند آیه بخاطر رسیده عظیم الاثر و فواید کلیه از آن ملاحظه شد طریقه خواندن آن آنستکه هر روز هفت نوبت بخواند وقتی که از خانه بیرون رود اللهم انی اخافک واخاف من لا یخافک بحق من یخافک اکفنی شر من لا یخافک طریفة گویند بجهت تسخیر دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی و در رکعت دوم حمد و یک بر تبر این آیه مبارکه را بخوانند که مجرب است عسی الله ان یجعل بینکم وبین الذین عادیتم

عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم و در قنوت هفتاد و هفت
مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم لین لی قلب فلان بن فلان کما
لینت الحدید لداود و سخر لی قلبه کما سخرت الریح لسلیمان و نماز را تمام
کند که البته مسخر گردد انشاء الله **طریقة** گویند بجهة ازدیاد عمر و دولت و پریشانی
احد و خوشحالی احباء این دعا را بخوانند یا با خود دارند که مجربست بسم الله
الرحمن الرحیم یا عزیز العز فی عزة ما اعز العزیز فی عزه اعزنی بعزتک
و ایدنی بنصرک و ادفع عنی اعدائی بدفعک واجعلنی من خیار خلقک یا
احد یا احد یا فرد یا صمد **طریقة** در عمل شیء گویند این نسخه را امیر
محمد علوی از امیر ابرهیم تعلیم گرفته بیاورند توتیا را صلایه کنند و چهار
وزن توتیا آب چقندر بجوشند و در هفت صلایه کنند و خشک نماید باز دو
مقابل توتیا زهره گاو و چهار مقابل زهره گاو شکر سفید با هم بیامیزد
و با توتیا صلایه کند بمرود یعنی تلطیف کند بعد از آن در بوته کند و در بالای
آبگینه سفید خود کرده بر سر بوته کنند و بگذارد در روغن زیت اکسیر شمس نکو
بیرون آید بعد از آن بر فضه طرح نماید در نهایت خوبی باشد **طریقة**
در کتاب اخلاق ناصری میفرماید حکماء قدیم را مثلی بوده است که در هیاکل
و مساجد آنرا اثبات کرده اند که فرشته که موکلست بر دنیا میگوید که در
دنیا خیری است و شری و چیزی هست نه خیر و نه شر و هر که این سر را بشناسد
چنانکه باید شناخت از من خلاص یابد و سلامت بماند و هر که نشناسد
او را بکشم بتباه ترین کشتنی و آنچنان بود که من یکبار نکشم تا از من برهد
بلکه او را آهسته آهسته میکشم در زمان دراز **طریقة** گویند از حروف
تهجی حروفی است که آنها را حروف الخواتیم گویند و آنها اینست آ د ذ ر ز و لا
اگر اینحروفها را بر دیوار قبله خانه یا اندرون خانه یا در صندوق نویسند دزد و
چهار دهم ماه حرزی باشد از دزد و موش و آتش **طریقة** لا ادری از نقطه چه
حرفهای ابجد که نمود وین طرفه که غیر نقطه را اینست وجود انگشت ز حرف غیر گر
بر دارے

بر وارد یان نقطه شود مرکز پرگار دشمن **طریفة** گویند این دعاء
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است از رسول خدا صلی الله
علیه و آله که بجهة برکت در عمر و روزگار و شر حاسدان و اشرار و حفظ
از آفات و مضار حیوانات و غیرها بخوانند یا با همراه دارند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا بدیع الحساب و یا شدید العقاب
یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا فاطر السموات و الارض
یا فالق الحب و النوی یا فالق الاصباح یا مسبب الاسباب یا مجیب
الدعوات یا ولی الحسنات یا مقیل العثرات یا محیی الاموات
یا نور الارض و السموات یا غافر الخطیئات یا قاضی الحاجات اقض
حاجاتی فی هذه الساعة یا اله الاولین و الآخرین یا ذا الجلال
و الاکرام یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین اللهم
لک الحمد و الیک المشتکی و انت المستعان لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین **طریفة** در کتاب وسیلة
السعادات ترجمه مهج الدعوات آورده آنکه مرویست که خداوند تعالی
حضرت یوسف را بحضرت یعقوب رسانید این دعا را خواند هر که
بخواند هر چه از خدا طلب نماید باو عطا کرده شود بسم الله الرحمن الرحیم
یا من خلق الخلق بغیر مثال و یا من بسط الارض بغیر اعوان و یا من
دبر الامور بغیر وزیر و یا من یرزق الخلق بغیر مشیر و یا من یخرب
الدنیا بغیر اشیاء **طریفة** ایضا فیه دعائی که آصف تخت بلقیس را
حاضر کرد و حضرت عیسی ع مرده را زنده کرد هر که بخواند و هر چه بخواهد
مستجاب گردد انشاء الله تعالی اللهم انی اسئلک بانک انت الله لا اله الا انت
الحی القیوم الطاهر المطهر نور السموات و الارضین و در روایت
دیگر رب السموات و الارضین عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال
المنان

المنان ذو الجلال والاكرام ان تفعل بي كذا وكذا طريقة ايضا
از عظاء منقول است که مکرر تجربه کرده و اسم اعظم در این کلمات و اسماء
بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا نور يا نور
يا ذا الطول يا ذا الجلال والاكرام طريقة بتجربه رسيده انكه در
عروض امور صعبه خواندن این بشرح ذکر بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد واله الطيبين
الطاهرين که حاملين عرش بجهة آسانی حمل آن انها را خواندند سهل
گردید موجب سهولت انها خواهد شد طريقة قال الشيخ احمد
الاحسائي ره في كتاب الفقه الرضوي شاع نسبته الى مولينا الرضا عليه
والامر غير محقق فان كلامه لا يشبه كلام المعصوم ولا ينسبه من المعتبرين
الذين يعتمد على اقوالهم واطلاعهم ولا يبعد ان يكون من تاليفات علي
الحسين بن بابويه بل صرح بعض الافاضل ان المراد بالرسالة التي كتبها
علي بن الحسين بن بابويه لابنه الصدوق محمد وليس ببعيد فان كثيرا مما فيه
موافق لما ينقله في الفقيه عن الرسالة والله اعلم وهو غير صحيفة الرضا ع
طريقة گويند چه چيز را بقله عايشه ميگويند چنانکه خرفه را بقلة فاطمه
وناصبين لعنهم الله او را بقلة الحمقاء نامند طريقة في الكافي عن
عبد الله بن الجبلة الكناني قال استقبلني ابو الحسن ع وقد علقت سمكة في
يدي فقال اقذفها اني لاكره للرجل السري ان يحمل الشيء الدني بنفسه ثم
قال انكم قوم اعداؤكم كثيرة عاديكم الخلق يا معشر الشيعة انكم عاديكم الخلق
فتزينوا لهم ما قدرتم عليه طريقة عن جابر بن عبد الله عن امير المؤمنين عليه
في حديث يومي الى موجبات الغم الى ان قال وما من شيء من هذه يفعله
احدكم الا اورثه غما لا اصل له فتجنبوه انتهى ومن الاشياء المشار اليها في
هذا الحديث شرب اللبن في يوم الاربعاء والبول قائما وقطع الرحم ورد السائل
والكذب

والكذب في النوم على الوجه وعلى اليد اليسرى والتختم بخاتمين والجلوس على الخلاء والتجاوز على البرازح المطروح وليس غسل اليسار قبل اليمين ومسح الوجه بالذيل **طريفة** قال الشيخ المشار اليه المذكور قده روى عن النبي ص انه جاء رجل فقال ان الدنيا قد ادبرت عني وذلت فقال له اين انت من صلوة الملائكة وتسبيح الخلائق وبه يرزقون وهو سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم ثم استغفر الله مائة مرة تاتيك الدنيا صاغرة فولى الرجل ثلثة ايام فلم يره ثم عاد الى النبي ص فقال يا رسول الله والذي بعثك بالحق نبيا لقد اقبلت الدنيا علي فلا ادري اين اضعها ويقرب من ذلك ما روى عن الكاظم عليه السلم في طلب الرزق وهو ان تقول عقيب صلوة الصبح ثلثين مرة سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله **طريفة** قد نقل عن امان الاخطار لابن طاوس قده ذكر حديث آخر في نقش الفص الحديد الصيني وهو انه اتى رجل الى سيدنا ابي عبد الله عليه السلم فقال يا سيدي اني خائف من والي بلد الجزيرة واخاف ان يغريه بي اعدائي ولست آمن على نفسي فقال ع استعمل خاتما فصه حديد صيني عليه من ظاهر ثلثة اسطر الاول اعوذ بجلال الله الثاني اعوذ بكلمات الله الثالث اعوذ برسول الله وتحت الفص سطران الاول امنت بالله وكتبه الثاني وثقت بالله ورسله وانقش حول الفص على جوانبه اشهد ان لا اله الا الله مخلصا وهذه صورة الفص واذا خفت اذى احد من الناس فالبسه فانك حوائجك تنجح ومخاوفك تزول وكذلك علقه على المرأة التي يتعسر عليها الولادة

اشهد

	اعوذ بجلال الله	
	اعوذ بكلمات الله	
	اعوذ برسول الله	

ان لا اله الا الله — مخلصا

فانها تضع بمشية الله تع وكذلك من يصيبه العين فانها تزول عنه واحذر عليه من النجاسة والدهومة ودخول الحمام والخلاء واحفظه فانه من اسرار الله عز وجل ثم التفت ابو الحسن عليه السلم الينا وقال انتم ممن خاف على نفسه فليستعمل ذلك واكتموه عن اعدائكم لئلا ينتفعوا به ولا تبيحوه الا لمن تثقون به وقال الراوي لهذا الحديث قد جربت هذا الحديث فوجدته صحيحا **طريفة** عن هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن

محمد

محمد عليهما السلام انه قال في حديث يذكر فيه قصة داود ع انه خرج يقرأ الزبور
وكان اذا قرأ الزبور لا يبقى جبل ولا حجر ولا طائر الا اجابه وانتهى
الى جبل فاذا على ذلك الجبل نبي عابد يقال له حزقيل فلما سمع دوي
الجبال واصوات السباع والطير علم انه داود وسئلني العافية قال
فاخذ حزقيل بيد داود ورفعه اليه فقال داود يا حزقيل هل هممت بخطيئة
قط قال لا قال فهل دخلك العجب مما انت فيه من عبادة الله عز وجل
قال لا قال فهل كنت الى الدنيا فاحببت ان تأخذ من شهواتها ولذاتها
قال بلى وربما عرض مثل ذلك بقلبي قال فما كنت تصنع اذا كان ذلك
قال ادخل هذا الشعب فاعتبر بما فيه فدخل داود ع الشعب فاذا سرير من
حديد عليه جمجمة بالية وعظام فانية واذا لوح من حديد فيه كتابة
فقرأها داود ع فاذا فيها انا اروى بن سلم ملكت الف سنة وبنيت الف
مدينة واقتضضت الف بكر فكان آخر عمري ان صار التراب فراشي
والحجارة وسادتي والديدان والحيات جيراني فمن رآني فلا يغتر بالدنيا
طريفة قيل كل عضو من الحيوان خلق زوجا والذي لا يرى زوجا
فهو ذو شفتين كما يظهر بالتأمل في الكتب لكثير تحية قال الله تعالى ومن
كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون طريفة كلمه منضا فركرد در
السنه علماء فقه واصول استعمال ميشود بضاد اخت صاد است و
وبظاء مشالة چنانكه در اغلب كتب آورده اند غلط مشهور است و مرحوم آقا جمال
خونساري قدس سره تصريح باين مطلب نموده اند در كتب خود طريفه
گويند از حضرت امام حسن عسكري عليه السلام مرويست كه مفاد اينكه
هرگاه غرة شهر رمضان معلوم نباشد ملاحظه ميكني ايام هفته را
كه چه روزي اول شهر رمضان گذشته بوده و يوم احد را يكي ميگيري و
اثنين را دو و همكذا تا شنبه كه او را هفت ميگيري پس از آن عدد دوازده را

بعد

بر عدد مذکور از روز میافزائی و از هم هفت هفت طرح میکنی هرچه
باقی ماند یکی از آن ناقص میکنی باقی همان روز عدد غرهٔ شهر رمضان
حاضر مجهول الاول خواهد بود فتأمل مثلاً سال گذشته غرهٔ شهر رمضان
روز پنجشنبه بود و عدد آن پنج است اضافه میکنی بر او عدد دوازده را
مجموع هفده میشود دو هفت از آن طرح کن سه باقی میماند یکی از او ناقص
میکنی دو میماند و آن عدد روز دوشنبه است پس غرهٔ ماه رمضان این
سال حاضر روز دوشنبه خواهد بود والله العالم طریفة نقل عن
مولانا الصادق علیه السلام فی باب النهی عن التداوی بالخمر انه قال لا والله
لا یحل لمسلم ان ینظر الیه فکیف یتداوی به طریفة فی البحار عن ابی
اسامة الشحام قال سمعت ابا عبد الله ع یقول ما اختار جبرئیل للنبی
الا وزن عشرة دراهم سکر بماء بارد علی الریق طریفة عن علی علیه السلام
قال لا یصلح الثوم الا مطبوخا طریفة فی الحدیث قال ع ذکرنا اهل البیت
شفاء من الوعک والاسقام ووسواس الریب طریفة راقم گوید شاید
یکقسم از ذکر ایشان همین مرثیه خوانی و بیان مصائب و مدایح و مناقب
ایشان باشد چنانکه بجهة شفای امراض مستعمل اهل این زمان شده طریفة
فی البحار عن محمد بن سنان عن الرضا علیه السلام قال سمعت موسی بن جعفر ع وقد
اشتکی فجاءه المترفقون بالادویة یعنی الاطباء فجعلوا یصفون له العجائب
فقال این یذهب بکم اقتصروا علی سید هذه الادویة الهلیلج والرازیانج
والسکر فی استقبال الصیف ثلثة اشهر فی کل شهر ثلاث مرات وفی استقبال
الشتاء ثلثة اشهر فی کل شهر ثلث مرات ویجعل موضع الرازیانج مصطکی
فلا یمرض الا مرض الموت طریفة قیل عن مجاهد فی قوله تع وان منکم الا
واردها قال من حم من المسلمین فقد وردها وهو حظ المؤمن منها طریفة
قیل عن ابن سیرین قال اذا بلغ اربعین سنة لم یحتجم طریفة قیل فی البلاد الحارة

یحجم

يخرج من الفصد والفصد في البادن ای یخرج من الحجم طریفة فی البحار روی
عنه ای عن الصادق ع ان بعض اهل بیته ذکر له امر طلب عنده فقال ادع بمکتل فاجعل
فیه تمرا واجعله بین یدیه وامر غلامك اذا جاء سائل ان یدخلوه الیه فلیناوله
منه شیئاً ویامره ان یدعو له قال افلا اعطی الدنانیر والدراهم قال اصنع
ما امرتك به فکذلك رویناه ففعل فرزق العافیة طریفة قیل لبن الشاة
السوداء خیر من لبن الحمراء ولبن البقرة الحمراء خیر من لبن السوداء طریفة
قیل البصل یذهب البلغم ویشد القلب ویذهب الحمی ویطرد الوباء بالمد والقصر
طریفة فی الحدیث من کتم وجعاً ثلاثة ایام من الناس وشکی الی الله عز وجل عوفی
طریفة فی الحدیث من جاع او احتاج وکتمه من الناس ومضی الی الله ثم کان
حقاً علیه ان یفتح له رزق سنة حلالا طریفة فی الحدیث من اکل ما یسقط
من المائدة عاش ما عاش فی سعة من رزقه وعوفی فی ولده وولد ولده من الجذام
طریفة فی الحدیث اذا لم یکن للمرء تجارة الا فی الطعام طغی وبغی طریفة فی الحدیث
من احتکر علی المسلمین طعاما ضربه الله ثم بالجذام والافلاس طریفة فی الحدیث
ثلاث لقمات بالملح قبل الطعام یصرف عن ابن آدم اثنین وسبعین نوعا من
البلاء منها الجنون والجذام والبرص ومن اکل الملح قبل کل شیء وبعد کل شیء رفع
الله عنه ثلثمائة وستین نوعا من البلاء اهونها الجذام طریفة فی الحدیث
کان ع یاکل العنب بالملح ویاکل البطیخ بالجبن طریفة فی الحدیث نفقة درهم
فی سبیل الله بسبعمائة ونفقة درهم فی خضاب الحنا بتسعة الاف طریفة فی
الحدیث اذا اکلتم الفجل واردتم ان تجتنبوا منه فصلوا علی عند اول قضمة منه
طریفة فی الحدیث کلوا الثوم فان فیها شفاء من سبعین داء طریفة
فی الحدیث قال صلی الله علیه وآله ما قال عبد عند امری اسأل الله العظیم
رب العرش العظیم ان یشفیك سبع مرات الا عوفی طریفة فی الحدیث من
اراد ان لا یصیبه ریح فی بدنه فلیاکل الثوم کل سبعة ایام مرة ومن اراد ان
لا تفسد اسنانه فلا یاکل حلوا الا بعد کسرة خبز طریفة قیل التحول علی الغذاء

یحاول

فی اول اللیل شتاء وصیفا یوجب الفلج واللقوة والنقرس وضعف البصر
کما فی الحدیث طریفة فی البحار الاوقیة تطلق علی اربعین درهما وعلی
سبعة مثاقیل وعند عرف الاطباء عشرة دراهم وخمسة اسباع درهم طریفة
فی الحدیث من اعجبه من اخیه شیء فلیبارک علیه فان العین حق طریفة فی
الحدیث قال رسول الله ص ما وقع الناس ابصارهم الی شیء الا وضعه الله تع
طریفة قیل اختلف فی ان الساحر اذا قتل بسحره احدا فهل علیه قصاص
او دیة ام لا قیل لا لاصل البراءة وان هذا القتل لیس من افراد القتل العادی
المتعارفة قیل نعم للعموم والکل لا یخلو من نظر فتدبر طریفة گویند در عمل شیء
بگیر زیبق را یکمثقال و زحل دو مثقال و زحل را بگداز و زیبق را داخل آن کن
بعد از آن با تیزاب فاروق یکروز صلایه کن و بعد تصعید کن که سرخ میشود
و طرح کن یک جزو بر ده جزو زهره شمس گردد انشاء الله تعالی و تیزاب فاروق را چنین کوبد
شوره ۲ زاج ۱۲ شب ۶ اگر شب نباشد زاج ۱۲ اضافه نمایند و با هم صلایه نمایند
و در کوزه آبگیرنده کنند و آب بر آن ریزند و در آفتاب بگذارند و ظرف چینی
در زیر کوزه گذارند که تیزاب قطره قطره از کوزه بظرف مذکور جمع و قدری
آب جو او زنند که چون شیر شود تیزاب فاروق اینست بلا فرق فاعمل و جرب و
الله العالم طریفة فی الحدیث کما فی البحار سلمان خیر من لقمان وهو مروی
عن الصادق ع طریفة فی البحار قالوا المعراج خمسة احرف فالمیم مقام الرسول
عند الملک الاعلی والعین عزة شاهد کل نجوی والراء رفعة عند خالق الوری
والالف عند انبساط مع عالم السر واخفی والجیم جاهد فی ملکوت العلی طریفة
فی الحدیث معراج ابرهیم علیه السلام السماء الدنیا لقوله تعالی وکذلک نری ابرهیم ملکوت
السموات الآیة طریفة فی البحار روی ابو حمزة الثمالی رض عن زید بن علی علیه السلام
انه قال انی لارجو للمحسن منا اجرین واخاف علی المسیء منا ان یضاعف له
العذاب ضعفین کما وعد ازواج النبی ص طریفة فی مجمع البیان قال
عبد الله بن مسعود ایما رجل جلب شیئا الی مدینة من مداین المسلمین صابرا محتسبا

فباعه بثمن يوم كان عند الله بمنزلة الشهداء ثم قرأ وآخرون يضربون في الأرض
الآية طريفة قيل الفرق من الغضب والغيظ ان الغضب مع ضدّ الرحم من
اي موضع شئ والغيظ من هيجان الطبع بكره ما يكون من المعاصي ولهذا
يقال غضب الله ولا يقال اغاظ الله طريفة قيل في الحديث قال رسول الله
انا قائد العرب الى الجنة وسلمان قائد العجم الى الجنة طريفة گويند وجه
اشنگه با طهارت درجاه خواب رفتن موجب رسیدن روزی است از جائی که
طمع ندارند طريفة نقل عن العالم المازندراني في شرحه على الاصول لقد
رأى بعض الصالحين ممن اصدقه في عقابيه جماعة من الناس في جنب كل
واحد منهم كلب بحقيقة الكلبية وصورته له ذنب واذن وعينان ورأس وفم
وشفة مثل الكلب المشاهد قيل مراده من هذا البعض هو مولينا المجلسي الاول
قدس سره الاجل طريفة قيل للعشق بذكر العشق والمعنى بعد اللفظ ومؤخر
طريفة روى عن النبي ص القيام قبل الصبح يورث ثلاث خصال الصحة في
البدن وسعة في الرزق ومحبة في قلوب العباد طريفة گويند بجهة دفع صداع
بانگشت شهادت بر پیشانی نویسند کهیعص حمعسق ق ن طريفة گويند
بجهة علاج [illegible] نشاسته و کافور را کوبیده و خمیر نموده بر سر مالند بند
شود طريفة یکی از اطبا میگوید میوه خوران کم تندرست باشند و اکثر
جاها که میوه بسیار باشد بیماری بسیار باشد طريفة صاحب ذخیره میفرماید
در استرآباد شخصی را دیدم که زمستان در آبهای یخ نشستی و تختهای
یخ را سوراخ کرده در گردن افکندی و وقتیکه یخ بستی برهنه لنگی بدو مروحه
بدست و ظرفی پر آب در دست دیگر داشتی و آن آب را بر سر ریختی و بر روی خود باد
زدی و بر بدنهادیش او یخ بسته بود و معذلک اظهار گرمی هوا کردی و چون
هوا گرم شدی بفصل دیگر چند جامه و پوستین پوشیدی و متصل خود را با آتش
گرم کردی و چنان نمودی که میلرزد و بسا اوقات بود که بدین نهج میگذرانیدی
و تن درست و خوشحال بودی طريفة و ایضا میگوید شخصی بود او را ملا کوثر
میگفتند و هزال بود [illegible] آب بگردد و غلبه میخورد طريفة گويند بجهة دفع کرم
ومغ

و ملح آیة الکرسی را بنویسند بر چهار گوشه باغ فرو برند طریفه گویند
که من اکل طعاماً بشهوة حرم الله تعالی الحکمة علی قلبه بعضی گویند معنی بشهوة
آنست که بهوس خورند نه باشتهای طبیعی فتح طریفة الاطبا گویند باید
قطع طعام باشتها شود نه قطع اشتها بطعام طریفه گویند حکمای
هند برین عادت بطور مبالغه میباشند که در هر صباح که از خواب
برخیزند سه لقمه نان خشک یا سفوف دیگر که کار او کند خورند و بعد
از آن اشتغال بامور کنند طریفه گویند یکی از قواعد عمده جوگیان
اهل هند در حفظ صحت و اطاله عمر عدم اخراج منی است از خود و چنان
مراعات این امر را مواظبند که اگر احیاناً ایشان را احتلام افتد آنرا از مجاری
بشویند و بجذب کنند تا ضایع نشود و از قواعد ایشان افکندن پوستست همچو
مار که سالی یک پوست افکند و تازه میشود و درازی عمر مار را ازین عمل
دانسته اند و بعد از پوست افکندن بادویه مقرره مویهای که بر ابدان
ایشان روئیده میشود سیاه میباشد اگرچه بسیار معمر هم باشند طریفه
گویند بعضی از جوگیهای هند چون در امعاء خود قصوری یابند از طرف شیب
رودها خود را ببیرون آورند باز گردانند و یا بهای ادویه مناسبه
بشویند و بیالایند و تیمار کرده بجود باز کشند و بعضی هستند که نفس را
فرو گیرند و در درون خود آنرا حرکت دهند چنانچه هر عضوی را که خواهند
تا قوی سازند تمام دم را بدانجا مایل گردانند و در مداخل آن در برند تو
وانرا بزرگ کنند چنانکه گویا ورم کرده و باز بجای اصلی عود دهند یکی از
آن اطبا میگوید من جوگی را دیدم که دم میگرفت و در شکم خود رودها را
چنان حرکت میداد که آنرا از بیرون پوست شکم او کسی میدانست که چیزی مجتمع
گشته پوست را بلند نموده است هر طرف میرود و دران چین شکم او قرار عظیم
میکرد طریفه گویند بتجربه چنان یافته اند که کام طفل را بهر چیزی که بردارند

درهمت

در مدت عمر از آن کم مضرت یابد حتی بعقرب یا مار مسموم بر دارند از عقرب و مار
الم نیابد طریفه گویند اگر طفل را فایل عمر بمرض ام الصبیان گرفتار
نشود کار او آخر عمر لابد مبتلی خواهد گردید والله العالم طریفه بعضی از
اطبا گویند که خواص چنین یافته‌ایم در سه چهار شنبه آخر ماه چون برابر
ماه سه نوبت تو لو لو را بجا و بجا از طرف تن بخارج بمالند و بگویند ای ماه
همچنانکه تو میکاهی این را بکاهان و بدو سه نوبت بگویند و هر سه نوبت
جاروب را بر زمین زنند تا لول هر چند غلیظ و بد باشد باهستگی بر طرف
و دفع شوند باذن الله تعالی طریفه گویند سبب پیری لبریز شدن سطوح باطن
است از عروق و شرائین و امعا و معده و غیرها بجهة مرور رطوبات بر آنها
چنانچه در صحن حمامها مشاهده میشود طریفه گویند حکما هند سیر خام را
عظیم معتقدند و مداومت بر آنرا در حفظ صحت مدة العمر مفید میدانند از جهة
تریاقیت او سموم حیوانی را و تریاق همه ابهاکم مختلف پیاز است سیما پرورده
بسرکه طریفه گویند که هوای وبائی خوردن جدوار و نان خشک و بوییدن
پیاز و سرکه نهایت موثر و نافع خواهد بود طریفه اطبا گویند ریش از آخر
آب میکشد بحکم رابطه خلقی که در آن عضو مثل ذکور را واقع است طریفه
گویند مالیدن آب نمک در حمام بر بدن موجب منع تولد شپش خواهد بود
طریفه گویند هرگاه بشره از آفتاب سیاه شده پیه مرغ را با موم بگدازند
و با آرد نخود بصورت بمالند و با آب گرم بشویند طریفه در ذخیره
الوعده اندکه زرنیخ و آهک و صبر را بجوشانند و در آفتاب نهند تا بسته نشیند
بیالایند و دیگر باره زرنیخ و آهک را بجوشانند و بر آفتاب نهند و مکرر
تا چنانکه پر مرغی بدان بیالایند موی آن بر کنده پس قدری روغن در آن بریزند
و با آتش نرم بجوشانند تا آب برود و روغن بماند چون از این روغن طلا کنند
موی را بسترد و هیچ نرویاند اگر هر نوبت شش دانگ نیم جزو داخل سازند
قوی بود طریفه گویند اکثار در اکل لبنیات و آنچه موجب تولد شپش خواهد

بود

بود و گوشت سوسمار مولد حظ عظیم است در این باب طریفه گویند یکی
از موجبات فربهی لقمه بزرگ فرو بردن است طریفه گویند بجهة
علاج نزله که تعلق بسینه و زکام که تعلق به بینی دارد شستن سر بصابون
و سر را بر بخار سلغم و طبیخ بابونه داشتن نافع است طریفه گویند
کسانی را که کثیر الفکر یا سوداوی مزاج باشند زکام مفید خواهد
بود طریفه گویند بجهة ترکیدن لبها خوردن یا چربه بره نیم برشت
نافع خواهد بود طریفه گویند جالینوس گفته بجهة اسهال پنیر سوز
قدری بسوزانید مسحوق چندانکه سوده شود و کم شود و برروی انگشتان افروز
اثر بریان کنند و بخورند نافع خواهد بود انتهی طریفه گویند بجهة
احتلام بلادر را با کنجد کوفته بقانون مقرری بخورند طریفه بعضی
اطبا گویند بجهة امساک منی چنان تجربه کرده اند که در حین افتادن بر امثال
لطف در میان شرب و ابتدای وقوع لذت غلبه خود را باز کشد و ترک کند
چندانکه نعوظ زخیال آن برطرف شود دیگر باره استعمال نمایند و چون
بقرب انزال رسند دیگر همچنان باز ایستند و بدین مداومت اخراج آبی
نکنند و اگر احیانا واقع شود باز بایستند از حرکت یا نعوظ باز بعوث شود
عمل انزال دیگر خود را همچنان منع کند بدین ممارست قوت عظیم در حفظ
و منع منی حاصل گردد لذت عظیم ما بین زوجین پدید آید اگر چه این فعل
بسا موجب درد خصیه میشود و لکن بسیار هم تجربه بکنند طریفه گویند
برگ درخت سنجد بر جراحات ضماد نمایند جراحت را بخوبی آورد و پاک
میکند و ملایم میگرداند و مکرر تجربه شده و اگر برگ تازه نباشد برگ
خشک آن نیز موثر است فاغتنم طریفه گویند هر حرفی که بحسب عدد
مرتبه اول دارد از آحاد و عشرات و مئات و الوف متعلق بفلک الافلاک
خواهد بود مثل ا ی ق غ و هر حرفی که مرتبه دوم دارد متعلق بفلک البروج
مثل ب ک ر و هکذا الی آخر المراتب طریفه گویند حروف جمل شادی بدین
گونه

گویند ابجد تعلق بزحل دارد هوز تعلق بمشتری حطی کلمن تعلق بمریخ دارد
سعفص تعلق بشمس دارد قرشت تعلق بزهره دارد ثخذ تعلق بعطارد
دارد ضظغ بقمر دارد طریفه گویند هر اسم از اسماء الهی را که حرف
آن اسم بر اولش مقدم دارند اسم ملکی بوده باشد چنانچه در اسم علیم
مثلا چون حرف میم را مقدم بر حرف عین دارند و کلمه ئیل از خارج اضافه
کنند اسم ملکش معلیائیل است و این قاعده ایست از قواعد مقرره طریفه
گویند عقل در مقام افاضات نوریه و نفس بمنزله شمسیات بنسبة بقمر و بدن
بمنزله ارض است و چنانکه حیلوله ارض مانع از اشراقات شمسیه و
موجب خسوف میگردد همچنین تعلقات بدنیه طبیعیه مانع شوارق عقلیه
میگردد از برای نفس طریفة یکی از حکما گوید مجاورت ابوالشرور و
ابوالدواهی در معقولیت با نقطه خاتمیه ص یک نحو عذابیست که خداوند
تعالی معجل داشته از برای ایشان چه مجاورت بالغیر جنس عذابی است از برای
ناقص از طرفین چنانکه گفته اند روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم
طریفة قیل ان التبلیغ والتنظیم ونحوهما انما هی من فوائد وجود الانبیاء
وفوائد نصب الاولیاء لا انها تکون غایة لوجودهم والا لکان ذلک اشرف
وافضل واهم واتم فی عنایة الله ونظره تعالی من وجودهم کما هو شان کل غایة
مع مغیاها فتأمل طریفة قیل مطابقة قرائة الصلوة لقرائة واحد من
القراء السبعة لازمة الا فی ترک البسملة من السورة طریفة گویند دوتو را
کدو را موریک عسلی گویند هرگاه با عسل و دوشاب و سپستان طبخ داده
مثل خیاطت تو پنبه هند و بر روی اشجار گذارند طیوری که بر آن نشینند پا
بسته گردد و صید شوند طریفة گویند هرگاه سیب ترش را در میان
طبخ دهند بجهة دفع اسهال نافع خواهد بود طریفة مضمضه کردن
با آب طبخ پوست انار ترش بجهة تقویت لثه نافع خواهد بود طریفة گویند

مشت

شب یمانی را هرگاه در جامه خواب گذارند مانع از احتلام خواهد بود
و همچنین دراج را در زیر جامه نگاهداشتن همین اثر دارد طریفه گویند
رافع بوی پیاز خائیدن نان سوخته و گرده کان مشوی و باقلا است طریفه
گویند هرگاه سنگ گچ را بروغن زیتون و اندکی بوره و شب یمانی بیامیزند
و بر نوشتجات بیالایند ازاله کتابت میکند و بر جامه‌ها باعث قلع چرک
و جرب او میگردد طریفه گویند تعلیق سنگ آتش زنه بر ران زنان
کرد و لته بسته باشند جهت عسرت ولادت مؤثر است طریفه گویند هرگاه
حدید را با رصاص یا مرقشیشا یا دهج الفار یا زرنیخ گذارند بمرتبه صاف
زود گداز میشود طریفه گویند آب آهن تافته بغایت مقوی باه و قابض
و دفع هیضه و اسهال مزمن بواسیری کند طریفه گویند بخور اسپند بجهت
درد دندان مؤثر است و تعلیق او در البته کبود رافع سحر است و افشانیدن او
در خانه باعث تفرقه و بخور آن مبطل این اثر است طریفه گویند سر مرغ
و خروس بجهت نرم کردن صلابات و مواد سوداوی و طلا کنم گرم او بر سر
جهت مالیخولیا عجیب النفع است طریفه گویند مداومت بر شیره انگور
با شیر تازه و اندک بادام جهت هزال مفرط و خفقان و ضعف احشاء
عجیب الاثر خواهد بود طریفه گویند بتجربه رسیده هرگاه بعد از خوردن
طعام دست را بر محاذی شکم و معده بزند و هفت مرتبه بسم الله و هفت مرتبه
صلوات بفرستد از نفخ شکم ایمن گردد انشاء الله طریفه گویند هرگاه
سوره مبارکه عم را نوشته و بشویند و صاحب اسهال بیاشامد زایل گردد
انشاء الله طریفه ایضا گویند بجهت دفع اسهال قهوه را بطریق نخود برشته
کند که بریان شود و بخورد بغایت مؤثر خواهد بود انشاء الله طریفه گویند
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت خرقیل را قرحه در جگر
بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی فرستاد که شیره انجیر را بر سینه خود بمالد
چنان کرد و برطرف شد طریفه گویند در حدیث است که بجهت درد پا از اول

سوره

سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بخواند شفا یابد طریقة گویند از جمله
خواص شین این است که اگر کسی خواهد با خصمی در مخاصمه و محاوره غالب آید
و هیچ یک قادر بر جواب مطلقا نباشد اسم خصم را در ما بین دو شین امتزاج
و هر چه را ممکن باشد متصل و غیر ممکن را منفصل نوشته در دست گرفته
تا او در سخن در ماند خصم عاجز آید باذن الله تعالی مثلا قمر نام را چنین نویسد
کردن او انفصال است سقشمقرش و شمس نام را چنین نویسد کردن او
اتصال است ششمسش طریقة گویند این چهار اسم را در مربع چهار
در چهار بر روی اطلس زرد با شنجرف بنویسند اگر پادشاهی بر شقه علم
زرد نویسد هیچ لشکر با او مقابله نتواند کرد و هر که با دارنده این لوح
مجادله کند مقهور گردد و در وقت نوشتن بخور
شرط است و در ساعت سعد بهتر است و در
این مربع غرائب بسیار است طریقة

القائم	القوی	المقتدر	القائم
القائم	القوی	المقتدر	القادر
[illegible]	القوی	[illegible]	القادر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	القائم

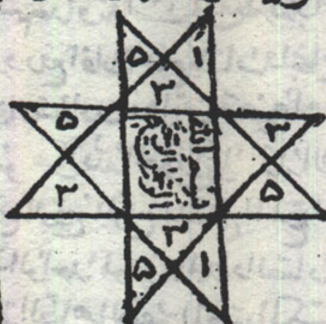
گویند عمر بن خطاب علیه اللعنة والعذاب از ام کلثوم دختر حضرت امیر ع
پسری داشت اسم او زید بود و قبرها فیه طریقة فی عمل ثری گویند خر زهره
که در راه کربلای معلی یافت میشود اگر آب بعلک آنرا بگیرند و مشتری را
گداخته هفت مرتبه در او وریزند هر مرتبه آب آنرا عوض نمایند قمر خالص گردد
انتهی طریقة سزاوار است متهجدین بعد از هشت رکعت نوافل لیلیه
این دعا را که منقول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخوانند و برآید تمنا
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ بک منک و لجأ
الی عزک واستظل بفیئک واعتصم بحبلک و من لم یثق الا بک یا جزیل
العطایا یا مطلق الاساری یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک رغبا
و رهبا و خوفا و طمعا و الحاحا و الحافا و تضرعا و تملقا و قائما و قاعدا
و راکعا و ساجدا و راکبا و ماشیا و ذاهبا و جائیا و فی کل حالاتی اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و حاجت خود را ذکر نماید طریقة
نویسند

گویند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بجهة سهولت کارها و خلاصی از
حوادث یکصد مرتبه این دعا را بخوانند یا با خود دارند مؤثر خواهد بود
انشاء الله و از مجربات است البته بسم الله الرحمن الرحیم سهلاً بفضلک یا عزیز برحمتک
یا ارحم الراحمین طریفة گویند بجهة عزت یافتن در مجلس ظالمان و
کافران این نقوش را همراه خود داشتن نافع خواهد بود انشاء الله تعالی ۱۱۱
۹ ۱۱ ۱۱ هـ طم ۶ ۱ ک ۱۱ ▭ لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
طریفة گویند هر که این مهر را با خود دارد محبوب همه کس گردد انشاء الله تعالی
طریفة گویند که ۱۱۱۱ ۸۱۱۱ ۹۳ ۱۱۱۷ ح
بجهة رفع درماندگی خواندن این کلمات نافع خواهد بود انشاء الله تعالی یا حی یا قیوم
برحمتک استغیث واغفر لی سیئاتی و فرج همی طریفة در کتاب طالیس
هرودس آورده چون مریخ بحمل در آید نوده الف بنام آنکس که خواهد نقش
کند بر پاره مس و در آتش اندازد بدین صورت ▽ که محبت را اثری عظیم دارد
باید که قمر در اسد بود اما باید بشکل مثلث بکشد و در اندرون آن بنویسد
و این شکل را با خود داشتن ایمنی از اعدا بخشد و در وقت مجامعت با خود داشتن
قوتی عظیم دارد و منقطع نگردد و این شکل را در آب کاسنی انداخته بیاشامد
اشتها پیدا شود و بعورت بستن موجب حمل نگردد در خواب نترسند در زبان
خواهد بود طریفة ایضا در آن کتاب است نوشتن سیصد حرف تا برکاغذ
و مانند کلاه بر سر گرفتن و چهل صدد نوشتن آن و بر دماغ گرفتن موجب
قطع رعاف خواهد بود طریفة فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی در حروف
السکون ا ی ی ت ص ص ص ح ح ح و هذه حار رطبة و باردة رطبة و لو
فارقتها لما حصل بها السکون اصلاً لان هذه الطبیعة من اجلها یکون
السکون لان السکون فیه راحة الابدان و فیه الامر الکلی و فیه السر نعما الاکبر
لطلب الرزق فمن اراد ذلک فلیکتبها فی قطعة من فضة یوم الخمیس و یحملها معه
فیأتیه رزقه من حیث لا یحتسب و من کسدت علیه صنعته فلیکتبها علی باب
حانوته و یسمیها بحرف الالف لانه مفتاح الحروف فان الغالم یأتی الیه
ما سره.

بانسوه ولا يرى بعد ذلك كساداً طريقة ايضاً فيه روي ان رجلاً جاء الى امير المؤمنين عليه السلام فقال انّي اجد في رزقي ضيقاً فقال ع له لعلك تكتب بقلم معقود فقال لا فقال لعلك تمشط بمشط مكسور قال لا قال لعلك تمشي امام من هو اكبر سناً منك قال لا قال لعلك تنام بعد الفجر قال لا قال لعلك تركت الدعا للوالدين قال نعم يا امير المؤمنين فقال ع فاذكرهما فانّي سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول ترك الدعا للوالدين يقطع الرزق

طريقة لا ادري عندما ترى اذا انجلى الغبار افرس تحتك ام حمار

طريقة في حديث علي بن مهزيار عن القائم عليه السلام الى ان قال فقلت متى يكون ذلك يا ابن رسول الله ص فقال اذا حيل بينكم وبين سبيل الكعبة باقوام لا اخلاق لهم والله ورسوله منهم برآء وظهرت الحمرة في السماء ثلثاً فيها اعمدة كاعمدة اللجين يتلألؤ نوراً ويخرج السروس من ارمينية واذربيجان يريد وراء الري الجبل الاسود متلاحم بالجبل الاحمر الخ طريقة گويند هر كه اين نقش خاتم سليماني را همراه خود دارد از شر جن وپري وعقرب ومار در حفظ الهي خواهد بود انشاء الله تعالى طريقة في الوسائل عن الرضا ع قال من خرج في حاجة ومسح وجهه بماء الورد لم يرهق وجهه قتر ولا ذلة ومن شرب من سؤر اخيه المؤمن يريد به التواضع ادخله الجنة البتة ومن تبسم في وجه اخيه المؤمن كتب الله تعالى له حسنة ومن كتب الله له حسنة لم يعذبه



طريقة در كتاب طالينوس مرموز است كه حرف صاد را بر صفحهٔ از رصاص با روی هزار و حدود نقش كن جهة عقد اللسان مؤثر است وحرف صاد را در اضلال آثار است بدون تخصيص باتفاق اكثر حكما طريقة بعضی از آيات نوريه كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام آنها را ترجمه فرموده اند بعربی و در ابن اوراق ثبت ميشود نقلاً عن بعض الكتب وگويند حضرت داود ع اين آيات را تلاوت ميكرد و سر بسجده مينهاد وبعد از

ساعتی

ساعتی سر از سجده برمیداشت بلا توقف مدعا حاصل میشد از آنجمله
این آیه است که بجهت هر مهمی که بخوانند زود بر آید اذا عبدک عصانی لم تجدنی
سریع الاخذ فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه بجهت وسعت رزق بسیار بخوانند
ولیس یملک الفرد من غیری انا الرزاق فاطلبنی تجدنی وایضا
این آیه از برای طلب دنیا بعد از نماز صد بار بخوانند لی الدنیا وما فیها جمیعا
لی الملک فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه است از برای عرفان بخوانند
اتعرف من له اسم کاسمی انا الرحمن فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه است
از برای رسیدن غائب چهل و یکبار بخوانند اتعرف ساترا للعیب غیری
انا الستار فاطلبنی تجدنی وایضا این آیه میباشد برای جمیع حاجات چندانکه
توانند بخوانند انا الله الذی لا شیء غیری انا الدیان فاطلبنی تجدنی
ایضا این آیه میباشد بجهت رؤیت حضرت صاحب الزمان عج باید خوانده شود
انا الموجود قبل القبل وبعد البعد فاطلبنی تجدنی **طرفیة** گویند صد
و دو اسم خداوند است بی نقطه که بر آنها آثار غریبه از قبیل صنوف حکمت و علوم
عجیبه و رفع آفات و دفع بلیات و انجاح مقاصد و اصلاح مفاسد و کامکاری
دارین و سعادت نشاتین وغیرها مترتب است و آن اینست الم الله لا
اله الا هو الله العلی الاعلی وله الاسماء العلی الاله العطاء السادح الملح
الممدوح الروح الراح المصرح الملح المصحح الاحد الصمد الواحد الاحد الحامد
المحمود الواحد الموعود المعدود الصاد المرصاد السداد العماد المعاد العامر المعمور
المطهر الطاهر الطهور المصور المکسر المدمر الامر الدامر الدهور السرور المسرور
المحرس المانس المطمس المحصص الصراط الواسط الصادح اللامع المطلع
الواسع الموسع المسرع المالک المملوک الملک الملوک الماسک المدرک المدرک
الاول المأول المحلل المعدل الموکل المطول المحصل المسهل المکمل السائل
المسئول المحول الحول والاحوال الحامل المحمول الکامل الاکمل العادل الاعدل
الواصل الاکرم العالم الاعلم الدائم السالم المسلم الحاکم المحکم العاصم
المعصوم الراحم المرحوم المکارم المکالم العالم الحرم المطعم السلام الاسلام
الاکرم

الاکرم الکلام المدعو العلو الجلو السمو الا له المولاه الاواه والاسما کلها
هو لا سمی له و لا اله سواه والحمد لله کما هو اهله و لا اله الا الله اللهم
صل علی محمد و آله و سلم سلاما دائما طریقه گویند این دعا از اسرار
مکنونه است و جهت مهمات عظیمه بعد از هر نماز یکبار بخوانند که از اسرار مکنون
است با اعتقاد کامل خوانده شود اللهم انی اسئلک باسمک المکتوب فی
سرادق المجد و العظمة واسئلک باسمک المکتوب فی سرادق البهاء واسئلک
باسمک المکتوب فی سرادق العظمة واسئلک باسمک المکتوب فی سرادق الجلال
واسئلک باسمک المکتوب فی سرادق العزة واسئلک باسمک المکتوب فی
سرادق القدرة واسئلک باسمک المکتوب فی سرادق السرائر السابق الفائق
الحسن النضیر رب الملائکة الثمانیة ورب العرش العظیم وبالعین التی لا تنام
وبالاسم الاکبر الاکبر الاعظم الاعظم المحیط بملکوت السموات
والارض وبالاسم الذی اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسخرت به
البحار وبالاسم الذی قام به العرش والکرسی وباسمائک المقدسات
المکرمات المخزونات المکنونات فی علم الغیب عندک اسئلک بذلک کله
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت
خود را ذکر کند که بمنزله گوگرد احمر است در اجابت طریقه گویند یکی
طرق ختم سوره مبارکه توحید است که دو رکعت نماز حاجت کند و
صد مرتبه صلوات فرستد و چهارصد و چهل و چهار مرتبه سوره قل هو الله
احد را بخواند و بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام قصد نموده چهارصد مرتبه
در یک مجلس خوانده بروح اقدس آنحضرت هدیه نماید و چهل و چهار مرتبه دیگر
در روز دیگر دارد تا آنکه بمطلب برسد بخواند و تجربیات سریع الاجابه میباشد و
اگر شب جمعه باشد این عمل بهتر خواهد بود طریقه گویند بجهت عزت در مجالس
سلاطین و حکام هر وقت بحضور رود با انگشت سبابه لفظ مدوح و ابریحیا
نویسد بطریقی که خطا بدوح تمام صورت را فرو گیرد از مجربات است طریقه گویند
از حضرت امام علی النقی علیه السلام روایت که فرمودند من از حق تعالی سؤال کردم که هر کی
را بنده ها

باید عادت کنند تا امید نگردد و خدا تیم دعا او را مستجاب کند یا عدتی
دون العدد و یا رجائی والمعتمد و یا کهفی السند یا واحد یا احد یا من هو
الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد اسئلک
بحق من خلقته من خلقک و لم تجعل فی خلقک و لم تجعل فی خلقک
مثلهم احدا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا طریقه
گویند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بجهت روزی حلال و دفع بلیات
و آفات بعد از نماز بامداد بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یا رازق المقلین
یا ذا القوة المتین یا ولی المؤمنین یا دیان یوم الدین یا ارحم الراحمین یا
راحم المساکین اغفر لی وارحمنی و اغننی من الفقر و صلی الله علی محمد
و آله اجمعین طریقه گویند از حضرت امیر علیه السلام مرویست بجهت عزت
نزد سلاطین و کل خلایق و تاثیر کلام هر روز این دعا را بخوانند و کف دست
بدمد و بر سر و اعضای خود بمالد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک
الکبیر فعال لما یرید یا من هو حی یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام
برحمتک یا ارحم الراحمین طریقه گویند از میرداماد ره نقلست که هر که
شانزده نوبت ناد علی کبیر را بدین نوع بخواند هر حاجتی که داشته باشد
روا گردد در ساعت و هر که بعد از عصر سه نوبت بخواند و در یا علی گفتن سه
نفس بگوید هر چه مقصود او است روا گردد انشاء الله تعالی الحمد لله رب العالمین

ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی
بعنایتک یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی الغوث
اغثنی یا علی ادرکنی انا من اعدائک بریء یا الله وعنت الوجوه للحی
القیوم ایاک نعبد و ایاک نستعین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا طریقه گویند از
اول ماه صفر الی دهم هر روز سی و هفت بار بخوانند که مجموع سیصد و هفتاد مشود
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اصرف عنا البلیة و الخطر فی هذا الشهر الصفر ختم
بالخیر

بالخير والصغير بحرمة نبينا محمد سيد البشر وائمتنا المعصومين اثنى عشر صلى
عليه وعليهم الى يوم المحشر طريفة في خبر عن الامام ع انه قال ان محمدا ص
نزل عليه كتاب مبارك لا يمحوه الماء يقرؤه هو وامته على سائر احوالهم قال العلامة
المجلسي قده قوله لا يمحوه الماء لعله مخصوص بالقرآن الذي بخط امير المؤمنين ع
والمراد عدم محو جميعها بالماء او اذا محي بالماء لا يذهب لانه آيات بينات في
صدور الذين اوتوا العلم وفي بعض النسخ لا يمحوه الزمان وهو ظاهر انتهى طريفة
گويند در حل طلق بيكساعت طريق اين چنين است كه گيرد دانه اشنان پارسي
وخشك كند وتقطير كند وطلق محلوب را در بوته گرم كند كه سرخ شود وبعد اين آب
كه تقطير نموده بريزد در حال حل شود بوقت حاجت بكار برد طريفة في حكى
المعراج فقال رسول الله صلى الله عليه وآله يا رب اعطيت انبيائك فضائل فاعطني
فقال الله تعالى وقد اعطيتك فيما كلمتين من تحت عرشي لا حول ولا قوة الا بالله
ولا منجا الا اليك طريفة گويند تاثير مجاورت در اناس واضح است اما
در جمادات پس آهن را هرگاه زماني با مقناطيس گذارند طبع آن در آن ظاهر خواهد
شد ودر نباتات هرگاه تاريخ سال گذشته را كه در درخت گذارده باشند و
خشك و پژمرده شده باشد چند روزي با تاريخ تازه مجاورت داده شود سبز شاد
وخرم وشاداب ميشود ودر حيوانات هرگاه حيوان رام ذلولي با حيوان صعب
شرير مدتي در يك طويله ببندند بعد از چندي همان حيوان رام شرير وناهنجار ميگردد
بلكه مجاورت انسان با حيوان نيز موثر است چنانچه جمالان چون شتر حليم و
بردبار و قاطرچيان چون قاطر شرير وناهنجار ميشوند طريفة گويند چون
بعضي بواسطه تطابق عدد با ماده تاريخ نفوس وقاده او را در اشعار شعرا حمل بر دروغ
وولاة آن اولياء ع نموده اند طريفة گويند از مزاياي عدد سبعه آنستكه دارا
مقام هر عددي جمعست چنانچه هر عددي يا زوج باشد يا فرد ويا فرد وزوج با يكديگر
باشد در عدد سبعه هر اينها موجود است چه زوج يا زوج اول بود يا زوج ثاني و
فرد يا فرد اول بود يا فرد ثاني ودر سبعه هم زوج اولست وهم زوج ثاني وهم فرد اول
وهم فرد ثاني چون دو وچهار وسه وپنج واگر فرد اول با زوج ثاني جمع كني هفت شود واگر

زوج

نوع اول با وزن ثانی جمع کنی هم هفت میشود طریفه گویند یکی از عددهای کامل
هشت است که مکعب است زیرا که دو در دو در چهار باشد و چهار در دو هشت
و هشت نخست عددی مجسم است از انکه هیچ عددی تا مکعب نشود مجسم نشود
چه جسم آن بود که او را طول و عرض و عمق است و هر خطی را دو سر باشد
و آن بمنزله جذر بود چون در عرض بنی چهار شود و چون در عمق بنی
هشت شود و این مثال نقطه و خط و سطح باشد طریفه گویند چنانکه
حساب نامتناهی است اشکال نیز نامتناهی است و هر یک آیت وحدة
حقیقیه است دیگر دست طریقه گویند ارسطوطالیس در یکی از کتب
خود گوید که بسیار بود که من بنفس خویش خالی شوم و تن را بجای نمانم چنانکه
پنداری که جوهر مجردم بی تن و همه چیزهای عالم را دریابم و غایت خویش تنها
چیزهای نیکو بدانم و داخل بنفس خویش و خارج موجودات باشم پس بدین
سبب دانستم که از عالم علوی شریفم و قطره از آن دریایم طریقه فی البحار
نقلاً عن فقه الرضا ع قال العالم فی العسل شفاء من کل داء من لعق لعقة
عسل علی الریق یقطع البلغم ویکسر الصفراء ویقمع المرة السوداء ویصفو
الذهن ویجود الحفظ اذا کان مع اللبان الذکر والشکر ینفع من کل شیء
ولا یضر من شیء وکذلک المنام المغلی ونروی ان التمادا اذا ادرکت نفید
الشفاء وارو عن العالم فی القرآن شفاء من کل داء طریفه فیه ایضا عنه ع
شرب الماء من الکوز العام امان من البرص والجذام طریفه گویند دبیله
تصغیر دبله بمعنای عمل کثیر است که او را کفکیرک نامند طریفه فیه
ایضا قال ع من ادمن اکل الزبیب علی الریق رزق الفهم والحفظ والذهن ونقص
من البلغم طریفه فی الرسالة المنسوبة الی امیر المؤمنین علیه السلام من کتب ثمان
مائة وخمسة ضاد لیلة السبت ونقش علی خشب الرمان علی هیئة علم ویعلق فی
جدار القبلة ادرک له کل ما لم یعند الناس ومن وضعه فی الکتاب العزیز المجید صار
مکرما ولیکن ذاکرا لهذین الاسمین وهنا یا مذل یا مؤمن طریفه قیل
کلام

وكل اسم فيه الطاء مثل اللطيف والطاهر فالمداومة عليه يجعل القلب ثابتاً
على الطاعة والرزق واسعاً ومن قرأه مائتي مرة اطاعه كل من رأى
طريفة قيل في كتب المشايخ كل اسم فيه القاف عدده ١٨١ يقرء عند غروب
الشمس لحصول العزة والاقبال والجاه والدولة وذلك مثل يا قيوم يا
قادر طريفة گويند بجهة كشف ارواح هر اسمى را از اسماء الله تعالى
كه در او كاف باشد مثل كافى وكريم هزار و يانصد مرتبه بخوانند موثر خواهد
انش تع طريفة گويند بجهة زيادتى فهم وعقل وحفظ ورفع نسيان هر
اسمى را كه در او ميم باشد مثل رحيم ورحمن نود مرتبه بايد خواند طريفة
في البحار وعنه ع في المرأة التي يستمر بها الدم فتستحاض قال تغتسل عند صلوة
احتساباً فانه لم تفعله امرأة قط احتساباً الا عوفيت عن ذلك طريفة
فيه ايضاً روى انه اذا عرضنا الحمى لانسان فينبغي ان يداويها بصب الماء عليه
فان لم يسهل ذلك عليه فليحضر له اناء فيه ماء بارد ويدخل يده فيه طريفة
قيل في حديث عمر اذا اقيمت الصلوة ولى الشيطان وله خيج بالتحريك الضراط
ويروى بالحاء المهملة طريفة قيل ان في البدن قوى اربع هي الموجبة لفوات
السعادات الروحانية احدها القوة الخيالية الموضوعة في البطن المقدم
من الدماغ واليها الاشارة بقوله تع من بين ايديهم والثانية الوهمية
الموضوعة في البطن المؤخر من الدماغ واليها الاشارة بقوله تعالى ومن خلفهم
في البطن الايسر من القلب واليها الاشارة بقوله وعن شمائلهم فلذلك خص
اتيان الشيطان في الوسوسات المحرمات بهذه الاربع من الجهات فتم
طريفة گويند گاهى شعراء عجم الف ورا اماله كنند وبياء خوانند
مثلا عماد را عميد خوانند واگر چنين يائى را با ياء اصلى مثل خورشيد مقابل
آورند هر اينه از عيوب شعريه خواهد بود طريفة گويند هرگاه
نمك را با پارچه سرخى بسته وبر طرف چپ ناف تعليق كنند باعث سرعت
ولادت او گردد انش تع طريفة گويند چون ملح القلى را در سركه حل
كرده

کرده عقد کنند و با نوشادر بسایند و نقل معادن بمرتبه اعلی مجرب
دانسته اند و چون از برای هر بیست درم نوشادر یک عدد زرده تخم مرغ
پخته اضافه با تش برشته با فشردن روغن آنرا بگیرند در عمل رصاص
مجرب شمرده اند والله العالم طریقه طریق عقد محلول در اصطلاح
اهل صنعت آنستکه آن محلول را در قاروره کنی و سر او را با آهک و سفیده
تخم مرغ محکم نمائی و گودی بکنی و آن قاروره را در گل حکمت بگیری
و در آن گودی نهی و اطراف آنرا بخاک انباشته کنی و اندکی آب بر آن
خاک بپاشی و پای بر آن خاک نهی چنانکه محکم شود و قاروره نشکند
پس بیاوری سرگین خشک را در بالای آن بریزی بقدر دو زانوئی که در آن
قاروره میباشد نه کم و نه زیاد پس آن سرگینها را آتش بزن و بگذار
تا زمانی که آتش تمام شود و سرد گردد پس بیرون آور و تجربه کن
بانکه او را در صفحه تافته از مس یا نقره بریز اگر دود کند ناتمام والا
تمام است والله العالم طریقه گویند ملغمه آنست که دو چیز را با جسد
هم آمیزی که یکی شود و آلت این کار سنگ مهره و سنگ صلایه است
مثل مرمر یا آبگینه و یا یشم یا سنگ سماق است که با آنها آنرا سحق
کنی طریقه گویند آلت تشویه قدحی آبگینه میباشد و قدح با یکدیگر
ترکیب کرده که درون دو قدح باشد و با تش نرم مانند خاکستر گرم
یا مانند آن تشویه کنند طریقه گویند در عمل قمری تمام بگیر دو زرنیخ
زرد بغایت نیکو و در کفچه آهنین کن بعد از آن که نیکو سحق کرده باشد
پس با تش نرم کرده و روغن کرده پنبه در روی افکنند تا آنگاه که دود
سیاه شود و آنرا بریزد و دیگر بروغن کرده پنبه در روی افکند تا آنگاه
که سفید شود پس چون سفید شدن کند او را بیرون آورد و در آب
نمک بشوید و دیگر باره همان مینماید تا زمانی که بغایت سفید و
لطیف و قائم گردد و بعد از آن درمی از آن بر پنجاه درم زهره منعقد

طرح

طرح کند نقره در غایت سفیدی و نرمی باذن الله تعالی بیرون آید
طریفه ایضاً در عمل مزبور گویند بگیرد کبریت زرد سندروی
و نیکو و نرم صلایه کند و بروغن زیت می پزد و هرگاه روغن سیاه
شد آنرا بریزد و روغن بر آن بچکاند و همچنین تکرار کند تا آنگاه
که سفید شود درمی ازان بر بیست درم زهره منقی طرح کند قمری
گردد سفید بفرمان خدا تعالی طریفه گویند تنقیه سرب چنانست
که سرب را بگدازد و در آبی که شب یمانی حل کرده باشند و گرم باشد
بریزد و یکبار دیگر در آب بریزد همچنین مکرر کند تا سفید و خوش لطیف شود
طریفه ایضاً گویند قمر یکمثقال قلعی یک مثقال براده حدید یکمثقال
این مجموع را بر نه مثقال زهره منقی طرح کند قمر نیکو گردد و تنقیه زهره
را با مازوی گیلانی باید کرد والله العالم طریفه گویند هرگاه کسی
بیضه مرغ خورده باشد نباید فصد کند اگرچه یکشبانه روز هم فاصله
شده باشد و بسا موجب هلاکت خواهد بود طریفه لا ادری
داد حق را قابلیت شرط نیست بلکه شرط قابلیت داد اوست
طریفه گویند یکی از حکما در مجلسی با یکی از ناقصین جهلا مصاحبت
داشت در اثنا خیال در فضای دهان و اخلاطی با خیو جمع شده ملتفت
راست و چپ شد و اخلاط و خیو را بر صورت آن شخص جاهل ناقص انداخت
حاضرین را از این کار در حین نهایت تعجب دست داد سبب را پرسیدند
جواب داد آنکه بعد از التفات باطراف عرصه را که لایق این خیو و اخلاط باشد
نیافتم جز صورت این شخص جاهل که قابل این امر بود و از این پستر در روی عرصه
نبود طریفه گویند حمته دزدید و گمشده هفت مرتبه یا هفتاد مرتبه بخواند بی شک
پیدا شود اصبحت فی جوار الله امسیت فی امان الله طریفه هرکه در محل
غروب آفتاب چهل و یکبار آیة الکرسی را بخواند آنچه از خداوند تعالی بخواهد بیابد
انشاء الله تعالی تمت فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۲ بید اقلح ناسخها

في الختومات المجربة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين الميامين
ان شاء الله بعضی از ختوم مجربه مخزونه که در کتاب جواهر مکنونه از مصنفات
عالم ربانی مسمی باسم حاج ملا مصطفی ولد حاج ملا محمد خوئی از معاصرین
مرحوم شیخ احمد احسائی واقع و مندرج است استخراج میشود در این اوراق
نگاشته میگردد مرحوم مصنف آن کتاب اجازه داده اند بکافه عاملین
بالختوم چنانکه خود از علما و اهل ذکر مجاز بوده اند ولی اجازه در این ختوم
را معلق داشته اند بر آنکه عاملین او را و والدین او را دعا خیر کرده
طلب مغفرت و استغفار نمایند انتهی عاملین او را با والدین او و جامع این حروف
محمد حسین بن الحاج محمد حسین النائینی عفی الله عنهما با والدین او و ترغیب و تحریص
کننده بر طبع این کتاب جناب مستطاب شریعتمدار آقای آمیرزا اسدالله نائینی
دام افضاله العالی از دعای خیر فراموش نفرمایند تا انتهی بر ختوم معموله اما
معموله ترتیب یابد ختم اول موهوبیستکه هر که در ورطه و بلیه گرفتار
شود و راه نجات بروی بسته شود نوزده ۱۹ مرتبه از روی اخلاص بگوید
النجاة منك يا سيدي الكريم بحقي وخلصني بحق بسم الله الرحمن الرحيم
ختم دوم از برای قضاء حوایج این دعا را هفتاد مرتبه با اعتقاد صادق
شیخ بهائی میفرماید که اگر حاجت او روا نشد روز قیامت با من مخاصمه نماید
و فرموده که اگر بنیت شفا یا فتق بیمار هفتاد مرتبه بخوانند و در حال سجده از
جمله مجربات است مگر آنکه اجل مریض حتمی باشد و دعا اینست لا اله الا
الله بعزتك وقدرتك لا اله الا الله بحق حقك وحرمتك
لا اله الا الله فرج برحمتك ایضاً در کتاب مذکور است که
بجهة حوائج دنیا در مجلس صدقه بیست مرتبه آیه مبارکه امن

یجیب

يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ بخواند در همان هفته مطلب
رسد انشاءالله ختم سوم صد مرتبه گفتن يا قاهِرَ العدوّ و يا والیَ
الولیّ یا مظهرَ العجائب یا مرتضی علی از خواجه نصیر طوسی ره و از علامه
حلی ره نقل شده است بجهت مطالب مهمه و دفع اعداء مجرب گفته اند
و ایضاً گفتن صد و یازده مرتبه یا قاهرَ العدوّ و ورد تأثیری بخشد و از
میرزا محمد گویا نقل شده است ختم چهارم هر که در ورطه افتد که
تدبیری از خلاصی آن نباشد این دعا را مکرر بخواند و اگر در یک مجلس
رو بقبله و با وضو صد و بیست هشت مرتبه بخواند اتم و اصوب است
و بتجربه رسیده است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ یا لطیفاً ادرکنی بلطفک الخفی ختم پنجم از برای ذهاب هم
و غم و برطرف شدن کدورت خواندن یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی
این عدد مذکور از جمله مجربات است صاحب کتاب گوید که تأثیر آن چه
تا بحال تخلف ندیده ام و همچنین است خواندن یا لطیف باین عدد مذکور
ختم ششم از برای حاجت خواندن لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین در حال سجده چهل مرتبه ختم هفتم بجهت دفع دشمن
از روز پنجشنبه تا یکهفته هر روز صد و چهل و شش مرتبه بگوید حسبی الله
که البته شر آن دشمن کفایت میشود و از برای غیر این مطلب نیز خوب است
صاحب کتاب گوید که شیخ احمد احسائی تجربه نموده اند و حقیر را اذن
داده اند بخواندن آن و ختم هشتم دوازده هزار مرتبه خواندن
یا علی است و در مطلب عسر الحصول صاحب کتاب تجربه کرده است
ختم نهم از جمله تجربیات مرحوم شیخ است در رشد اولاد و دفع نکبتها
خواندن هفتاد مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم یا محمد یا علی یا فاطمه
یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی و در نسخه دیگر هفتاد و یک مرتبه است

ختم دهم یا ده مرتبه گفتن یا مالک یوم الدین ایاک نعبد
و ایاک نستعین بجهة خوف از صاحب سلطنت و امر عظیمی ابتلا
تجربه شده است ختم یازدهم هفتاد بار خواندن حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم است بجهة
عزت و وسعت و محبت ختم دوازدهم هر روز خواندن هفتاد نادعلی
است بجهة حاجت و ضیق معاش و غیر ذلک و ادعای تجربه شده است
که در خواب یکی از ائمه بر آن شخص مجری ظاهر میشوند و مطلب او را
بیان میفرمودند و ایضا صد و ده مرتبه در یک وقت نیز وارد شده
و صورت آن در بعضی اقسام این است نادعلیا مظهر العجائب
تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی
یا علی یا علی بعد از اتمام رباعی مزبور سه مرتبه بگوید یا ابا الغوث
اغثنی ادرکنی یا علی ادرکنی اگر سه روز این ختم خوانده مقصود حاصل
گردد انشاء الله ختم سیزدهم خواندن العلی بنیانا و یا خیر بانیاه صد و ده
مرتبه هر روز بجهة فتوح درجه بلند یا متن ختم چهاردهم بجهة عزت و دولت
دو رکعت نماز حاجت کند و بعد پانصد مرتبه بگوید من کان یرید
العزة فلله العزة جمیعا که اثر عظیم دارد و بعضی مقید پنجشنبه
کرده اند و سیصد مرتبه در آن روز بجهة عزت در نزد علماء اعلم گفته
اند خواندن این آیه را ختم پانزدهم هزار و بیست و سه مرتبه بعد از
کلمه مبارکه توکلت علی الله از برای حوائج و محفوظی از قید و قضا
شیخ مرحوم صاحب کتاب اجازه داده اند ختم شانزدهم صد و
بیست و نه مرتبه گفتن یا لطیف است رو بقبله با وضو بجهة امر مهم
صاحب کتاب خود تجربه کرده و تعجب کرده ختم هفدهم صاحب
کتاب گفته مجربست که هیچ شکی و ریبی در آن نیست هزار بار
کرده بوده

که دو و بسط حرف نو ند حسبی الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین **ختم هجدهم** هر روز سوره مبارکه والذاریات و
طلاق و مزمل و الم نشرح بجهت امر معیشت و وسعت روزق از مجربات
یقینیه صاحب کتاب است از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
هر که الم نشرح را در وقت بیع و شراء سه مرتبه بخواند البته از آن بیع
و شراء باو نفع خواهد رسید و اگر بنویسند و بشویند و بزنی بدهند که
وضع حمل باو آسان گردد و سه مرتبه برای وجع دل بخوانند شفا یابد
و بجهت آسانی کارها تا یک هفته بعد از نماز بخواند مجربست سوره
منافقون را بجهت هر حاجتی بخصوص درد چشم و فرج موجب قضا و شفا
است و مجربست **ختم نوزدهم** ختم سوره مبارکه یس است از روز
جمعه ابتدا کنند تا روز پنجشنبه هر روز سه مرتبه بخواند که در عرض هفته
بیست و یک مرتبه خوانده شود و هر روز بعد از سه مرتبه خواندن یا من تحل
به عقد المکاره از صحیفه سجادیه و بجهت هر مطلبی همین عدد است لیکن
اگر مطلب روزی باشد روز پنجشنبه بخواند و اگر دفع دشمن است روز
سه شنبه و جمعه و دفعت روز یکشنبه و برای عقلیه و دینیه روز شنبه و
برای ریاضیه و حساب چهارشنبه و برای کدخدائی و تسخیر روز جمعه
و برای سفر دوشنبه که زود انشاء الله تأثیر کند اکثر خواص گفته اند
که اگر سوره یس را بر گلاب بخوانند بهر کس بدهند از محبت و بیقرار شود
و اگر خواهد کسی را مطیع خود کند سوره را بر پاره نبات بخواند بهر کس
بخورد مسخر گردد والله اعلم و در نسخه دیده شده که اگر بخواهی بخوابی زیر
ران خود آینه بگذار و بپهلوی بخواب چپ بد رسی که می بینی آنچه را
که متحول هم و باید هفتاد بار سوره اخلاص را بخوانی در خالق بر پهلو
خوابیده باشی و از جمله مجربات صاحب کتاب است که بجهت وسعت خوانده
سوره

سورهٔ انا انزلناه است بعد از نماز صبح ده مرتبه مختلف نداند صاحب
کتاب گویند در نسخهٔ بنظر حقیر رسیده که اگر تا چهل شب سورهٔ واللیل
هر شب یکمرتبه بخواند روز چهلم هر آرزو دارد خداوند عالم باو کرامت
فرماید ختم بیستم هر کس در نصف آخر شب برخیزد و سر برهنه
کند و آستین قبا بالا زند و رو بقبله کند و صد دفعه بگوید یا عزیز
خداوند تعالی او را البته توانگر گرداند و بعضی صد و سی مرتبه را قوی
گرفته اند و گفتن یا عزیز باین طور صد مرتبه بجهة عزت نیز مؤثر است
ختم بیست و یکم هر که بعد از نماز صبح بی فاصله هر دو دست را
بر سینه نهد و هفتاد بار بگوید یا فتاح دل او روشن و نورانی شود
و کارها بر او آسان شود و اگر بسیار بگوید از علم بهره یابد و گفته
اند شب جمعه بعد از دو رکعت نماز حاجت در سجده صد و پنجاه بار بگوید
یا فتاح کما هی امور بر او ظاهر شود ختم بیست و دوم بجهة نجات
از شدائد و غلبه بر خصم بعد از فریضه صبح قبل از طلوع آفتاب بعدد اسم خود
تا چهل روز بخواند امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء بجهة دیدن
در خواب خواندن این سه اسم اتفاقی که بتواند با شرایط از حیث مکان و لباس
النور و الباسط و الظاهر ختم ۲۳ بجهة حاجت بسیار دشوار بعد نصف شب یا
ثلث آخر شب دو رکعت نماز بکند بهر سوره و بعد از فراغ هفتاد بار بگوید یا ابصر
الناظرین و اسرع الحاسبین یا اسمع السامعین یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین
یا احکم الحاکمین و بعد از فراغ دست بردارد و حاجت خواهد صاحب کتاب تجربه
کرده بطور جزم ختم ۲۴ هر روز در وقت صبح ناشتا صد مرتبه لا اله الا
انت یا دائم کل شیء و وارثه بجهة صفای ذهن و فهم مطالب غامضه مؤثر است
ختم بیست و پنجم از برای توسعهٔ رزق و امر معاش و غنی و توانگری در سحرگاه
یعنی نزدیک صبح دو رکعت نماز کند در رکعت اولی بعد از حمد هفتاد مرتبه سورهٔ
قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد هفتاد مرتبه قل هو الله احد و در
رکوع هر یک از این دو رکعت هفتاد مرتبه سبحان ربی العظیم و در هر یک با سجدتین

هفده مرتبه سبحان ربی الاعلی و بحمده بگوید بعد از فراغ از نماز هفده
مرتبه آیة الکرسی بخواند که مجربست و گفته اند که این عمل از کنوز مخفیه است
بدست نا اهل نباید داد و خواندن سوره طه نزد طلوع فجر اقل اثر
او اینست که روزی تازه باو میرسد و ترحم دلها از برای او حاصل میشود
ختم بیست و ششم از روز جمعه تا چهل و یکروز هر روز چهل و یکمرتبه سوره
مبارکه حمد را بخوانند بی فاصله متصل و بعد از اتمام این دعا را سیزده
مرتبه بخوانند یا مُفَتِّحُ فَتِّحْ یا مُفَرِّجُ فَرِّجْ یا مُسَبِّبُ سَبِّبْ یا مُیَسِّرُ یَسِّرْ
یا مُسَهِّلُ سَهِّلْ یا مُتَمِّمُ تَمِّمْ از مجربات شمرده اند ختم بیست و هفتم
ختم یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ المَکارِهِ است که صاحب کتاب در این باب مجاز است
در وقت اضطرار در حوائج کلیه عظیمه روز یکشنبه اول فجر غسل کند
و نماز فریضه بکند و بلا فاصله دو رکعت نماز بکند و بعد بلا فاصله
دعای مزبور را بخواند و دوشنبه بعد از نماز صبح دو بار بخواند و هکذا
هر روز افزاید تا روز چهاردهم که حاجت روا شود ان شاء الله ختم ۲۸
صاحب کتاب گوید از بعضی از مشایخ مسموع شد که هر وقت خواسته
باشی از برای حوائج روز اول لعن چهار ضربی را صد مرتبه و روز صد و
یکمرتبه بخوان و حقیر در این قسم اجازه دارم و تجربها دیده ام اَللّهُمَّ
العَنْ عمر ثُمَّ ابا بکر و عمر ثم عثمان و عمر لعن الله عمر یا اللهم
العن عمر ختم بیست و نهم صاحب کتاب گوید از مجربات است و تخلف
ندارد و آن ختم یا مُنتَهَی الحاجات است از چهارشنبه اول ماه بعد از
نماز صبح بلا فاصله سوره الم نشرح را هر روز هفده مرتبه بخواند
تا هفده روز بعد از فراغ از هفده مرتبه یک مرتبه دعای یا من
یا مُنتَهی لمطلب الحاجات را تا آخر بخواند و بعد دعای یا مَن تُحَلُّ
بخواند مجربست ختم سی ام روز چهارشنبه دو رکعت نماز حاجت
به نیت رفع بیماری و غنی و عزت چهل مرتبه سوره کوثر را بخواند

مال

مال بسیار روزی او شود ختم سی و یکم روز چهار شنبه هفتاد مرتبه این آیه را بخواند برای اهالی علم و قلم فائق آید و غنی و مُکرّم گردد هُوَ اللهُ الَّذِی لا اِلهَ اِلَّا هُوَ عالِمُ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ ختم سی و دویم روز پنج شنبه از برای مال و ثروت دو رکعت نماز بکند و بعد سوره مبارکه یس بخواند و این عمل را تا سه روز بعمل آورد اکمل واتم خواهد بود ختم سی و سیم ختم زیارت عاشورا است روز شنبه شروع کند تا یک هفته هر روز یک مرتبه بخواند و تا چهل روز نیز مشهور است ختم سی و چهارم بجهة فرومادگی در کارهای دشوار در شب جمعه یا شبهای متبرکه بعد از نمازهای واجب سه مرتبه صلوات فرستند و بعد رو بقبله بخوابد بطریقی که میت را در لحد می خوابانند که در خواب ان شا الله با و بگویند که چگونه بیابد و اینرا اگر در خواب ببیند اظهار نباید با حدی بکند دعا اینست بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ یا نُورَ النُّورِ یا مُدَبِّرَ الاُمُورِ بَلِّغ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تَحِیَّةً وَسَلاماً بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی خَیرِ خَلقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجمَعینَ و ایضا در شب جمعه در خلوتی بنشیند و با احدی حرف نزند تا وقتی که نماز خفتن را بگذارد و بعد از آن نماز دو تو را بجای آورد و در سجده آخر نماز دو تو بگوید یا اللهُ یا رَحمنُ یا حَیُّ یا قَیُّومُ بِکَ اَستَغیثُ یا اللهُ پس حاجت طلبند در قرض و در تعب و تنگی و بحضرت بعونی نباشد که از اسرار اولیاء الله است ختم سی و پنجم اگر خواهند از امر پنهانی آگاهی حاصل شود دو رکعت نماز بکند و در سجده

آخر

آخر صد و پنجاه مرتبه بگوید یا فتاح آن امر برا و ظاهر گردد
ختم سی و ششم بجهت هلاکت اعداء و مقهور شدن ایشان
هشتاد سنگ ریزه بردارند و بر هر یک معوذتین را بخوانند و
بعد از آن سنگ ریزه ها را در کوزه آب ندیده نهد و کوزه را
در آتش گرم دفن کند و اگر با وجود آنکه در آتش گرم دفن است
باید گرمی آتش همیشه بکوزه برسد بهتر خواهد بود و ترک این ختم
اقرب باحتیاط است ختم سی و هفتم چون خلق نماز جمعه را
کردند بعد از آنی که غسل جمعه را کرده باشی با لباس طیب طاهر
در سجده بهر نیت که خواهی دویست مرتبه بگو یا الله المحمود فی کل
فعاله با خشوع البته مرادت حاصل خواهد شد ختم سی و هشتم
در نصف شب جمعه هزار مرتبه بگو یا قابض بجهت هلاکت اعداء
و مقهوریت آنها ختم سی و نهم در ثلث آخر شب جمعه گذشته
باشد پانزده مرتبه سوره قدر را بخوان از برای هر حاجتی مجربست
ختم چهلم نوزده مرتبه بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد
و آل محمد ان تنجینی من هذا الغم بجهت هم و غم و اکرمهم
بسیار مجربست والسلام علی من اتبع الهدی

تمت هذا الکتاب الکوهر شب چراغ
و ادعیه و الختومات المجربه
بعون الله تعالی
و حسن توفیقه

حسب الحکم نیکنامان

بکار الاحقر العلیل

بسعی و کوشش خیر الحاج حاج غلامعلی مدیر کتابفروشی
کمالی
که در خط و کاغذ و تصحیح این نسخه کمال دقت را نموده اند

هو الله تعالی



تمام شد
گوهر شب چراغ در
مراثی تألیف عالم فاضل و عامل کامل
آقای آخوند ملا محمد حسن نائینی

التماس دعا
درویش ح ابن ابراهیم ابن وهاب

چون این نسخه گوهر نایاب بود و طالب بسیار داشت
لهذا مشار الیه همت و کوشش نمود در خط
و کاغذ و طبع آن نمود امید است که
طالبین ایشان را قدردانی نمایند

و حق طبع محفوظ است فی
شهر محرم سنه ۱۳۰۸ در مطبعه

بید الاقل ح ناسخان